

هر دو مجلس با اکثریت قریب به اتفاق به او رأی اعتماد دادند و تقاضای اختیارات او در مجلس شورا به کمیسیون ارجاع شد.^{۲۲۵}

در مجلس هم «آیت‌اله کاشانی» (نماینده تهران) به ریاست مجلس انتخاب گردید (آیت‌اله کاشانی پیش از انتخاب به ریاست، در مجلس حاضر نمی‌شد. در مدت ریاست هم - از ۱۶ مرداد ۱۳۳۱ تا ۱۰ تیرماه ۱۳۳۲ - بندرت در پشت میز ریاست حاضر می‌شد و مجلس به وسیله «محمد ذوالفقاری» و «احمد رضوی» دو نایب رئیس مجلس که زیرنفوذ «آیت‌اله کاشانی» بودند، اداره می‌شد).

در همین روزهای آغاز پیروزی دکتر مصدق، به دستور او دفاتر مخصوص شاهدختها و شاهپورها بسته شد و «ملکه مادر» و «شاهدخت اشرف» از ایران تبعید شدند و قیام سی‌ام تیر ۱۳۳۱ طبق یک ماده واحده که در شانزدهم مرداد به تصویب مجلس شورا و سپس مجلس سنا رسید، به‌عنوان «قیام مقدس ملی» و نیز در یک ماده واحده «قوام» مفسد فی الارض شناخته شد و اجازه پی‌گرد او و مصادره اموالش داده شد.^{۲۲۶}

در جلسه ۱۲ مرداد مجلس شورا اختیار قانونگذاری برای مدت شش ماه به دکتر مصدق داده شد و در جلسه بیستم مرداد به تصویب مجلس سنا نیز رسید. در حالی که دادن اختیارات، خارج از حدود وظیفه

علی‌اکبر اخوی وزیر اقتصاد ملی، خلیل طالقانی وزیر کشاورزی، سیف‌الله معظمی وزیر پست و تلگراف، ابراهیم عالمی وزیر کار، داود رجبی، علی‌آبادی، ملک اسماعیلی، وزیر مشاور. حسین فاطمی معاون نخست‌وزیر، سرلشکر احمد وثوق معاون وزارت دفاع ملی (بزودی برکنار شد و سرتیپ مهنا و سرتیپ ریاحی معاون وزارت دفاع شدند).

۲۲۵. مصدق، تألیف علی جانزاده، صفحه ۱۰۳.

۲۲۶. رهبران مشروطه، بیوگرافی قوام، دوره دوم.

مجلس و خلاف قانون اساسی بود، ولی با محیطی که فراهم آمده بود، دکتر مصدق این اختیارات را گرفت^{۲۲۷} و از این پس دو مجلس هیچ‌کاره بودند. در وزارت دفاع ملی هم مصدق پس از چند هفته به دو معاون جدید (سرتیپ مهنا و سرتیپ ریاحی) دستور داد که از رفتن نزد شاه و دادن گزارش خودداری کنند و مطالب راجع به ارتش را فقط به او گزارش دهند.^{۲۲۸}

برای رسیدگی به حوادث سی‌ام تیر، یک کمیته تحقیق از سوی مجلس شورا تشکیل گردید. ریاست کمیته با دکتر بقایی بود. چند نماینده مجلس و چند تاجر بازاری عضو این کمیته بودند. این کمیته با مقامات بازرسی و دادسرای تهران و دادرسی ارتش در تماس بود. میان دادرسی ارتش و دادسرای تهران برای صلاحیت رسیدگی به جرایم متهمین واقعه سی‌ام تیر اختلاف نظر وجود داشت و سرانجام صلاحیت دادگستری تأیید شد. در این میان، سرهنگ قربانی و سرهنگ نادریان و سروان فاطمی و سروان صیرفی، افسران شهربانی که در راه انجام وظیفه برای پاس نظم و امنیت شهر برخاسته بودند، بازداشت و به محاکمه کشیده شدند.^{۲۲۹}

در همین حال، «آیت‌اله کاشانی» محاکمه سریع قوام و نیز

۲۲۷. ماده واحده قانون اختیارات: به شخص آقای دکتر محمد مصدق نخست‌وزیر اختیار داده می‌شود از تاریخ تصویب این قانون تا مدت شش ماه، لوایحی را که برای اجرای مواد نه‌گانه برنامه دولت ضروری است و در جلسه هفتم مرداد مجلس شورای ملی و جلسه یازدهم مرداد مجلس سنا تصویب شده است، تهیه نموده و پس از آزمایش آنها را در ظرف مدت شش ماه که مدت این اختیارات است، تقدیم مجلس نماید و تا وقتی که تکلیف آنها در مجلس تعیین نشده، لازم‌الاجراء است.

۲۲۸. مصدق در محکمه نظامی، جلد دوم، صفحه ۵۷۴.

۲۲۹. روزنامه داد، شماره پنجم، شهریورماه ۱۳۳۱.



آیت‌الله کاشانی

دستگیری و محاکمه سرلشکر کوپال رئیس شهربانی و سرلشکر غلوی مقدم فرماندار نظامی را می‌خواست و همین نکته موجب بروز اختلاف میان او با «دکتر مصدق» شد. «آیت‌الله کاشانی» بازگشت مصدق را به قدرت مدیون حمایت خود می‌دانست و نیز به‌عنوان یک پیشوای روحانی، دخالت در امور اجتماعی و رسیدگی به تظلمات مردم را از وظایف خود می‌شمرد و پیش از این هم نظریه‌ها و توصیه‌های بسیار به «دکتر مصدق» و وزارت‌خانه‌ها می‌داد، ولی مصدق چندی پس از بازگشت به قدرت، از پذیرفتن نظریه‌ها و توصیه‌های «آیت‌الله کاشانی» خودداری می‌کرد، چون آن نظریه‌ها و توصیه‌ها را دخالت در کار دولت می‌دانست و به تفکیک دین از سیاست اعتقاد داشت. از این رو، چند ماه بعد به وزارت‌خانه‌ها دستور داد به توصیه‌های «آیت‌الله کاشانی» ترتیب اثر ندهند. اختلاف نظر میان «مصدق» و «آیت‌الله کاشانی» کم‌کم آشکار شد و بالا گرفت، تا جایی که چند روزنامه وابسته به دولت، کاریکاتورهای توهین‌آمیز از «آیت‌الله کاشانی» چاپ می‌کردند و این اختلاف چنانکه در صفحات بعد خواهیم دید، به جدایی «آیت‌الله کاشانی» از «مصدق» انجامید.

بحران اقتصادی

در حالی که دولت با بحران شدید اقتصادی روبه‌رو و هفده میلیارد ریال هم به بانک ملی مقروض بود،^{۲۳۰} مصدق که در امور مالی و بانکی اختیارات کامل گرفته و برای رفع بحران به انتشار اسکناس تصمیم گرفته بود، از «دکتر شاخت» اقتصاددان معروف آلمان دعوت کرد به

ایران بیاید. او در شهریورماه همراه سه اقتصاددان به تهران آمد، چهار بار با مصدق و نیز با وزیر دارایی و مسوؤلان دیدار نمود و با آگاهی از نظریات آنان و پس از چند روز مطالعه گفت:

اقتصاد ایران مدیر ندارد و حل مشکل نفت را تنها راه رفع بحران اقتصادی ایران دانست. ۲۳۱ دکتر شاخت و سه همراه او با گرفتن رقم قابل توجهی بابت هزینه رفت و آمد و پاداش مسافرت و هفت قالیچه کادو به آلمان بازگشتند.

چند هفته پس از رفتن هیأت دکتر شاخت، نمایندگان اقتصادی سازمان ملل به ریاست «کامیل گوت» اقتصاددان بلژیکی در روز هشتم مهرماه به دعوت «مصدق» به تهران آمدند و با دکتر مصدق و دیگر مقامهای ایرانی ملاقات و گفتگو کردند. اینان بیش از هیأت «دکتر شاخت» در ایران ماندند و با دکتر مصدق و وزیر دارایی و وزیر اقتصاد و رئیس بانک ملی دیدارهایی داشتند. اطلاعات بایسته را به دست آوردند و در وضعیت اقتصادی ایران مطالعه نمودند. نظریه این هیأت هم با نظریه هیأت شاخت تقریباً همانند بود. هیأت گوت هم علاوه بر هزینه رفت و آمد و پاداش کلانی که گرفتند، شش قالیچه که به موجب تصویب نامه دولت به مبلغ ۲۶۶،۵۰۰ ریال خریداری شده بود، از نخست وزیر به عنوان کادو دریافت داشتند. هیچ یک از این دو هیأت نتوانستند معجزه کنند و وضع اقتصادی ایران هرروز وخیم تر می شد.

اقداماتی برای تثبیت دولت

در شهریور ماه، پانزده تیمسار و یکصد و سی و شش افسر ارشد به دستور

مصدق بازنشسته شدند و این یک نوع پاکسازی معرفی گردید. این افسران بیشتر مخالف روش مصدق در کارهای وزارت دفاع ملی بودند، ولی افراد بد سابقه و اهل سوءاستفاده هم در میان آنان بود و از این پس همه به صف مخالفان دولت درآمدند. سرلشکر فضل الله زاهدی که از هنگام کناررفتن از وزارت کشور (تیرماه ۱۳۳۰) در صف مخالفان جدی مصدق درآمده و در اندیشه زمامداری بود و در ارتش و خارج ارتش نیز طرفدارانی داشت، با داشتن مقام سناتوری و مصونیت پارلمانی با ناراضیان حکومت در تماس بود و در تضعیف دولت می کوشید. دکتر مصدق که از کارآیی زاهدی در مخالفت با دولت آگاه بود، تصمیم جدی گرفت که او را از صحنه سیاست طرد کند. به دنبال این تصمیم، دولت روز ۲۱ مهر اعلام کرد که سرلشکر زاهدی و سرلشکر حجازی و برادران رشیدیان و چند نفر دیگر که مصونیت پارلمانی دارند، به سود یک سیاست خارجی مشغول تحریک و توطئه برضد دولت بودند. از این افراد آنها که مصونیت پارلمانی نداشتند، از سوی فرمانداری نظامی بازداشت شدند ۲۳۲ و سرانجام برای جلوگیری از کوششهای زاهدی و چند سناتور مخالف دولت، طرحی از سوی نمایندگان جبهه ملی و دیگر طرفداران دولت در مجلس شورا تصویب شد و دوره مجلس سنا را به دو سال تقلیل داد (مانند دوره مجلس شورا). با تصویب این طرح، در یکم آبان ۱۳۳۱ مجلس سنا بسته شد و زاهدی برای پی گیری هدف خود، هرروز به مخفی گاهی می خزید و در راه رسیدن به قدرت گام به گام پیش می رفت و دولت هم گام به گام در تعقیب او و دستیاران او بود.

پی گیری کار نفت

دکتر مصدق برای رفع بحران اقتصادی ایران روز ۱۶ مرداد، یادداشتی برای دولت انگلستان فرستاد و خواست آن دولت از محاصره اقتصادی ایران دست بردارد و چهل و نه میلیون لیره بابت مطالبات ایران، فوری بپردازد و سپس برای حل مشکل نفت، مذاکره آغاز شود.

«ایدن» وزیر امور خارجه انگلستان پس از دریافت پیشنهاد مصدق، بر آن شد که دولت انگلیس و آمریکا پیشنهاد مشترکی به ایران بدهند. این نظریه او را «چرچیل» نخست وزیر انگلیس و «ترومن» رئیس جمهور آمریکا پذیرفتند و پیشنهاد مشترکی از سوی دو دولت شامل این نکات برای مصدق فرستاده شد:

۱. پرداخت غرامت و تمام دعاوی دو طرف به یک دادگاه بین المللی رجوع شود.
 ۲. نمایندگان از سوی شرکت نفت انگلیس و ایران برای آغاز گفتگو و فراهم آوردن موجبات جاری شدن نفت ایران به بازار جهانی تعیین خواهد شد.
 ۳. نمایندگان شرکت برای صدور نفت تصفیه شده موجود در پالایشگاه ایران، ترتیباتی فراهم خواهند کرد و بهای هر مقدار نفت که بارگیری شود، نقداً پرداخت خواهد شد.
 ۴. دولت انگلیس محدودیت صادرات به ایران و محدودیت ایران را از لیره استرلینگ لغو خواهد کرد.
 ۵. ایالات متحده آمریکا بی درنگ یک اعتبار ده میلیون دلاری (در صورت پذیرفته شدن این پیشنهاد) برای رفع مشکلات اقتصادی در اختیار ایران خواهد گذارد.
- سفیر آمریکا و کاردار سفارت انگلیس، روز پنجم شهریور پیام

مشترک بالا را حضوراً به دکتر مصدق دادند، ولی او نپذیرفت و روی دریافت ۴۹ میلیون لیره تأکید کرد و یک هفته به دولت انگلیس مهلت داد. ۲۳۳

در روز سیزدهم مهرماه از «ایدن» وزیر خارجه انگلیس و نیز از «آچسن» وزیر خارجه آمریکا پیام مشترک دیگری به دکتر مصدق رسید.

در این پیام، به استقلال کامل ایران در اداره صنعت نفت و آزادی کامل برای فروش نفت و شناخت رسمیت قانون ملی شدن نفت تأکید شده و برای رسیدگی و پایان دادن به دعوی غرامت شرکت نفت و دعاوی متقابل ایران، پیشنهاد رجوع به داوری شده بود.

در پاسخ این پیشنهاد، دکتر مصدق از نمایندگان تام الاختیار شرکت نفت دعوت کرد ظرف یک هفته برای از سرگیری مذاکرات به ایران بیایند. مشروط بر آنکه پیش از عزیمت آنان، شرکت فوری بیست میلیون لیره به ایران بپردازد و بیست و نه میلیون لیره دیگر را در پایان گفتگو که مدت آن بیش از سه هفته نخواهد بود، پرداخت نماید. ۲۳۴

دولت انگلیس این پیشنهاد را نپذیرفت و «ایدن»، «مصدق» را مردی غیرمنطقی خواند که عظمت طلبی او را در آستانه عدم ثبات روحی رسانده است. ۲۳۵ و باز هم گفتگوی نفت معوق ماند.

پس از معوق ماندن گفتگوی نفت، مصدق روز ۲۴ مهر ۳۱، گزارشی را که برای مجلس شورا نوشته بود، به دلیل خودداری شماری از نمایندگان از حضور در جلسه مجلس، در رادیو به آگاهی مردم رسانید.

۲۳۳. مصدق، نفت، کودتا، ترجمه و تألیف محمود تفضلی، صفحه ۳۶.

۲۳۴. پنجاه سال نفت ایران، صفحه ۶۲۲-۶۲۵.

۲۳۵. مصدق، نفت، کودتا، ترجمه و تألیف محمود تفضلی، صفحه ۳۵.

او در این گزارش، دولت انگلستان را مانع حل مشکل نفت دانست و تصمیم دولت را بر قطع مناسبات سیاسی با انگلستان اعلام داشت.

در پی این تصمیم، نه ماه پس از انحلال کنسول‌گریهای انگلیس در شهرهای ایران، «حسین فاطمی» (دکتر فاطمی) وزیر امور خارجه طی نامه ۴۰۱۹ مورخ ۳۰ مهر ۱۳۳۱، تصمیم دولت ایران را بر قطع رابطه سیاسی به اطلاع کاردار سفارت انگلیس رسانید و تأکید کرد که در ظرف یک هفته تمام کارکنان آن سفارت باید ایران را ترک کنند و نیز یادآور شد که به کارکنان سفارت ایران در لندن دستور داده شده است از تاریخ سیام مهر تا یک هفته به ایران بازگردند.^{۲۳۶}

روز هفتم آبان یک جمعیت چندصد نفری با فریادهای «مرگ بر انگلیس»، جلو سفارت انگلیس گرد آمده، با نردبان به بالای سردر سفارت رفته، پرچم انگلیس را پایین کشیدند و به شعاردادن و فحش دادن به استعمار انگلیس پرداختند. یک کارمند ثبت اسناد که دو ماه پیش برای خرید یک خانه کوچک در پیرامون خیابان «آیزنهاور» ده هزار تومان از مهندس زیرک‌زاده گرفته بود، در پیشاپیش این گروه فریاد می‌کشید. به این ترتیب، کار نفت که بر تمام کارها به خصوص از نظر ثبات اقتصادی اولویت داشت، از رده کارهای مهم دولت کنار گذاشته شد و «دکتر مصدق» به کارهای داخلی پرداخت. از آن میان در اصلاح سازمان قضایی، دیوان کشور و دادگاه انتظامی را منحل کرد و شماری از قضات با صواب‌دید «لطفی» وزیر دادگستری بازنشسته شدند. در سازمان قضایی دادرسی ارتش، زیر نظر کمیسیونی مرکب از دکتر سجادی وزیر مشاور و تیمسار علوی مقدم و تیمسار وفا و تیمسار سالم نراقی نیز تغییراتی

داده شد. چند سازمان قضایی ارتش منحل شد و قضات غیرارتشی نیز در دادرسی ارتش شرکت جستند. اما اینگونه اصلاحات، جز افزایش ناراضیان حاصلی نداشت و بر شمار مخالفان دولت می‌افزود.

قانون امنیت اجتماعی

تثبیت قدرت دولت با جلوگیری از فعالیت مخالفان، ملازمه داشت. از این رو، دکتر مصدق برای جلوگیری از تحریکات مخالفان با استفاده از قانون اختیارات به وسیله دو همکار حقوقدان خود (شایگان و سنجابی) قانون امنیت اجتماعی را تنظیم و تصویب کرد (آبان ماه ۱۳۳۱).

این قانون به دولت اجازه می‌داد هر مخالف یا هرکس را خلاف مصالح دولت رفتار کند، به تبعید بفرستند. در مجلس، این قانون مورد اعتراض قرار گرفت و «دکتر بقایی» آن را «مقررات آزادی کش» نامید، ولی اعتراض او با پاسخ درشت شایگان و سنجابی روبه‌رو شد. برای آگاهی خوانندگان از قانون امنیت اجتماعی، ماده دوم آن را در اینجا می‌آوریم:

«ماده دوم قانون امنیت اجتماعی: هرکس کارمندان مؤسسات عمومی یا ادارات دولتی را وادار به اعتصاب و یا تحریک به اخلاف در نظم و آرامش و تمرد و عصیان نماید و همچنین کسانی که در دادگاهها و دادرسیها و ادارات و مؤسسات عمومی برخلاف نظم و آرامش و انتظامات عمومی رفتار نمایند و یا با جنجال و داد و فریاد به منظور توهین و ارباب و تحت تاثیر قراردادن مراجع اداری و قضایی و یا برای جلوگیری از اجرای قانون و مقررات ازدحام یا تحصن یا هرگونه تظاهر نمایند، فوراً بازداشت و مجازات خواهند شد و از سه ماه تا یک سال تبعید برای آنها تعیین می‌گردد و

همین ماده برای توطئه یا مواضع‌کنندگان برای اعمال مزبوره در این ماده معمول خواهد شد و هرگاه کارمند دولت باشد، در مدت محکومیت و تبعید و اقامت اجباری از اخذ حقوق یا مزد محروم خواهد بود».^{۲۳۷}

پایان قرارداد شیلات

امتیاز صید ماهی در آبهای شمال در کرانه دریای خزر در ۱۲۵۴ خ. در زمان «ناصرالدین شاه» به اجاره ده‌ساله به «میرزا حسین‌خان سپهسالار» واگذار شده و او این امتیاز را به «لیانازف» روسی (بازرگان اهل حاجی‌ترخان) فروخته بود. در سال ۱۲۷۲ خ. دولت ایران امتیاز «لیانازف» را برای مدت بیست سال پذیرفت و شیلات سالیان بسیار در اختیار «گئورکی لیانازف» و بازماندگان او بود. این امتیاز در سال اول پادشاهی «مظفرالدین شاه» با گرفتن مبلغی پول از لیانازف پنج سال و بار دیگر با گرفتن سی‌هزار تومان تمدید شد و سرانجام بر اثر تخلفات ورثه «لیانازف» از شروط قرارداد، در مهرماه ۱۲۹۷ قرارداد فسخ گردید و کمیسیونی برای تسویه حساب و وصول بدهکاریهای ورثه لیانازف در وزارت فلاحت تشکیل گردید و در ۲۴ خرداد ۱۲۹۸ امتیاز صید ماهی حلال و حرام در کرانه‌های خزر و از رود آستارا تا اترک به «گریگور وانتیسف» تبعه روس به مدت بیست سال واگذار گردید.

پس از انقلاب روسیه و امضای عهدنامه ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ (هشتم اسفند ۱۲۹۹) در نخست‌وزیری سیدضیاءالدین، قرارداد «وانتیسف» براساس آن عهدنامه بی‌اعتبار شد و سپس در اول اکتبر ۱۹۲۷ (هشتم مهرماه ۱۳۰۶) در نخست‌وزیری مخبرالسلطنه برپایه گفتگوهای

علیقلی‌خان انصاری مشاورالممالک (وزیر امور خارجه) قرارداد دیگری با نمایندگی «دیمیتری واسیلیویچ» عضو هیأت کمیساریای ملی اتحاد جماهیر شوروی به مدت ۲۵ سال میان ایران و شوروی امضاء شد و در ۳۱ ژانویه ۱۹۲۸ (۱۱ بهمن ۱۳۰۶) مبادله گردید.

برپایه شروط این اجاره‌نامه یا توافقنامه، شرکتی بنام «کمپانی مختلط ایران و شوروی» تشکیل گردید. در این شرکت، یک هیأت‌مدیره ایرانی مرکب از سه نفر برای وصول اجاره‌بها و نظارت در اجرای مواد توافقنامه و مراقبت در بهبود و گسترش کار شیلات شرکت داشتند و هر سال به پیشنهاد وزارت دارایی انتخاب این هیأت تجدید می‌شد.^{۲۳۸}

یک هیأت روسی هم کارهای صید ماهی در تمام محدوده مورد توافقنامه و کارهای کنسروسازی و خاوریار و انتقال و فروش این فرآورده‌ها را اداره می‌کردند. مرکز این هیأت در بندرانزلی بود و «کمپانی مختلط شیلات ایران و شوروی» نام داشت. شیلات دو کشتی روسی برای صدور فرآورده‌های خود در اجاره داشت که از گمرک (و در سالهای بعد از نیروی دریایی) ایران اجازه کار گرفته و با پرچم ایران در آبهای ایران حرکت می‌کردند.

۲۳۸. ریاست هیأت‌مدیره ایرانی کمپانی شیلات، سالها با «تقی نبوی» بود. «ناصر اعتمادی» و «حسین نفیسی» نیز عضو این هیأت بودند. در سالهای پایانی مدت توافقنامه، «احمدعلی سپهر» (مورخ الدوله) رئیس هیأت‌مدیره شیلات بود و پس از پایان مدت توافقنامه هم این مقام را سالها برعهده داشت. («عباس خلیلی» نویسنده معروف نیز از ۱۳۳۸ تا پایان زندگی - بهمن‌ماه ۱۳۵۰ - به‌عنوان بازرس از شرکت شیلات ماهی هشت‌هزار تومان حقوق می‌گرفت). اعضای هیأت‌مدیره روسی کمپانی (پیش از پایان توافقنامه): «ایوان گریگورویچ زاکاندین» مدیرعامل، «پاول پالوکوریچ» و «سادفسکی» عضو هیأت‌مدیره، «سنابرک» رئیس شعبه بهره‌برداری، «شولیانف» مسؤل لابراتوار شیلات و شماری کارشناس و کارمند روسی هم زیرنظر هیأت‌مدیره روسی به کار اشتغال داشتند.

شیلات برای فروش فرآورده‌های خود، هر سال در اول اکتبر، قراردادی با مؤسسه روسی «گلاورپ اسپیت» در مقابل دریافت پول منعقد می‌کرد و اجاره‌بهای خود را هم با توجه به افزایش فرآورده‌ها و صادرات خود در اول اکتبر هر سال به دولت ایران می‌داد. چون مدت توافقنامه (یا اجاره‌نامه) در ۳۱ ژانویه ۱۹۵۳ (۱۱ بهمن ۱۳۳۱) به پایان می‌رسید، براساس گزارش مورخ‌الدوله، رئیس هیأت‌مدیره ایرانی شرکت شیلات و به پیشنهاد وزارت دارایی، به‌موجب تصویب‌نامه پنجم آبان ۱۳۳۱ برای تعیین تکلیف کار شیلات، روز ۲۴ آبان کمیسیونی در وزارت دارایی برپا گردید و نمایندگان بازرگانی سفارت شوروی هم در این کمیسیون دعوت شدند. «سادچیکف» هم با «فاطمی» دیدار نموده، درباره تحویل تأسیسات و فروش فرآورده‌های شیلات به شوروی و ادامه کار شماری از کارشناسان روسی گفتگو نمود. سپس سادچیکف روز ۱۸ دی‌ماه با دکتر مصدق ملاقات کرد و درباره آینده شیلات دو ساعت گفتگو شد. در این گفتگو، برای تحویل تأسیسات شیلات برپایه شروط اجاره‌نامه و نیز فروش فرآورده‌های شیلات به شوروی برپایه قرارداد جدید و ادامه کار شماری از متخصصان روسی توافق شد.^{۲۳۹} سپس گفتگوها بیش از یک ماه ادامه یافت و سرانجام تأسیسات شیلات در بندرانزلی به ایران تحویل گردید. چند روزنامه وابسته به جبهه ملی پایان یافتن مدت ایران تحویل گردید. چند روزنامه وابسته به جبهه ملی پایان یافتن مدت قرارداد و خاتمه کار شیلات را به‌عنوان «ملی شدن شیلات» تعبیر و وانمود کردند!

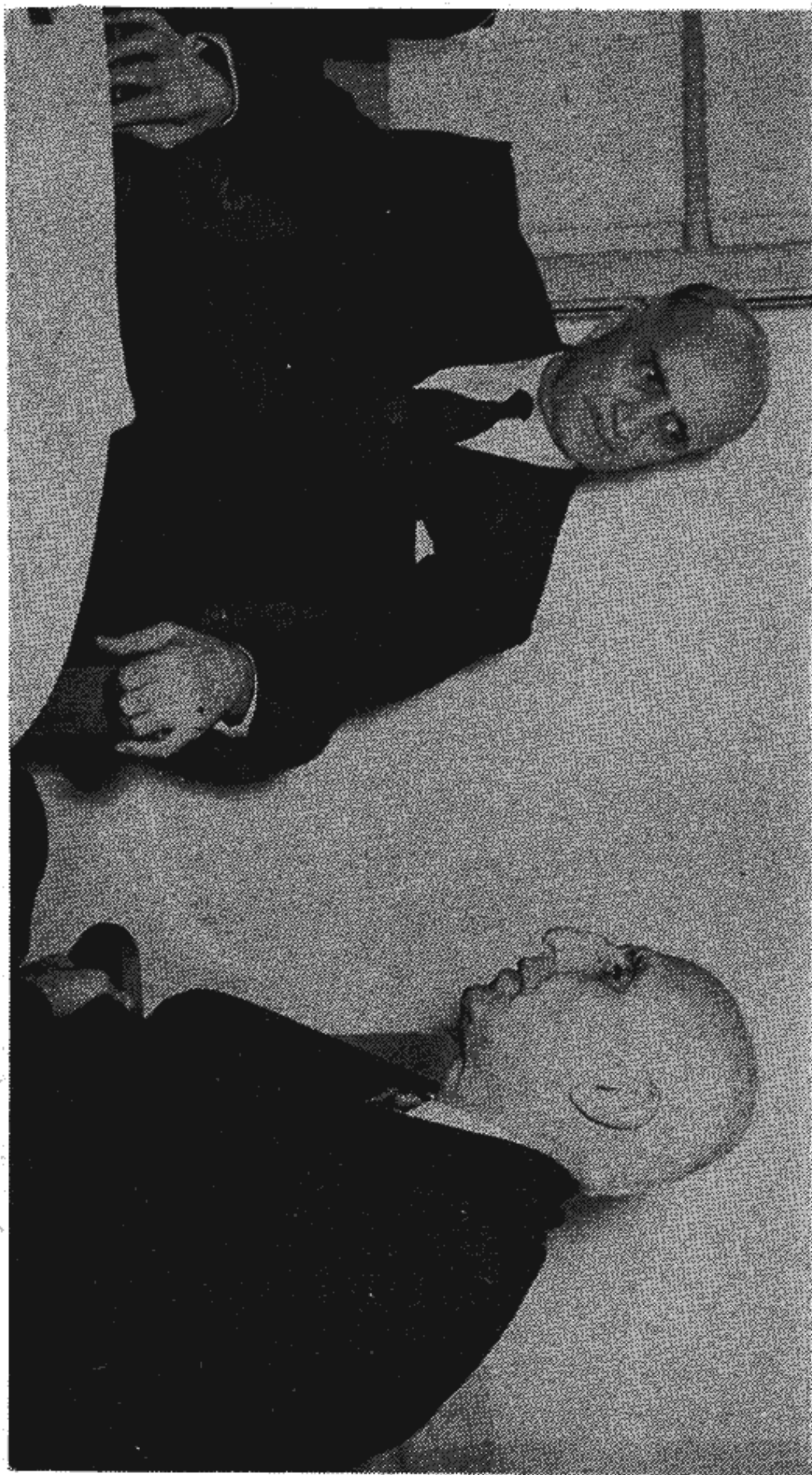
دکتر مصدق و سادچیکف سفیر شوروی



رویداد نهم اسفند

مصدق که سیاست اقتصاد بدون نفت را پیش کشیده و به خود کفایی اقتصادی و کم کردن هزینه‌های دولتی و تقلیل واردات و افزایش صادرات غیرنفتی روی آورده و نتیجه‌ای برای حل بحران اقتصاد ورشکسته ایران به دست نیاورده و از سویی با توطئه‌ها و تحریکات مخالفان روبه‌رو بود، ناگهان در سوم اسفند اعلام داشت: تحریکاتی از سوی عده‌ای از سناتورها و افسران برکنار شده که زاهدی در رأس آنها است، برضد دولت در جریان است. در پی این اعلامیه، روز چهارم اسفند، مصدق با شاه دیدار کرد. زمینه سخنان او با همان موضوع اعلامیه مربوط بود. روز پنجم اسفند به استناد ماده پنجم قانون حکومت نظامی «زاهدی» بازداشت شد. چند روز پیش دکتر مصدق، دکتر معظمی و شایگان را نزد شاه فرستاد و پیغام داد که برای جلوگیری از تشنجات داخلی، لازم است شاه هرچه زودتر برای مدتی موقت از ایران خارج شود. ۲۴۰

دکتر مصدق که تحمل هیچ مخالفتی را نداشت و حضور شاه را برای مخالفان دولت یک نقطه اتکاء می‌دانست، خود در چهارم اسفند، درباره لزوم مسافرت هرچه زودتر شاه با او گفتگو کرده و حتی کار به تهدید رسید و «علاء» و «والاتبار» از سوی شاه با مصدق گفتگو کردند. شاه در برابر اصرار مصدق، این مسافرت را پذیرفت و یک چک یازده‌هزار دلاری از سوی دولت در اختیار شاه گذارده شد و برنامه چنین شد که «شاه» و «ملکه ثریا» عصر روز نهم اسفند بی‌سروصدا از طریق کرمانشاه و قصر شیرین، ایران را ترک کنند. دکتر مصدق از شاه خواسته بود که تصمیم سفر تا بیرون رفتن از مرز پوشیده بماند، گرچه بعدها



دکتر مصدق و همدرسن سفیر آمریکا

گفت: خود شاه گفته است هیچ کس نباید از این سفر مطلع شود.^{۲۴۱} ولی این خبر پوشیده نماند. از کاخ سلطنتی که در تدارک سفر شاه بود، این خبر به خارج از کاخ درز کرد. ساعت ده صبح روز نهم اسفند، «کاشانی» رئیس مجلس با شتاب جلسه خصوصی مجلس را ترتیب داد و موضوع را مطرح کرد و از مجلس به شاه تلفن کرد و خواست از مسافرت خودداری کند و نامدای هم با عنوان رئیس مجلس برای شاه فرستاد. نامه را دو تن از نمایندگان نزد شاه بردند و پس از رساندن نامه و پیام بازگشتند. در همان لحظات صدابردار ویژه اداره تبلیغات با دستگاه ضبط صوت به کاخ مخصوص آمده بود تا پیام شاه را ضبط نماید و پس از آنکه ایران را ترک کرد، از رادیو پخش شود.

شاه آن روز از مصدق خواسته بود نهار را در کاخ سلطنتی ضمن تودیع با او صرف کند و وزیران هم برای یک ساعت و نیم پس از نیمروز در آنجا حاضر شوند. وقتی که مصدق هنگام ظهر به کاخ رفت و با شاه و ملکه نهار می خورد، یقین داشت که شاه خواهد رفت. اما در همان لحظات، آیت الله بهبهانی و آیت الله نوری برای دیدار شاه آمده و در اتاق دیگر با او ملاقات کرده و خواهش کردند از مسافرت خودداری کند و در همین لحظات، اعلامیه‌ای از سوی آیت الله کاشانی منتشر گردید و سفر شاه را باعث آشفتگی کشور دانست و از نمایندگان مجلس و مردم و روحانیون خواست مانع سفر شاه شوند.^{۲۴۲}

ساعت سیزده و سی دقیقه، وزیران در کاخ سلطنتی حضور یافتند. وزیر خارجه گذرنامه شاه و ملکه و همراهان را تقدیم کرده، وزیران رفتند. ولی مصدق نزد شاه بود تا در آخرین لحظه که حرکت می کنند، آنان را

۲۴۱. مصدق در محکمه نظامی، گردآوری خلیل بزرگمهر، جلد اول، صفحه ۲۰۱.

۲۴۲. روزنامه کیهان، نهم اسفندماه ۱۳۳۱.

بدرقه کند. ساعت از چهارده گذشته بود، ناگهان صدای فریاد جمعیتی که به دستور کاشانی و بهبهانی در بیرون کاخ گرد آمده و شماری کفن پوش هم در میان آنان دیده می شد و پسر کاشانی و چند روحانی در پیشاپیش آنان بودند، در داخل کاخ سلطنتی به گوش رسید. بجز جمعیت بازاری، افراد وابسته به حزب زحمتکشان که خود بقایای رهبر حزب پیشاپیش آنان بود و گروهی از افسران بازنشسته و تیمساران بلندپایه چون امیراحمدی و شاهبختی و گرزن و گیلانشاه و جمعی از درجه داران و نیز گروه وزرشکاران باشگاه تاج همراه سرگرد خسروانی مدیر باشگاه در جلو کاخ سلطنتی گرد آمده، فریاد آنان به طرفداری از «شاه» در فضا طنین افکند. در بیرون کاخ، یک گروه چند صد نفری از بانوان نیز دیده می شدند. در پیشاپیش آنان، خانمی جوان به نام «ملکه اعتضادی» در اتومبیل روباز ایستاده و با میکروفنی که در دست داشت، پیام می فرستاد و به طرفداری شاه شعار می داد و فریاد می زد: «شاه نباید کشور را ترک کند». ^{۲۴۳} «دکتر مصدق» از اوج گرفتن این فریادها، بیمناک شد و ترسید که از سوی آن مردم آسیبی بر او وارد آید. از این رو، از در شمالی کاخ «شاه» که به کاخ «شاهدخت شمس» راه داشت، با راهنمایی «امیر صادقی» راننده مخصوص شاه به آنجا رفت. «امیر صادقی» اتومبیل «مصدق» را از جلو کاخ «شاه» به جلو کاخ «شمس» آورد، «مصدق» سوار شد و به خانه خود رفت. اما پس از چند لحظه، خانه او در محاصره قرار گرفت و سربازان گارد به سوی خانه مصدق تیراندازی کردند. مصدق که سخت نگران شده بود، با پیژامه از پشت بام به ساختمان اصل چهار و از جلو ساختمان اصل چهار با تاکسی به ستاد

۲۴۳. روزنامه شاهد، ۱۲ اسفندماه ۱۳۳۱.

ارتش رفت و در اتاق «سرلشکر بهارمست» رئیس ستاد نشست و به وسیله تلفن دستورهایی به رئیس شهربانی داد و با اتومبیل رئیس ستاد به مجلس رفت و در جلسه خصوصی گفت: در نظر داشته است برای رفع موانع کارها پس از رفتن «شاه» رفراندم کند و پس از یک ساعت استراحت و گفتگوی تلفنی با «سرهنگ ممتاز» فرمانده گارد خانه خود، به خانه بازگشت.

«شاه» در ساعت پانزده برای چند دقیقه در جلو فضای کاخ، خود را به جمعیت نشان داد و در بلندگو انصراف خود را از مسافرت اعلام داشت و از مردم خواست پراکنده شوند. روز بعد چند نماینده به طرفداری مصدق در مجلس متحصن شدند.

دکتر بقایی در جلسه پنجم خرداد ۱۳۳۲ مجلس به تفصیل درباره رویداد نهم اسفند سخن گفت و آشکارا آن را یک توطئه برای تغییر رژیم دانست. ۲۴۴

اوج بحران اقتصادی و درگیری با دربار

از آغاز سال ۱۳۳۱ بحران اقتصادی دولت شدت جست، چنانکه دولت در این سال چهارصد میلیون تومان کسر بودجه داشت. سالی یکصد و بیست میلیون تومان هم بابت بودجه پرسنل شرکت نفت بر هزینه دولت افزوده شده بود. «دکتر مصدق» برای ایجاد منابع جدید درآمد با استفاده از اختیارات خود، قانون مالیات بر اراضی را در آذرماه ۱۳۳۱ و مالیات صدی دوازده بر معاملات اقتصادی و زمین و ساختمان را در بهمن ماه تصویب کرد، ولی هیچ‌یک از اینها چاره‌ساز مشکل دولت نبود،

دولت ۴۵۲ میلیون تومان به بانک ملی مقروض بود و به انتشار اسکناس جدید پرداخت. در این بحران مالی دولت، «دکتر مصدق» برای حل دشواریهای اقتصادی باز هم در اندیشه گشودن طلسم نفت افتاد. در دی‌ماه از سوی انگلستان و آمریکا پیشنهاد مشترکی به وسیله «هندرسن» سفیر آمریکا به مصدق تسلیم شده بود. این پیشنهاد سه نکته اساسی دربرداشت:

۱. رجوع تمام دعاوی پولی دو طرف به یک داور بیطرف.
 ۲. آغاز مذاکرات بازرگانی برای خرید نفت از ایران.
 ۳. پرداخت ده میلیون دلار کمک فوری از سوی آمریکا به ایران.
- «هندرسن» در سه جلسه، هفت ساعت با مصدق گفتگو کرد، ولی دکتر مصدق نسبت به رجوع دعاوی به یک حکمیت بی طرف ایراد داشت و سرانجام این پیشنهاد را هم رد کرد. ۲۴۵ رد این پیشنهاد در هنگامی بود که در آمریکا دولت جمهوری خواه به ریاست «ژنرال آیزنهاور» حکومت را به دست گرفته بود. وزارت خارجه آمریکا دیگر به مصدق امیدی برای حل مسأله نفت نداشت، ولی معتقد بود که در صورت شکست مصدق، کمونیستها بر ایران مسلط خواهند شد و خود مصدق هم برای جلب کمک آمریکا، جلو کمونیستها را باز گذاشته و خطر کمونیزم را حتمی و بزرگ جلوه می‌داد و در نامه‌ای که در آغاز زمامداری «آیزنهاور» برای او نوشت، احتمال خطر کمونیزم را یادآور شد و تقاضای کمک مالی کرد و این بیم‌دادن آمریکا از خطر سلطه کمونیستها، یکی دیگر از اشتباهات او بود که فرجام نیک نداشت. آیزنهاور به او جواب داد: حکومت آمریکا در مقام و موقعیتی نیست که

بتواند به ایران کمک کند. آمریکا حاضر است کمکهای فنی و نظامی خود را مانند سال گذشته ادامه دهد. از نگرانی شما دربارهٔ اوضاع خطرناک ایران مطلع شدم، امیدوارم تا فرصت دیر نشده، حکومت ایران اقداماتی برای جلوگیری از بدتر شدن اوضاع بعمل آورد. ۲۴۶

در اسفند ماه ۱۳۳۱ برای حل مشکل نفت ایران و رفع خطر کمونیزم، پس از یک گفتگو میان «دالس» وزیر خارجهٔ آمریکا و «ایدن» وزیر خارجهٔ انگلیس، پیشنهاد دیگری شامل همان پیشنهاد دو ماه پیش با تعدیل دربارهٔ رسیدگی به دعاوی پولی دو طرف (که مورد ایراد مصدق واقع شده بود) توسط «هندرسن» به دکتر مصدق تسلیم شد و «هندرسن» ساعتها با او گفتگو کرد و یک یک مواد پیشنهاد را مورد بحث قرار داد و توضیح داد که این پیشنهاد هم بر اصل قانون ملی شدن نفت و حاکمیت کامل ایران بر منابع نفتی خود استوار می‌باشد و هم تنگناهای اقتصادی ایران را برطرف می‌کند. ولی «دکتر مصدق» این پیشنهاد را هم رد کرد.

چند روز پس از آن، «دالس» وزیر امور خارجهٔ آمریکا گفت: پیشنهاد اخیر عادلانه می‌باشد و آمریکا پیشنهاد دیگری برای حل مسألهٔ نفت ایران ندارد. ۲۴۷

این بیان وزیر امور خارجهٔ آمریکا یک اخطار بود، ولی «دکتر مصدق» که در کشورهای خاورمیانه به «قهرمان مبارزه با استعمار» شهرت یافته و مجلهٔ تایم او را «مرد سال» معرفی کرده و مغرور این شهرت جهانی شده و روحیه‌ای هم داشت که در مسائل سیاسی و اجتماعی کمتر اهل مشورت بود و تنها نظریهٔ خود را به کار می‌بست،



آیزنهاور رئیس‌جمهور آمریکا

۲۴۶. پنجاه سال نفت ایران، صفحه ۶۵۸. مصدق، نفت، کودتا، صفحه ۴۱.

۲۴۷. پنجاه سال نفت ایران، صفحه ۶۵۲.

همچنان بر سیاست منفی پافشاری می‌کرد و این آخرین راه حل راهم نپذیرفت، او برای نجات از تنگناهای اقتصادی حاضر شد نفت ایران را به نصف قیمت و حتی کمتر از نصف بفروشد. به این منظور، پنج آمریکایی به نمایندگی یک شرکت بزرگ آمریکا در هشتم اردیبهشت به تهران آمدند (نام شرکت و نام نمایندگان شرکت فاش نشد) و با دکتر مصدق و مسوولان شرکت نفت گفتگو کرده، طرح قراردادی را هم آماده نمودند. اما بر اثر مخالفت انگلستان و شکایت کارتل‌های بزرگ نفتی در دادگاه واشنگتن، این برنامه هم عملی نشد. همچنانکه پیش از این هم، شرکت نفتی «آجیپ» ایتالیا گفتگوی خرید نفت تصفیه شده موجود در پالایشگاه آبادان را بر اثر فشار انگلستان قطع کرده بود.^{۲۴۸}

«دکتر مصدق»، «مهندس پرخیده» رئیس اداره بازرگانی شرکت ملی نفت را برای پیدا کردن خریدار نفت با پنجاه درصد تخفیف و بلکه بیشتر به «توکیو» گسیل داشت. «پرخیده» با مدیران چند شرکت بزرگ ژاپنی، دو هفته گفتگو کرد، ولی نگرانی شرکت‌های ژاپنی از واکنش شرکت نفت و دولت انگلستان، مانع به ثمر رسیدن گفتگوها شد و «پرخیده» دست خالی روز پایان اردیبهشت به تهران بازگشت. چون پیش از آن محموله کشتی نفتکش ژاپنی «میتسو» که هجده هزار تن نفت تصفیه شده از پالایشگاه آبادان را نیمه‌بها خریداری کرده بود، بر اثر شکایت شرکت نفت (که نفت موجود در پالایشگاه آبادان را از آن خود می‌دانست) به موجب رأی دادگاه توکیو توقیف شده بود.^{۲۴۹} همچنانکه کشتی کوچک نفتکش شرکت ایتالیایی «اپیم» در «عدن» و تفکنش کوچک دیگر هم در «ناپل» پیش از این به دستور دادگاه توقیف

۲۴۸. روزنامه باختر امروز، ۱۲ اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۲.

۲۴۹. روزنامه باختر امروز، ۳ خردادماه ۱۳۳۲.

شدند.^{۲۵۰}

پس از شکست طرح فروش نیمه‌بها و کمتر از نیمه‌بهای نفت، «دکتر مصدق» عملاً سیاست «اقتصاد بدون نفت» را پیش گرفت و به مبارزه هرچه بیشتر داخلی برای پیشبرد هدف اساسی خود پرداخت و ناگهان تغییر اصل پنجاهم قانون اساسی را (که فرماندهی کل نیروی نظامی را خاص «شاه» می‌دانست) خواستار شد و با برکنار کردن «سرلشکر بهارمست» از ریاست ستاد ارتش و انتصاب «سرتیپ تقی ریاحی» بجای او، عملاً ستاد ارتش را هم در اختیار گرفت و بر قدرت خود افزود. ولی «ریاحی» در میان امیران و افسران ارشد ارتش نفوذ نداشت و امیران ارشدتر از او زیربار او نمی‌رفتند.^{۲۵۱} و با امیران بازنشسته و ناراضی و بلندپایه چون «سپهبد امیراحمدی»، «یزدان‌پناه» و «شاه‌بختی» در تماس بودند و در سرپیچی از پذیرفتن دستورهای «ریاحی» تحریک و تشویق می‌شدند، زیرا آنها که خود سالها از سران ارتش بودند، از سلطه «دکتر مصدق» بر ارتش رضایت نداشتند و «ریاحی» را هم شایسته ریاست ستاد نمی‌دانستند. مستشاران نظامی آمریکا هم که در ارتش بودند، در این هنگام، افسران مخالف دولت را تشویق می‌کردند.^{۲۵۲}

www.adabestanekave.com

۲۵۰. نفت، سیاست و کودتا، نوشته لئونارد ماسلی، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی.

۲۵۱. نقل از گفته «سرتیپ علیرضا قریب» که در امور وزارت جنگ، مشاور «دکتر مصدق» بود. حاجی واشنگتن، تألیف اسکندر دلد، صفحه ۲۶۱.

۲۵۲. نقل از گفته «سرتیپ علیرضا قریب» که در امور وزارت جنگ، مشاور «دکتر مصدق» بود، ولی به او وفادار نماند.

کشته شدن رئیس شهربانی

«دکتر مصدق» در این درگیریها بود که روز اول اردیبهشت ۱۳۳۲ روزنامه عصر «باختر امروز» در صفحه اول نوشت:

سرتیپ «افشار طوس» رئیس شهربانی از ساعت نه دیشب ناپدید شده و تمام مأموران شهربانی و کارآگاهان در جستجوی او هستند و براساس گزارش راننده «افشار طوس»، همه خانه‌های خیابان خانقاه و خیابان صفی‌علیشاه مورد بازرسی کارآگاهان شهربانی قرار گرفته است. ۲۵۳

همان روز اول ناپدید شدن «افشار طوس»، «دکتر صدیقی» وزیر کشور همراه چند نفر به اتاق افشار طوس در شهربانی رفت و دستور داد کتوهای میز افشار طوس را که قفل بود، گشودند و تمام اوراق و یادداشتهای او را برای مصدق برد.

سرتیپ افشار طوس داماد شیخ‌العراقین بیات (برادر سهام‌السلطان) خواهرزاده مصدق بود و نیز «عزت‌الله بیات» برادر دیگر شیخ‌العراقین، داماد مصدق و همسر «خانم ضیاء‌اشرف» دختر بزرگ دکتر مصدق بود. در این صورت، افشار طوس فامیل دکتر مصدق بود. باجناق هم داشت، به نام «سرتیپ باقر مصدقی». دو دختر «شیخ‌العراقین»، «خانم سرور» همسر «مصدقی» و «خانم فاطمه» همسر «افشار طوس» بود.

دکتر مصدق از نیمه دوم سال ۱۳۳۱ بر آن شد که نیروی انتظامی پایتخت را زیر نظر این دو سرتیپ منسوب خود بگذارد. افشار طوس که رئیس قسمت دروس نظامی دانشگاه جنگ بود، در دهم دی‌ماه بجای «سرتیپ زنگنه» به فرمانداری نظامی تهران منصوب شد، ولی سرتیپ

مصدقی دچار بیماری سرطان گردید و برای درمان به انگلستان رفت و در آنجا در گذشت و یک مهره مورد اعتماد ارتشی از دست دکتر مصدق بیرون رفت. مصدق، افشار طوس را روز اول بهمن ۱۳۳۱ به ریاست شهربانی منصوب کرده بود. او اسراری از برنامه‌های محرمانه مصدق برای تغییرات کلی در اختیار داشت. گم شدن او، مصدق را نگران کرد و ضربدای بر دولت مصدق بود. سرانجام بازرسیها و بازجوییها به آشکار شدن توطئه کشیده شد. گزارشهای رسمی و غیررسمی چنین حکایت داشت که چند افسر بازنشسته (سرتیپ مزینی، سرتیپ دکتر منزله، سرتیپ زاهدی، سرتیپ نصرالله بایندر و سرگرد بلوچ قرایی) با اطلاع دکتر بقایی برای ربودن افشار طوس و لرزان کردن پایه حکومت مصدق طرحی ریخته و برای اجرای این طرح، خانه حسین خطیبی را در خیابان خانقاه آماده کرده بودند و حسین خطیبی (عضو سابق شورای مرکزی حزب توده و دوست «دکتر بقایی») با آنها همکاری داشت. این امیران بازنشسته ارتش، روحیه افشار طوس را از سالهای پیش از شهریور ۱۳۲۰ که او سرپرست بخشی از املاک سلطنتی در مازندران بود، خوب می‌شناختند. این افسران براساس سازش با خطیبی و وعده پاداش کلانی که به او دادند، با خواهر خطیبی گفتگو و تعلیماتی به او آموختند و آن خانم جوان در این تراژدی نقش مؤثری برعهده گرفت. او در نیمه فروردین به‌عنوان اینکه در روز سیزدهم خانه او مورد دستبرد واقع شده و مقداری جواهرات او را برده‌اند، نزد رئیس شهربانی رفت و گفت با مادر خود تنها زندگی می‌کند. پس از چند دیدار، افشار طوس برای آنکه موقعیت محل سرقت را شخصاً بازدید کند، با خانم خطیبی برای ساعت نه بعد از ظهر روز ۳۱ فروردین قرار دیدار گذاشت. افشار طوس آن روز چند دقیقه پس از ساعت هشت و نیم بعد از ظهر با اتومبیل مخصوص

ریاست شهربانی به خیابان سعدی رفت و در جلو خیابان خانقاه پیاده شد. این رئیس شهربانی و فرمانده پلیس کشور مقصد خود و نشانی خانه خطیبی را به راننده نگفت و تنها به او دستور داد جلو کلانتری دو (در میدان بهارستان) منتظر تلفن او باشد. افشار طوس، خیابان خانقاه را پیاده پیمود و با نشانی که داشت به خانه خطیبی رسید. زنگ در را فشار داد، خانم از طبقه بالا، پایین آمد و در را گشود و با افشار طوس به سالن طبقه دوم رفتند. خیلی گرم خوشامد گفت و چای و شیرینی آورد. پس از نیم ساعت گفتگو، خانم به بهانه‌ای از اتاق بیرون رفت که به زودی برگردد! افشار طوس در انتظار برگشتن خانم خطیبی بود. پس از ده دقیقه انتظار پرده جلو در اتاقی که به آن سالن باز می‌شد، کنار رفت و سرتیپ مزینی، سرتیپ منزله، سرتیپ زاهدی، سرتیپ بایندر و سرگرد بلوچ قرایی وارد شدند. افشار طوس از نهایت حیزت‌زدگی گیج شده بود. تیمسارها با او سلام و احوال‌پرسی کردند. سپس دست و پای او را گرفتند و با یک آمپول بیهوشی که سرتیپ دکتر منزله به او تزریق کرد، او را بیهوش کرده و در نیمه شب، پیکر بیهوش او را در کوههای لشکرک به غار «تلو» بردند. دو روز او را با دست و پای بسته شکنجه کردند، اقرارها و اطلاعاتی از او گرفتند و در همانجا با یک آمپول به زندگیش خاتمه دادند.^{۲۵۴} پس از چند روز تجسس و کشف جسد، از سوی دولت، مجلس ترحیم او روز هشتم اردیبهشت با حضور سرتیپ ریاحی رئیس ستاد ارتش و ملک‌اسماعیلی معاون نخست‌وزیر برگزار و از سوی دکتر مصدق به خانواده «افشار طوس» تسلیت گفته شد و همان روز سرتیپ مدبر به ریاست شهربانی منصوب شد.

۲۵۴. چگونگی ربودن افشار طوس را به گونه‌ای که «سرتیپ نصرالله بایندر» و «علی زهری» شخصاً برای من بازگو کرده‌اند، در اینجا نقل کردم.

متهمان به توطئه و شرکای جرم با کوشش پی‌گیر سرهنگ نادری رئیس کارآگاهی همه بازداشت شدند. خطیبی هم در یک اتاق اختصاصی در اداره آگاهی بازداشت بود. چند نفر از نمایندگان مجلس و متنفذین معروف که از مصدق روی برگردانده بودند، رعایت حال خطیبی را به رئیس شهربانی توصیه کرده بودند. در اعلامیه ۱۲ اردیبهشت فرمانداری نظامی تصریح شده بود که متهمان در صدد ترور نخست‌وزیر و تشکیل دولت به ریاست دکتر بقایی بوده سرتیپ مزینی و سرتیپ دکتر منزله قرار بوده‌است ریاست ستاد ارتش و وزارت بهداری را عهده‌دار شوند.

فرمانداری نظامی، روز ۱۳ اردیبهشت، سرلشکر زاهدی و اردشیر زاهدی را در رابطه با این رویداد احضار و دکتر بقایی و علی زهری دو نماینده مجلس را هم به شرکت در این توطئه متهم کرد و دکتر بقایی در شمار طراحان توطئه معرفی شد. سرلشکر زاهدی روز چهاردهم اردیبهشت از بیم گرفتاری در مجلس شورا متحصن شد. لایحه سلب مصونیت دکتر بقایی هم روز ۱۴ اردیبهشت از سوی دولت به مجلس داده شد. افسران بازداشت‌شده به کشتن افشار طوس اعتراف کردند و این اعترافها که روی نوار ضبط شده بود، از رادیو پخش گردید. سرانجام از سوی دادستان فرمانداری نظامی، برای تمام متهمان کیفرخواست تنظیم و تقاضای مجازات آنان شد و در دادگاه فرمانداری نظامی به ریاست «سرهنگ شایانفر» به مجازاتهای مختلف محکوم شدند. دولت و شخص دکتر مصدق، شاه و دربار را محرک این امیران بازنشسته در ربودن کشتن افشار طوس می‌دانستند، ولی برای تهیه مدرک و اثبات این موضوع، فرصتی به دست نیاوردند.^{۲۵۵}

۲۵۵. پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، دادگاه فرمانداری نظامی به ریاست سرهنگ شرف‌الدین قهرمانی قاجار دلایل جرم را کافی ندانست و اقرار متهمان را بر اثر شکنجه بی‌ارزش شمرد و همه را تبرئه و آزاد کرد. گویی افشار طوس نه ربوده و نه کشته شده بود.



ابوالقاسم امینی

دکتر مصدق که در اندیشه تغییرات اساسی در نظام حکومت ایران بود و شاه را عملاً منزوی کرده و او را مانع انجام اصلاحات اساسی مورد نظر خود می‌دانست، پس از نهم اسفند، آشکارا به تضعیف شاه و دربار می‌کوشید. در این روزها، شاه را ناچار به برکناری علاء نمود و «ابوالقاسم امینی» خویشاوند مورد اعتماد خود را که سال گذشته به استانداری اصفهان فرستاده بود، به عنوان «کفیل وزارت دربار» بر شاه تحمیل کرد و برای بازگرداندن املاک پهلوی به دولت، مدتها «شاه» را تحت فشار گذاشت تا اینکه شاه اجباراً فرمان واگذاری املاک اختصاصی خود و همچنین واگذاری «سازمان خدمات اجتماعی» را به دولت روز بیستم اردیبهشت به وسیله ابوالقاسم امینی برای مصدق فرستاد و روزنامه اطلاعات روز ۲۱ اردیبهشت نوشت: «اختلاف دولت و دربار با صدور فرمان همایونی مرتفع گردید». ۲۵۶ دفتر املاک پهلوی هم مصادره شد و از سوی مصدق، «حبیب‌اللہ آموزگار» به سرپرستی آن دفتر منصوب گردید، ولی برخلاف نوشته روزنامه اطلاعات، اختلاف «مصدق» با «شاه» برطرف نشد و موضوع فرماندهی کل قوا مطرح گردید. ۲۵۷

«مصدق» این فرماندهی را حق نخست‌وزیر می‌دانست و برای خود می‌خواست و در گامش هرچه بیشتر نفوذ و نقش شاه و دربار اصرار داشت تا آنجا که از تیرماه به بعد، شاه نمی‌توانست بدون اجازه مصدق، دیپلماتهای خارجی را به حضور بپذیرد.

از چند ماه پیش که اختلاف دولت با دربار بالا گرفت، مجلس یک

۲۵۶. روزنامه اطلاعات، ۲۱/۲/۱۳۳۲.

۲۵۷. فشارهای «دکتر مصدق» بر «شاه» براین استدلال بود که «شاه» مطابق قانون اساسی، مقام تشریفاتی و غیرمسئول است، ولی «شاه» به حدودی که قانون اساسی به او داده بود، قانع نمی‌شد و چون مصدق با قدرت‌طلبی «شاه» را به انزوا کشانده بود، او بر موقعیت خود بیمناک شد.

هیأت هشت نفری از میان نمایندگان که بیشتر طرفدار مصدق بودند، برگزید تا اختلاف را از میان بردارند. اینان چندین بار با «شاه» و «مصدق» دیدار نموده، نقطه نظرهای هریک را مورد توجه قرار دادند. سپس با جانبداری از نظریه رئیس دولت، گزارشی تقدیم مجلس نمودند و یادآور شدند که «اداره کلیه امور کشوری و لشکری از وظایف دولت است» و برخلاف قانون اساسی، فرماندهی و اختیارات شاه را در نیروهای مسلح نادیده گرفتند.^{۲۵۸} «دکتر مصدق» تصویب این طرح را از مجلس خواست و روز دوم خرداد، به نمایندگان منفرد (امامی اهری، کههد و هادی مصدقی) که به دیدار او رفته بودند، گفت: تصویب طرح هیأت هشت نفری، دولت را قادر به جلوگیری از تشنجات خواهد کرد.^{۲۵۹} و یک فوریت طرح در جلسه اول خرداد به تصویب رسید.

«شاه» ناچار با چشم‌پوشی از اختیارات خود در امور ارتشی، موافقت کرد. مشروط بر آنکه اختیارات «مصدق» (بجز آن قسمت که مربوط به حل مشکل نفت می‌باشد) لغو گردد. دکتر مصدق ظاهراً پذیرفت و گفت: لغو اختیارات از سوی مجلس، باعث تضعیف دولت می‌شود. من خودم طی نامه رسمی اختیارات را به مجلس برمی‌گردانم. ولی بعد گفت: حتی یک «واو» آن را هم پس نمی‌دهم.^{۲۶۰}

اعضای فراکسیون جبهه ملی و وابستگان آن فراکسیون، برای تصویب گزارش هیأت هشت نفری در مجلس کوشیدند و در سوم خرداد ۱۳۳۲ دو فوریت طرح گزارش به تصویب رسید، ولی شماری از نمایندگان اقلیت با ترک جلسه، رأی‌گیری نهایی درباره اصل گزارش

۲۵۸. روزنامه شاهد، چهارم خردادماه ۱۳۳۲.

۲۵۹. روزنامه شاهد، چهارم خردادماه ۱۳۳۲.

۲۶۰. روزنامه شاهد، چهارم خردادماه ۱۳۳۲.

هیأت هشت نفری را مانع شدند و گفتند: مطابق قراری که بوده است، واگذاری فرماندهی قوای سه‌گانه ارتش به رئیس دولت، مشروط بر آن بوده است که رئیس دولت هم از اختیارات خود صرف‌نظر کند و تا رئیس دولت از اختیارات صرف‌نظر نکند، ما در مجلس حاضر نمی‌شویم.^{۲۶۱}

اقلیت با حاضر نشدن در جلسدهای مجلس، هم مانع تصویب گزارش هیأت هشت نفری شد و هم جلو تصویب طرح سلب مصونیت دکتر بقایی را گرفت.

دکتر مصدق روز چهارم تیرماه در دیدار با چندین تن از نمایندگان طرفدار دولت از کارشکنی نمایندگان اقلیت شکایت کرد و گفت: «با این وضع، دولت قادر به انجام وظیفه نیست» و مجلس را تهدید به انحلال نمود.^{۲۶۲}

پس از این دیدار، روز دهم تیر در انتخاب هیأت رئیسه مجلس، فراکسیون جبهه ملی و طرفداران دولت در مجلس توانستند «دکتر عبداللهمعظمی» را با چهل و یک رأی بجای «کاشانی» (که سی و یک رأی داشت) به ریاست مجلس برگزینند.^{۲۶۳} اما اقلیت، از دولت مصدق انتقاد و از تشکیل جلسدهای مجلس جلوگیری می‌کرد و چند نفر از آنان با «زاهدی» که داوطلب نخست‌وزیری و در مجلس متحصن بود، ارتباط نزدیک داشتند. دکتر مصدق که چنین مجلسی را مزاحم می‌دانست، به نمایندگان فراکسیون ملی توصیه کرد استعفا دهند. روز ۲۳ تیرماه، بیست و هفت تن از نمایندگان فراکسیون ملی و سپس بیست و پنج

۲۶۱. روزنامه باختر امروز، دهم خردادماه ۱۳۳۲.

۲۶۲. روزنامه اطلاعات، ششم تیرماه ۱۳۳۲.

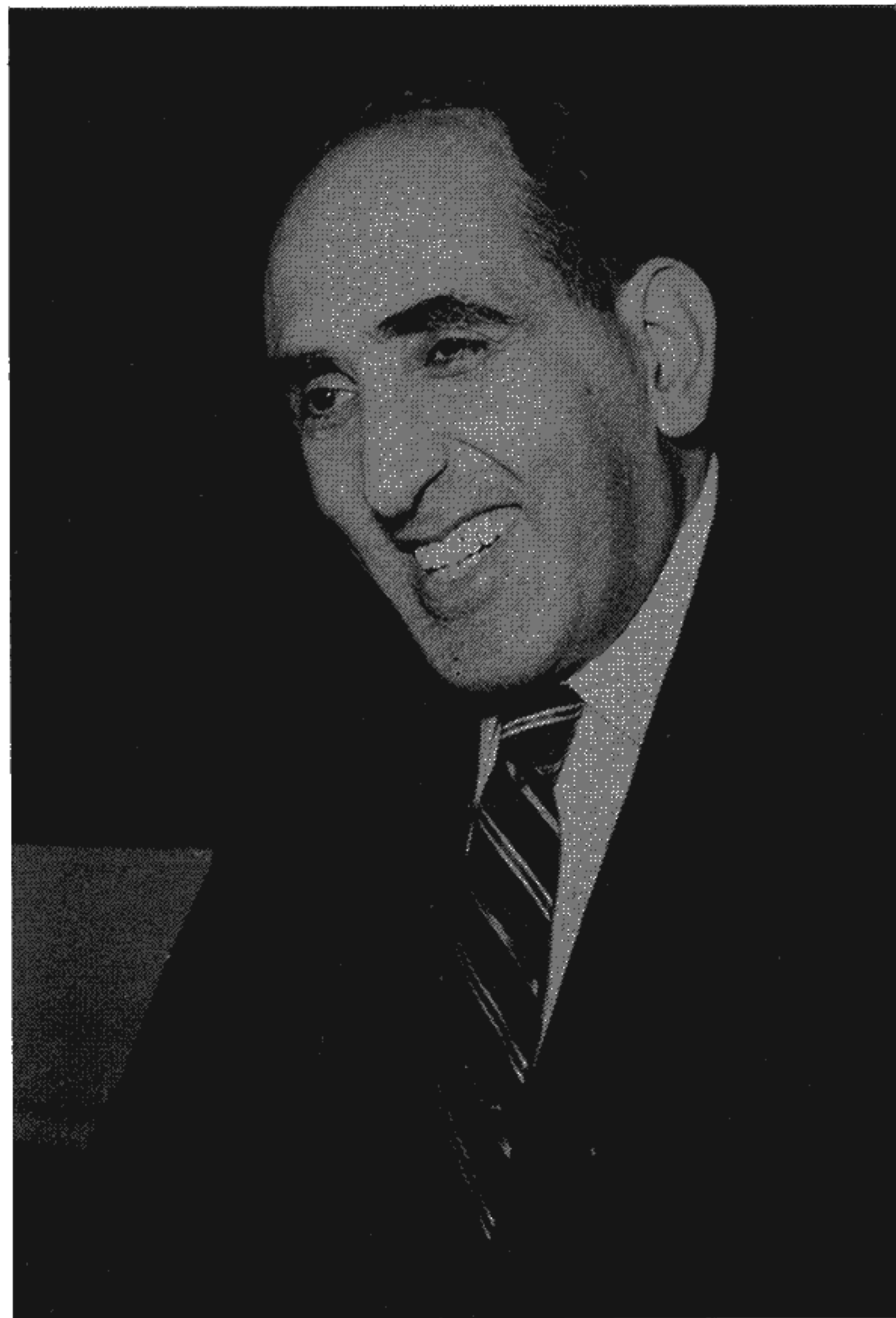
۲۶۳. صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، دهم تیر ۱۳۳۲.

نماینده از فراکسیونهای بی طرف و نمایندگان منفرد نیز استعفا نمودند و بدین گونه، مجلس عملاً تعطیل شد و سرلشکر زاهدی که در مجلس متحصن بود، از مجلس به مخفی گاهی نامعلوم گریخت.^{۲۶۴}

سرانجام دکتر مصدق روز پنجم امرداد در یک پیام رادیویی، نمایندگان اقلیت را به سوءاستفاده از مصونیت پارلمانی و اخلال در کارهای دولت متهم کرده، از مردم خواست درباره بودن یا نبودن مجلس رأی دهند و تکلیف دولت را روشن سازند.^{۲۶۵}

از این پس، دولت به وسیله وزارت کشور و دیگر عوامل خود، مقدمات مراجعه به آراء عمومی یا «رفراندم» را که در قانون اساسی ایران هیچ محلی نداشت، با شتاب فراهم آورد. در حالی که «آیت الله کاشانی» به مصدق پیام داد و با رفراندم مخالفت کرد.

روز دوازدهم امرداد در تهران و روز هجدهم در شهرستانها، «رفراندم» در فضایی آمیخته با تبلیغات شدید انجام شد. نتیجه رفراندم براساس آراء گردآوری شده، انحلال مجلس هفدهم بود. در تهران و شهرستانها، شمار بسیاری از رأی دهندگان به انحلال مجلس علاوه بر طرفداران دولت، افراد وابسته به حزب توده بودند. حزب توده، سازمانی مجهز و گسترده در کارخانهها و سازمانهای دولتی و در ارتش نیز یک شبکه مخفی به نام «سازمان افسران حزب توده» داشت که شاخههای آن در نیروی هوایی و شهربانی و ژاندارمری نیز کشیده شده بود و گروهی از افسران و درجداران و دانشجویان نظامی و افراد پلیس و ژاندارم به آن پیوسته بودند که شمارشان از هزار و چندصد نفر افزون بود و به گونه ستون پنجم پنهانی برای ایجاد تفرقه و تزلزل در نیروهای انتظامی



دکتر عبدالله معظمی

۲۶۴ - روزنامه کیهان، بیست و سوم تیرماه ۱۳۳۲.

۲۶۵ - روزنامه کیهان، پنجم امردادماه ۱۳۳۲.

می‌کوشید و اسرار ارتش را درباره سازمان و مهمات و نقشه‌های جنگی در اختیار حزب توده می‌گذاشت و ارتشیان را برای شورش دعوت می‌کرد.^{۲۶۶}

روز ۲۲ امردادماه، دکتر مصدق در یک اعلامیه با امضای خود، بدون ذکر عنوان نخست‌وزیر، انحلال مجلس هفدهم را اعلام کرد.^{۲۶۷} در حالی که مصدق در بحران شدید اقتصادی و درگیریهای سیاسی و ناامنیهای داخلی و نارضایتیهای بسیار روبه‌رو بود و گروه زاهدی برای نخست‌وزیری او در خفا کوشا بودند، در خارج از ایران، «ایدن» وزیر امور خارجه دولت محافظه‌کار انگلستان و «چرچیل» نخست‌وزیر بر آن بودند که «دالس» وزیر امور خارجه و «آیزنهاور» رئیس‌جمهور آمریکا را متقاعد سازند که ایران به مرحله خطرناک سقوط رسیده و سازش با مصدق غیرممکن است و باید در جستجوی جانشینی برای او باشند. رئیس‌جمهور آمریکا هم که از تصور یک ایران کمونیست یا سازش مصدق با شوروی نگران بود، پس از گفتگوهای چندماهه سران آمریکا و انگلیس، درباره تغییروضع ایران توافق کردند.^{۲۶۸} در همین مدت در ایران هم زاهدی فعالانه برای بدست گرفتن قدرت می‌کوشید و گروهی از امیران بازنشسته ارتش و افسران و دولت‌مردان برکنارمانده با او همکاری جدی داشتند و برای جلب موافقت آمریکا، چند تن از این

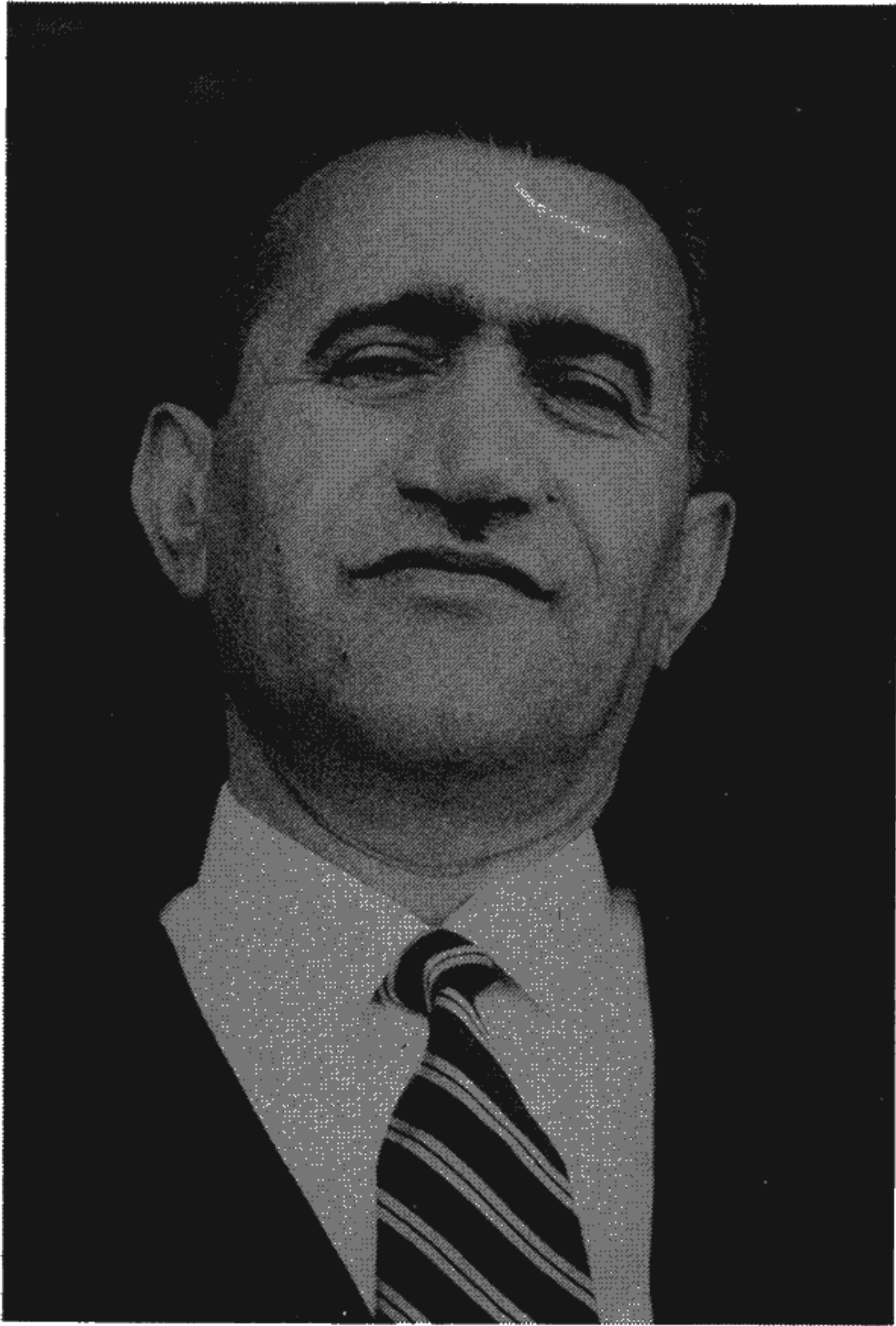
۲۶۶. کتاب سیاه، انتشارات فرمانداری نظامی، ۱۳۳۴.

۲۶۷. دکتر مصدق بعدها درباره انحلال مجلس گفت: می‌ترسیدم چند نفر از نمایندگان موافق دولت به نمایندگان مخالف بپیوندند و دولت را ساقط کنند. (مصدق در محکمه نظامی، جلد اول، صفحه ۳۴۸)

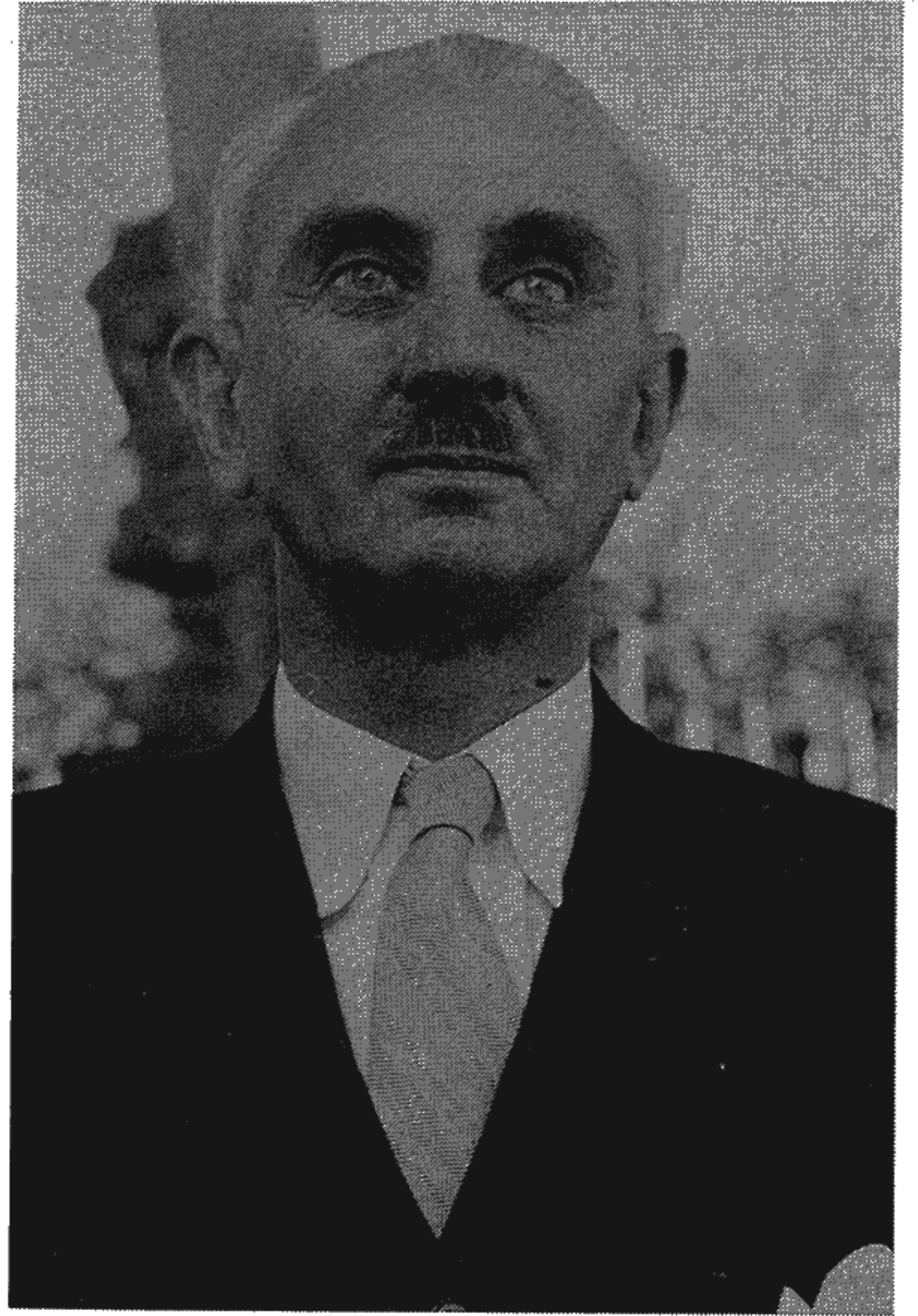
۲۶۸. مصدق، نفت، کودتا، صفحه ۴۳-۴۴. توضیح: طرح مشترک آمریکا و انگلیس برای سرنگونی دولت مصدق و جلوگیری از تسلط کمونیستها بر ایران در مراکز امنیتی آمریکا آماده شده بود.

گروه به سرپرستی «حسام دولت‌آبادی» و «سرلشکر ارفع» در روزهای آغازین تیرماه با «هندرسن» سفیر آمریکا دیدار کردند و بحران اقتصادی و نابسامانیهای اجتماعی ایران و خطر سلطه کمونیسم را یادآور شدند. «هندرسن» گفت: دولت آمریکا اینها را می‌داند. ارفع و دولت‌آبادی گفتند: پس چرا آمریکا از مصدق پشتیبانی می‌کند؟ «هندرسن» گفت: کسی برای جانشینی او نیست، باید زودتر چنین کسی را پیدا کرد. دولت‌آبادی گفت: چنین کسی را داریم و زاهدی را با خصوصیات نظامی‌گری معرفی کرد و گفت: یکسال بیشتر است که ایشان کاندیدای نخست‌وزیری است و فعالیت می‌کند و به‌خصوص در میان ارتشیان طرفداران بسیار دارد. «هندرسن» گفت: او را خوب می‌شناسیم، ولی آیا شاه با او موافق است. «ارفع» گفت: بله. زاهدی با شاه تماس دائم و نزدیک دارد. هندرسن فکری کرد و گفت: من این موضوع را با مقامات دولت آمریکا درمیان می‌گذارم.^{۲۶۹} و بدین ترتیب، کسی را که مقامات آمریکایی و انگلیسی برای جانشینی مصدق در جستجویش بودند، پیدا کردند. شاه هم که با زمامداری مصدق موقعیت و پادشاهی خود را در خطر می‌دید و پنهانی با زاهدی و امیران بازنشسته و یاران زاهدی در ارتباط بود، می‌دانست مصدق بر اثر وعده‌های انجام‌نشده و بحران اقتصادی و اختلافات داخلی تا حد زیادی پشتیبانی افکار عمومی را از دست داده و موقعیت تیرماه ۱۳۳۱ را ندارد. به‌خصوص که کاشانی و روحانیت هم دیگر حامی او نیستند. شاه برای اطمینان از دیدگاه خارجی، به خواهرش (شاهدخت اشرف) که از سوی مصدق از یک‌سال پیش از ایران تبعید شده و در سوئیس می‌زیست و با برخی از

۲۶۹. از خاطرات «حسام دولت‌آبادی»، آرشیو وزارت فرهنگ و هنر سابق.



حسام دولت آبادی



سرلشکر حسن ارفع

سیاست‌پیشگان خارجی در تماس و دورادور مراقب اوضاع ایران بود، پیغام داد برای گفتگو چهل و هشت ساعت به ایران بیاید. اشرف روز ششم امرداد وارد فرودگاه شد. از فرودگاه ورود او را به دکتر مصدق اطلاع دادند و به دستور مصدق، اشرف را نزد او بردند. ۲۷۰ مصدق به او گفت: شازده‌خانم برای چی به ایران آمدی؟ «اشرف» گفت: برای دیدار برادرم. مصدق گذرنامه او را گرفت و گفت ۴۸ ساعت دیگر در فرودگاه باشید که ایران را ترک کنید. گذرنامه را در فرودگاه در ساعت پرواز به شما خواهند داد. اشرف با یک اتومبیل به «سعدآباد» نزد شاه رفت. در دیدار دو روزه، «اشرف» به «شاه» جرأت داد و او را از حمایت آمریکا مطمئن ساخت و برای برانداختن «مصدق» تشویق کرد و «شاه» که از تردید بیرون آمده بود، از او خواست با سیاست‌مردان آمریکا و انگلیس باز هم تماس بگیرد، در همین حال، وزارت دربار با انتشار بیانیه‌ای ورود «اشرف» را بدون اجازه «شاه» وانمود کرد و متذکر گردید که «به‌والاحضرت اطلاع داده شده‌است فوراً ایران را ترک کند».

اشرف پس از ۴۸ ساعت، تهران را به مقصد سوئیس ترک گفت و گذرنامه او را دکتر فاطمی وزیر خارجه در فرودگاه به او داد. ۲۷۱ «هندرسن» روزهای پایانی تیرماه به آمریکا رفت. او ضمن گزارش اوضاع نابسامان ایران کاندیدابودن زاهدی و موافقت شاه را با نخست‌وزیری او و موقعیت کلی مصدق و کاهش محبوبیت او و وضع آشفته اقتصادی و نفوذ کمونیست‌ها را در ارتش و کارخانه‌ها و سازمانهای دولتی و تأسیسات نفتی با شاخ و برگ هرچه بیشتر با مقامات وزارت خارجه آمریکا در میان نهاد و به گفته دکتر مصدق: در ترسیم نقشه



هندرسن سفیر آمریکا

۲۷۰. خاطرات محمدعلی مسعودی، آرشیو وزارت فرهنگ و هنر سابق.

۲۷۱. به نقل از انوشهر خبرنگار عکاس که در آن روز در فرودگاه حضور داشته است.

براندازی دولت مصدق شرکت نمود^{۲۷۲} و این خود «مصدق» بود که با اشتباهات و اقدامات غیرواقعی بینانه و درگیریهایی همه جانبه در سیاست داخلی و خارجی و انحلال مجلس و ورشکستگی اقتصادی و فرصت دادن به حزب توده، هدف اساسی خود را از ملی کردن نفت که تحصیل درآمد بیشتر برای مملکت و تأمین رفاه مردم بود، به فراموشی سپرد و هرگونه پیشنهادی را برای به کار انداختن صنعت نفت رد کرد و سیاست «اقتصاد بدون نفت» را پیش کشید و موجبات سقوط دولت خود و پی آمدهای پس از سقوط را فراهم آورد. در صورتی که با موقعیت استثنایی و نیک نامی و وجهه ملی که داشت و اختیارات و اقتداراتی که به دست آورد، اگر با واقع نگری و پیش بینی دقیق بازیهای سیاست آمریکا و انگلیس پیش می رفت، می توانست شالوده دموکراسی و حکومت ملی و رفاه اجتماعی را در ایران استوار سازد و این آرمان را تحقق بخشد.

موفقیت نقشه کودتا

روز ۱۸ مرداد جلسه محرمانه ای در پایگاههای آلپ سنوئیس با شرکت «آلن دالس» رئیس سازمان سیا آمریکا و «هندرسن» سفیر آمریکا در تهران و «اشرف پهلوی» و «کیم روزولت» از اعضای مؤثر سیا (که در عربستان سعودی و ایران واسطه فروش اسلحه کارخانه های اسلحه سازی آمریکا نیز بود) و ژنرال شوارتسکف آمریکایی مستشار ژاندارمری ایران برپا و تصمیماتی گرفته شد. «شوارتسکف» و «کیم روزولت» با پیامها و دستورهای خاص، عازم تهران شدند. پیامی که «روزولت» برای «شاه» آورده بود، لزوم برکناری سریع «مصدق» و گماردن «زاهدی» بجای او

بود. پیام «اشرف» هم روی نوار وسیله «ارنست پرون» برای شاه رسیده بود. پس از ورود «روزولت» و «شوارتسکف» و رسیدن پیام «اشرف» بود که «شاه» تصمیم خود را گرفت. «پیام رمز کوتاه رادیویی» آیزنهاور و فرستنده «بی.بی.سی» انگلستان، شاه را در این تصمیم قاطع ساخت.^{۲۷۳} جای شگفتی است که «صالح» سفیر مصدق در آمریکا از توطئه مقامات سیا و وزارت خارجه آمریکا گزارشی برای دکتر مصدق نمی داد یا آنکه این دیپلمات خود از آنچه در آمریکا برای سقوط مصدق می گذشت، اطلاعی نداشت.

روز ۲۲ مرداد که مصدق انحلال مجلس را اعلام داشت، شاه پس از گفتگوی با روزولت، همراه ملکه ثریا به کاخ تابستانی کلاردشت رفت. او دستور صدور فرمان نخست وزیر زاهدی و برکناری مصدق را داده بود. این دو فرمان را «نصیری» برای امضای شاه به کلاردشت برد و خود او مأمور رساندن این دو فرمان شد. «نصیری» فرمان زاهدی را روز ۲۴ مرداد در مخفی گاه وی به او رسانید و پس از مشورت با او، شب ۲۵ مرداد با همراهی چند کامیون سرباز، یک پس از نیمه شب به خانه مصدق رسید. سرهنگ ممتاز فرمانده گارد خانه مصدق را دیدار کرد و گفت: از اعلیحضرت دست خطی دارم، باید شخصاً به آقای دکتر مصدق بدهم. سرهنگ ممتاز براساس دستور کلی که داشت، اجازه نداد. «نصیری» پاکت سربسته را به او داده، گفت: این نامه را به دکتر مصدق برسانید و رسید بیاورید.

دکتر مصدق که خود می دانست در همان نیمه دوم مرداد طرحی برای برانداختن دولت او در دست اجراء می باشد، عصر روز ۲۴ مرداد



سپهبد زاهدی

سرتیپ ریاحی، رئیس ستاد را فراخوانده، دستور داده بود چهار زره‌پوش مستقر در سعدآباد را به جلو خانه او منتقل کنند و نیز دستور داده بود رئیس ستاد شب را تا صبح در ستاد باشد و میز خود را ترک نکند.

همین که سرهنگ ممتاز پاکت سربسته را به مصدق داد، مصدق رسیدی مبهم و تنها به این عنوان که «دست خط اعلیحضرت همایونی رسید.» نوشت و به ممتاز داد که به نصیری بدهد و نیز دستور داد، نصیری را بازداشت کرده، به ستاد ارتش بفرستد و به سرتیپ ریاحی هم تلفنی تعلیماتی داد.

بامداد روز ۲۵ مرداد از ساعت ۶، رادیو چندین بار توجه شنوندگان را به اعلامیه مهم دولت جلب کرد. متن اعلامیه در ساعت ۶/۴۵ به وسیله فاطمی برای «بشیر فرهمند» سرپرست اداره تبلیغات دیکته شد و در ساعت هفت بامداد، این اعلامیه چندبار در رادیو پخش گردید و شایعه کودتای شب گذشته، همه جا شهرت یافت:

«از ساعت ۱۱/۳۰ دیشب، یک کودتای نظامی به وسیله گارد شاهنشاهی به مرحله اجراء گذارده شد. بدین ترتیب که ابتدا در ساعت مزبور، نفرات نظامی مسلح به شصت تیر و اسلحه دستی، وزیر امور خارجه و وزیر راه و مهندس زیرک‌زاده را در شمیران توقیف کردند و برای توقیف رئیس ستاد ارتش نیز به منزلشان مراجعه نمودند، ولی چون تمیسار ریاحی در ستاد ارتش مشغول کار بودند، به دستگیری ایشان موفق نشدند.

در ساعت یک بعد از نصف شب نیز سرهنگ نصیری رئیس گارد

۱۸۲. خاطرات و تألمات مصدق، صفحه ۱۹۳-۱۹۴. هفتنامه مرزبان، شماره ۱۲ شهریورماه. اسرار کودتای ۲۸ مرداد، نوشته «وودهاوس» انگلیسی، ترجمه نظام‌الدین دربندی، صفحه ۱۷۶.

شاهنشاهی با چند کامیون نظامی مسلح و دو جیپ ارتش و یک زره‌پوش به منزل آقای نخست‌وزیر آمده، به‌عنوان اینکه می‌خواهد نامه‌ای بدهد، قصد اشغال خانه را داشته است. ولی چون محافظین منزل نخست‌وزیری مراقب کار خود بودند، بلافاصله سرهنگ مزبور را توقیف کردند.»

«شاه» که به‌وسیله «ارنست پرون» (دوست سوئیسی خود) از بازداشت نصیری آگاه شده بود، پیش از ساعت ۷ بامداد ۲۵ مرداد از کلاردشت به رامسر رفت و همراه «ملکه ثریا» با هواپیمای شخصی که سروان خاتمی آن را می‌راند، به «بغداد» و سپس به «رم» پرواز کرد.

روز ۲۵ مرداد در تهران همه‌جا صحبت از کودتایی بود که اعلامیه دولت خبر داده بود. در ساعت ۶/۳۰ بامداد، دکتر مصدق جلسه هیأت دولت را در خانه خود تشکیل داد. موضوع کودتا را چنانکه در اعلامیه دولت آمده بود، بیان کرد، ولی از فرمان برکناری خود سخنی نگفت و اگر می‌گفت، شاید برخی از وزیران کناره‌گیری می‌کردند. ولی او این موضوع را از همه پوشیده داشت و تنها از کودتا و لزوم تشدید اقدامات امنیتی سخن گفت^{۲۷۴} و نیز گفت: شاه با پشتیبانی عناصر بیگانه می‌کوشد دولت را ساقط کند و برای جلوگیری از این توطئه، تصمیم دارم شخصاً همه قدرت را در دست بگیرم.^{۲۷۵}

در حالی که اردشیر زاهدی کلیشه فرمان نخست‌وزیری پدرش را از مخفی‌گاه برای روزنامه‌ها می‌فرستاد، در همان روز ۲۵ مرداد، افسران و تمام افراد گارد شاهنشاهی در سعدآباد خلع سلاح شدند و گارد شاهنشاهی منحل شد و تمام کاخهای سلطنتی به دستور «فاطمی» و با

۲۷۴. دکتر مصدق بعدها گفت: چون فرمان را نافذ نمی‌دانستم، آن را پوشیده داشتم. (مصدق در محکمه نظامی، کتاب اول، جلد اول، صفحه ۱۸۷)

۲۷۵. مجله امید ایران، خردادماه ۱۳۵۸.

حضور او بسته و مهر و موم شد. ابوالقاسم امینی کفیل وزارت دربار و رحیم هیراد رئیس دفتر مخصوص شاه و سرلشکر باتمانقلیج و بهبودی رئیس تشریفات دربار و سرتیپ شیبانی و سرهنگ زند کریمی و شماری از طرفداران شاه بازداشت شدند. نام شاه از دعای شامگاه و صبحگاه سربازخانه‌ها حذف گردید. مجسمه‌های رضاشاه در تمام شهر به وسیله عناصر توده‌ای پایین کشیده شد.^{۲۷۶} برای دستگیری زاهدی پنجاه هزار تومان جایزه تعیین گردید. روزنامه‌های وابسته به جبهه ملی و حزب توده و حزب ایران به‌خصوص روزنامه باختر امروز فحش و ناسزا نثار شاه نمودند و برپایی مجلس مؤسسان یا اجرای فرماندم را برای تغییر رژیم خواستار شدند. «کریم‌پور شیرازی» در برابر خانه مصدق میتینگ برپا ساخت و مردم را برضد سلطنت فراخواند.^{۲۷۷} روزنامه «جبهه آزادی» ارگان حزب ایران، لزوم برقراری رژیم جمهوری را اعلام کرد.^{۲۷۸} همان روز پیش از ظهر، در خانه مهندس رضوی (در خیابان شاهرضا)، فاطمی و شایگان و زیرک‌زاده و چند نفر دیگر گرد آمده، برگزاری یک میتینگ را برای عصر آن روز در میدان بهارستان تدارک دیدند.

عصر آن روز در حضور تقریباً دو هزار نفر از هواداران دولت و توده‌ایها و گروهی عابر و تماشاچی در روی یک بالکن (در شمال میدان بهارستان، نزدیک خیابان صفی‌علیشاه) زعمای جبهه ملی گرد آمدند. فاطمی به «شاه» نسبت خیانت داد و گفت: باید تکلیف مملکت و رژیم،

۲۷۶. مصدق، نفت، کودتا، صفحه ۱۰۲. مصدق در محکمه نظامی، کتاب اول، جلد اول، صفحه ۴۷۳. روزنامه مرزبان، شماره ۱۲، شهریورماه ۱۳۳۲.

۲۷۷. مصدق در محکمه نظامی، جلد دوم، صفحه ۴۷۵.

۲۷۸. جبهه آزادی، شماره ۲۶، مرداد ۱۳۳۲.

هرچه زودتر روشن شود.

شایگان، سخنان خود را با این فراز: «تحفه‌ای که بنا بود به تهران بیاید به بغداد رفت» آغاز نمود و از برپایی شورای سلطنت و تغییر رژیم سخن راند. «مصدق» همان روز در اندیشه برپایی شورای سلطنت بود و «دهخدا» را برای ریاست شورا در نظر گرفته بود، ولی پس از تأمل، برقراری «رفراندم» و تغییر رژیم را مناسب‌تر دانست و از این رو، روز ۲۶ مرداد به وزیر کشور گفت: «ممکن است رفراندم بشود. دستور دهید نقل و انتقالی در مأمورین وزارت کشور انجام نشود». ۲۷۹ تصمیم دکتر مصدق را برای تغییر رژیم، «دکتر بقایی» قبلاً در پنجم خرداد ۱۳۳۲ در مجلس فاش کرد. ۲۸۰ و بعداً «آیت‌الله کاشانی» هم در یک مصاحبه در مهرماه ۱۳۳۲ به این تصمیم مصدق اشاره کرده و گفت: «مصدق» می‌خواست تغییر رژیم دهد، ولی من مخالف بودم. ۲۸۱

روز ۲۶ مرداد، «مصدق» دستور بازداشت «زاهدی» را داد. ۲۸۲ و «سرتیپ ریاحی» رئیس ستاد ارتش با تلگراف رمز این دستور را به همه واحدها و پادگانهای ارتشی و مرزی ابلاغ کرد و تأکید نمود که از فرار او مانع شوند و هر جا به او دسترسی پیدا کردند، او را تحت‌الحفظ به تهران بفرستند. ۲۸۳ این دستور تلگرافی وقتی به مرزها و شهرستانها مخابره می‌شد که زاهدی قاطعانه در مخفی‌گاه خود در تهران برای به‌دست گرفتن قدرت می‌کوشید و رئیس ستاد و رئیس شهربانی و

۲۷۹. مصدق در محکمه نظامی، جلد اول، صفحه ۴۳۶.

۲۸۰. صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، پنجم خردادماه ۱۳۳۲.

۲۸۱. اعلامیه‌های کاشانی، جلد چهارم، صفحه ۴۸.

۲۸۲. مصدق در محکمه نظامی، جلد اول، صفحه ۳۰۱.

۲۸۳. مصدق در محکمه نظامی، جلد اول، صفحه ۳۰۱.

فرماندار نظامی غافل بودند.

و نیز «ریاحی» در همان روز ۲۶ مرداد به تمام مراکز نظامی در تهران و شهرستانها دستور داد مردم را در ابراز احساسات ضدشاه آزاد بگذارند و کسانی را که به جانبداری از شاه شعار می‌دهند، پراکنده سازند. ۲۸۴

در همین حال، «کرمیت روزولت» و «اردشیر زاهدی» مصاحبه‌های مخفیانه برپا کرده، فتوکپی فرمان نخست‌وزیری زاهدی را در اختیار خبرنگاران خارجی قرار می‌دادند.

این روزها شعار ضدآمریکایی و حمله به آمریکاییها از سوی عوامل حزب توده شدت یافته بود. «هندرسن» که پس از شکست مأموریت «نصیری» غروب روز ۲۵ مرداد از بیروت به تهران آمده بود، عصر روز ۲۷ مرداد به دیدن «مصدق» رفت و او را از خطر سلطه حزب توده و نیز خطری که ممکن است متوجه اتباع آمریکا شود، هشدار داد. از این رو، از بامداد ۲۸ مرداد به دستور «مصدق» از تظاهرات توده‌ایها جلوگیری شد و این تصمیم به سود کودتاچیان بود که «هندرسن» هم پنهانی با آنها در ارتباط بود.

«آیت‌الله کاشانی» روز ۲۷ مرداد، نامه‌ای برای مصدق نوشت و سربسته از او خواست کنار برود و پیشنهاد کرد «مصطفی کاشانی» و «ناصر قشقایی» را برای گفتگو نزد او بفرستد. ولی مصدق نپذیرفت و به هشدار «آیت‌الله کاشانی» اعتنا نکرد و به کاشانی چنین پاسخ داد: مرقومه آقا زیارت شد. اینجانب مستظهر به پشتیبانی ملت ایران هستم. ۲۸۵ روز ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ مرداد، تمام تظاهرات و شعارها و میتینگها به

۲۸۴. مصدق در محکمه نظامی، جلد اول، صفحه ۴۲۹.

۲۸۵. بیست و پنج سال حاکمیت آمریکا بر ایران، نوشته جواد منصوری، صفحات ۳۹ و ۴۰.

طرفداری «مصدق» و برضد «شاه» بود. در تمام این سه روز و همچنین روز ۲۸ مرداد، «سرتیپ مدبر» رئیس شهربانی و «سرهنک اشرفی» فرماندار نظامی و «سرتیپ تقی ریاحی» رئیس ستاد ارتش با «مصدق» در تماس بودند. اما از بامداد روز ۲۸ مرداد ورق برگشت. از صف طولانی راهپیمایانی که در روزهای ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ مرداد در خیابانهای مرکزی شهر و از میدان رشديه تا میدان بهارستان با در دست داشتن تصویرهای بزرگ مصدق و فریادهای «از جان خود گذشتیم، با خون خود نوشتیم، یا مرگ یا مصدق» در حرکت بودند، خبری نبود و آن افراد ملت ایران که مصدق به پشتیبانی آنان مستظهر بود، یکباره ناپدید شده بودند!

در عوض آنان، گروههای بسیاری از مردم جنوب شهر و وزرشکاران، میوه‌فروشها و تره‌بارفروشهای میدان امین‌السلطان و افراد ارتشی و پلیس و ژاندارم و افراد متفرقه برضد مصدق بسیج شده بودند و خروشان به سوی خانه مصدق پیش می‌رفتند. سرلشکر ارفع و سرتیپ فرزنانگان و سرتیپ اخوی و شماری بسیار از تیمساران و افسران بازنشسته و شاغل در برانگیختن این گروهها نقش داشتند.

«کرومیت روزولت» که به‌وسیله «اردشیر زاهدی» با زاهدی و چند نفر از تیمساران طرفدار او در تماس بود، گفته است: برای تجهیز این جمعیت به یک شبکه هشت نفری، هفتاد و پنج هزار دلار پول داده است و هم او گفته است: مصدق حمایت مردم را از دست داده بود و اگر سازمان دادن نیروهای مخالف مصدق بسرعت انجام نمی‌شد، عوامل دیگر (حزب توده) تصمیم به یک کودتا داشتند. «روزولت» و «هندرسن» در جای دیگر هزینه عملیات ۲۸ مرداد را یک میلیون دلار

از ساعت دو، خانه مصدق محاصره شد. گارد خانه مصدق از درون و نظامیان محاصره کننده از بیرون به تیراندازی متقابل پرداخته بودند. در همین لحظات، «زاهدی» و جمعی از طرفدارانش از جمله میراشرافی، پیراسته، سرتیپ گیلانشاه، سرتیپ فرزنانگان، برادران رشیدیان، عمیدی نوری، سرتیپ اخوی و... سوار بر تانک برای تصرف بی‌سیم و رادیو راه افتاده بودند. در برابر یورش آنها، مأموران فرمانداری نظامی که از بی‌سیم و رادیو نگهبانی می‌کردند، گریختند.

جای شگفتی نیست که حزب توده که طرفدار دکتر مصدق و در اندیشه برپایی حکومت دمکراتیک بود، با داشتن سازمان مخفی نظامی و نفوذ در ارتش، در آن سه روز بجای رویارویی با کودتاچیان، به کلی خود را از معرکه دور نگاه داشت، چون در این باره قبلاً «ایدن» به دولت شوروی اخطار کرده بود (نفت و سلطه، انتشارات مصدق، صفحه ۱۳).

ساعت ۳/۳۰ صدای زاهدی از پشت رادیو شنیده شد و خود را به‌عنوان نخست‌وزیر قانونی معرفی کرد. چند تن از یاران او نیز به مردم پیام دادند. میراشرافی در رادیو گفت: مردم، زاهدی نخست‌وزیر قانونی، قدرت را در دست گرفت. مصدق فرار کرد. فاطمی را کشتند. در همین حال زاهدی سوار تانک به سوی باشگاه افسران رهسپار شده بود که در آنجا مستقر شود.

سرتیپ ریاحی، رئیس ستاد، به دستور زاهدی توقیف شد و سرلشکر باتمانقلیچ به ریاست ستاد منصوب گردید. خبرهای رادیو، مصدق و یارانش را به‌سختی نگران کرد، درگیری جلو خانه مصدق بحرانی‌تر و خونین‌تر گردید. یاران مصدق، ملافه سفید روی تختخواب او را به

علامت بلاذفاع بودن، بالای در خانه آویختند. اما خانه او گلوله باران می‌شد. فاطمی گریخت. از سوی افسران و درجه داران طرفدار شاه، سرهنگ فولادوند نزد مصدق آمد و از او خواست استعفای خود را اعلام کند تا غائله پایان پذیرد. اما مصدق نپذیرفت، ولی یک اعلان جلو خانه آویختند که «این خانه بلاذفاع است». همین که فولادوند بی‌نتیجه از نزد مصدق برگشت و گفت: «او حاضر به استعفا نیست» گلوله باران خانه مصدق با توپ و تفنگ تجدید شد. گروهی مأمور و فرصت طلب هم در اندیشه غارت اموال یا دست یافتن به اسناد و مدارک موجود در خانه مصدق بودند. در شدت گلوله باران، سرهنگ عزیز رحیمی در کنار «ایروانی» راننده تانک نشست. «استوار ایروانی» در آهنی و دیوار خانه مصدق را فروریخت و خانه مورد هجوم قرار گرفت.^{۲۸۷} ولی خود «ایروانی» و چند نفر که روی تانک بودند، بر اثر تیراندازی گارد خانه مصدق کشته شدند.^{۲۸۸} در ساعت ۶، مصدق در حالی که پیژامه بر تن داشت، همراه دکتر صدیقی و شایگان و زیرک‌زاده و حسینی و رضوی و سیف‌اله معظمی و نریمان، در برابر چنین وضعی شتابزده به وسیله نردبان به پشت بام رفته و دیوار به دیوار و خانه به خانه گریختند و از ساعت ۸ بعد از ظهر ۲۸ امرداد، در زیرزمین یک خانه در خیابان کاخ که تنها یک سرایدار در آنجا زندگی می‌کرد، بسر بردند و در ساعت شش بامداد به خانه مادر معظمی که در همان نزدیکی بود، رفتند. در آن خانه جز

۲۸۷. قسمتی از اموال و اسناد خانه مصدق هم مورد دستبرد مهاجمان قرار گرفت. مقداری از آن اموال را مأمورین انتظامی به خانواده دکتر مصدق بازگرداندند.

۲۸۸. اعلامیه پزشک قانونی در روز سی و یکم امرداد، تعداد تلفات جلو خانه «دکتر مصدق» را چهل و یک زخمی و هفتاد و پنج کشته اعلام داشت، ولی در منابع دیگر کشته‌شدگان را دویست و زخمی‌شدگان را سیصد نفر نقل کردند. تیراندازی هم از سوی مهاجمین و هم از سوی گارد خانه دکتر مصدق انجام می‌شد.

یک مستخدم کسی حضور نداشت.

معظمی از آنجا به «شریف‌امامی» شوهرخواهر خود تلفن کرد و از او یاری خواست. «شریف‌امامی» به زودی در آنجا حضور یافت. با مصدق و یاراناش گفتگو کرد و رفت. صدیقی و رضوی و نریمان و زیرک‌زاده گریختند. یک ساعت بعد، اتومبیل فرمانداری نظامی آمد و «مصدق» و «شایگان» و معظمی را به فرمانداری نظامی برد. از آنجا دستگیری «مصدق» را به نخست‌وزیر تلفن کردند و به دستور «زاهدی» آنها را به باشگاه افسران نزد نخست‌وزیر بردند. در آنجا «مصدق» با زاهدی ملاقات کرد و او را به دستور زاهدی یک هفته در باشگاه افسران نگاه داشتند و اتاق اختصاصی «شاه» را در اشکوب سوم در اختیارش گذاشتند. شایگان و معظمی را پس از یک شب به فرمانداری نظامی بازگرداندند و تحویل بازداشتگاه شدند. مصدق هم پس از یک هفته به بازداشتگاه دادرسی ارتش منتقل شد و بعد از بازپرسیهای مقدماتی به وسیله بازپرسان نظامی، به اشکوب فوقانی کاخ سلطنت آباد که برای اقامت او اختصاص داده شده بود، منتقل گردید و بازپرسی در آنجا از او ادامه یافت و بعد دادرسی هم در تالار اشکوب اول همان کاخ سلطنت آباد، در دادگاه ویژه‌ای که برای رسیدگی به وقایع روزهای ۲۵ تا ۲۸ امرداد تشکیل شده بود، به ریاست «سرلشکر مقبلی» برپا گردید.

دادرسی دکتر مصدق به اتهام ایجاد آشوب در روزهای ۲۵ تا ۲۸ امرداد به منظور براندازی رژیم شاه بود. دکتر مصدق به صلاحیت دادگاه اعتراض داشت، زیرا محاکمه وزیران و نخست‌وزیران درباره جرایمی که در هنگام وزارت یا نخست‌وزیری مرتکب می‌شوند، براساس قانون باید در دیوان کشور انجام شود. ولی دادگاه با این استدلال که دادرسی دکتر مصدق برای رویدادهای ۲۵ تا ۲۸ امرداد می‌باشد و او در شب ۲۵ امرداد

فرمان عزل خود را گرفته و رسید داده و در این چند روز نخست وزیر نبوده است، ایراد او را رد کرده با اعلام صلاحیت خود، محاکمه را ادامه داد و پس از سی و پنج جلسه دادرسی (با توجه به نامه ۲۹ آذر ۱۳۳۲ وزیر دربار مبنی بر گذشت شخصی شاه)، «مصدق» به سه سال زندان محکوم شد. مصدق از دیوان کشور تجدید نظر خواست و «حسن صدر» و «بهرام مجدزاده» و «علی شهیدزاده» را برای تقدیم دادخواست فرجامی به وکالت از سوی خود معرفی کرد. ولی دادخواست او مدتها در دیوان کشور معوق ماند و سرانجام در ماههای پایان دوران محکومیت، دادنامه دادگاه ویژه ارتش در شعبه نهم دیوان کشور به ریاست «غلامعلی فرهت» با حضور و اعمال نفوذ «سرلشکر آزموده» دادستان ارتش و «علی هیئت» رئیس دیوان عالی کشور (نخستین وزیر دادگستری کابینه مصدق) تأیید شد.^{۲۸۹} غلامعلی فرهت در برابر تأیید دادنامه ارتشی مبنی بر محکومیت مصدق، علاوه بر ریاست شعبه نهم دیوان کشور، یک حکم مدیرکلی هم گرفت و از این بابت مزایایی علاوه بر حقوق پایه ده قضایی خود دریافت می نمود. اما در برابر اعتراضی که نسبت به تأیید حکم محکومیت مصدق از سوی بعضی از حقوقدانان می شد، می گفت: مرا تهدید کردند که اگر حکم را تأیید نکنی، فرزندت را زیر ماشین می کنیم. بی گمان چنین تهدیدی نشده بود، ولی او همان گونه که روی ترس و ضعف نفس حکم دادگاه ویژه ارتشی را بدون استدلال قانونی

۲۸۹. «دکتر مصدق» پس از گذراندن سه سال بازداشت در کاخ سلطنت آباد و بازداشتگاه لشکر ۲ زرهی، در «احمدآباد» ملکی خود در صد کیلومتری تهران تحت نظر مأمورین امنیتی می زیست و در چهاردهم اسفندماه ۱۳۴۵ درگذشت و سازمان امنیت مانع از برپایی مجلس ترحیم برای او شد. آرامگاه او در همان احمدآباد است و ارادتمندان و پیروان راه او، گاه برای ادای احترام به او به احمدآباد می روند.

تأیید کرده بود، در پاسخ اعتراض آن حقوقدانان، بجای آنکه از تصمیم خود با استدلال قانونی دفاع کند، به این عذر بدتر از گناه متوسل می شد و از این رو پس از چندی، مزایای شغلی او قطع و بازنشسته شد.

در همان روزهای موفقیت کودتا، نهصد هزار دلار باقی مانده پولی که در اختیار «کیم روزولت» بود و نیز پنج میلیون دلار از اعتبار اداره اصل چهار به دولت داده شد و دو میلیون دلار هم به حساب زاهدی ریخته شد و در برابر تقاضای زاهدی از آیزنهاور، دولت آمریکا یک کمک سریع چهل و پنج میلیون دلاری برای ایران در نظر گرفت.^{۲۹۰} برخی منابع، پولی را که برای موفقیت کودتای زاهدی مصرف شده، تا ده میلیون دلار نوشته اند.^{۲۹۱} رقم دقیق پولی که در این راه مصرف شد، معلوم نیست اما پیدا است که برخی از هم پیمانان زاهدی از دولت مردان و تیمساران و افسران هم بی نصیب نبوده اند، همچنانکه میراشرافی یک کارخانه در اصفهان خرید و «گیلان شاه» و فرزنانگان و چند نفر دیگر هم به نوبه خود از آن دلارها بهره مند شدند و بیشتر اینان نیکنام نبودند، همچنان که خود «زاهدی».

مصدق در این بازی سیاسی هم مانند بازی نفت، بر اثر اشتباه و غفلت در پیش بینی صحیح واکنشها و بازتابهای سیاست منفی خود و اعتماد بی مورد به سیاست آمریکا و اتکاء به تظاهرات طرفداران بی ثبات و فرصت طلب، شکست خورد و بعدها خود به این نکته اعتراف کرد که فریب مردم را خورده است و این هنگامی بود که سرلشکر آزموده در

۲۹۰. مصدق، نفت، کودتا، صفحه ۱۴۴.

۲۹۱. مصدق، نفت، کودتا، صفحه ۱۳۹. بجز این رقم که ظاهراً بین یاران زاهدی تقسیم شده است، چند میلیون تومان هم بین ترمبارفروشا و ورزشکاران و گروه بانان و مردم جنوب شهر و کسانی که در قیام ۲۸ مرداد شرکت کردند، تقسیم شده بود.

دادگاه او را عوام‌فریب خواند و مصدق با تلخی گفت: «عوام مرا فریب دادند».

دالس وزیر خارجه آمریکا درباره سقوط مصدق چند روز پس از آن به کمیته قضایی کنگره آمریکا نوشت: ایران در وضع خطرناکی قرار گرفته بود و اگر این قیام عمومی رخ نمی‌داد، در ظرف چند روز ایران به دست کمونیستها می‌افتاد. ۲۹۲

«شاه» که روز ۲۹ مرداد تلگراف پیروزی زاهدی را دریافت کرده بود، روز سی و یکم مرداد وارد تهران شد و زاهدی و جمعی از دولت‌مردان از او استقبال نمودند و زاهدی روز یکم شهریور، وزیران خود را در کاخ سعدآباد معرفی کرد. ۲۹۳ روز چهارم شهریور، «هندرسن» سفیر آمریکا همراه «علی پاشا صالح» (مترجم) در باشگاه افسران از زاهدی دیدار کرد. روز ۱۲ شهریور «نرمال پال» نماینده ویژه اداره کمکهای خارجی و «بارنر» معاون وزارت دارایی آمریکا به تهران آمدند و با زاهدی و امینی ملاقات کردند و روز پانزدهم شهریور کمک چهل و پنج میلیون دلاری آمریکا را در اختیار زاهدی گذاشتند و زاهدی با این کمک مالی توانست چرخهای اقتصاد ورشکسته ایران را به حرکت درآورد. به دنبال این کمک نقدی، کمک هفتاد و پنج میلیون دلاری به

۲۹۲. مصدق، نفت، کودتا، صفحه ۴۷.

۲۹۳. علی امینی وزیر دارایی، دکتر جهان‌شاه صالح وزیر بهداری، دکتر پورهمایون وزیر اقتصاد ملی، جمال اخوی وزیر دادگستری، احمدحسین عدل وزیر کشاورزی، ابوالقاسم پناهی وزیر کار، سرلشکر احمد وثوق معاون وزارت دفاع ملی (روز ۱۶ شهریور سرلشکر عبدالله هدایت به وزارت دفاع ملی منصوب شد)، عبدالحسین مفتاح معاون وزارت امورخارجه، علی‌اصغر حکمت، دکتر سجادی، امیرحسین ایلخان ظفر وزیر مشاور، حسام دولت‌آبادی معاون سیاسی نخست‌وزیر، عمیدی نوری معاون نخست‌وزیر و سرپرست تبلیغات، غلامرضا فولادوند معاون پارلمانی، موسی سرابندی معاون اداری.

صورت وسایل صنعتی و کشاورزی و شصت میلیون دلار کمک نظامی در اختیار دولت زاهدی گذارده شد. این کمک نظامی را «ژنرال مک کلور» رئیس هیأت مستشاران نظامی آمریکا که در تمام دوران مصدق هم در تهران بود، به اطلاع دولت ایران رسانید. کمک نظامی شامل اسلحه و مهمات بازمانده از جنگ کره و وسایل حمل و نقل ارتشی بود که در زمان مصدق هم به مقیاس کمتر به ایران داده می‌شد. کمک وسایل صنعتی و کشاورزی و کمک نظامی هر دو مدت ده‌ساله داشت و هر سال یک‌دهم آن به دولت ایران داده می‌شد و در همان سال ۱۳۳۲ یک‌دهم از این هر دو کمک در اختیار دولت ایران قرار گرفت. ۲۹۴

در راه حل مشکل نفت

با روی کار آمدن دولت زاهدی، دولت انگلستان برای تجدید اعتبار خود در خاورمیانه، حل مشکل نفت ایران را سرلوحه برنامه‌های خود قرار داد. در این زمینه، «هندرسن» سفیر آمریکا در تهران با «زاهدی» نخست‌وزیر و «امینی» وزیر دارایی از سوی دولت آمریکا در تماس بود. کارشناسان وزارت امور خارجه آمریکا اینک که زمان بهره‌گیری از ملی شدن نفت ایران فرارسیده بود، در مطالعه برای قرارداد مناسبی بودند و دولت آمریکا تصمیم داشت «هوور» کارشناس برجسته نفت را به ایران اعزام دارد. «هوور» و «هندرسن» می‌بایست علاوه بر نمایندگی از سوی آمریکا، به نمایندگی دولت انگلیس و شرکت سابق نفت نیز با ایران وارد گفتگو شوند.

«ایدن» وزیر خارجه انگلستان معتقد بود که باید گفتگوی مستقیم

انجام گیرد و برای گفتگوی مستقیم، باید مناسبات سیاسی تجدید شود. از این رو، در یک پیام شخصی و تلگرافی برای «نصرالله انتظام» رئیس هیأت نمایندگی سیاسی ایران در سازمان ملل، خواستار تجدید روابط سیاسی با ایران شد و به «وین جپ» نماینده انگلیس در سازمان ملل هم دستور داد درباره تجدید مناسبات سیاسی دو کشور با انتظام در تماس باشد و نیز به وسیله «جپ» به «دالس» وزیر امور خارجه آمریکا پیام داد که «هوور» با همکاری «هندرسن» این هدفها را در تهران دنبال کند:

۱. تجدید روابط سیاسی ایران و انگلیس.

۲. ارزیابی وضع ایران از دیدگاه مسأله نفت و گفتگو با شاه و

زاهدی.

۳. آگاهی از نظریه ایران درباره قرارداد احتمالی نفت و نیز یاد آور شد که پیش از رهسپاری «هوور» به تهران، نظریه انگلستان را درباره قرارداد نفت به آگاهی «دالس» برساند.

«هوور» مشاور نفتی رئیس جمهور آمریکا در هفتم آبان به تهران آمد و پس از یک هفته توقف و دیدار با زاهدی و امینی و عبدالله انتظام وزیر امور خارجه و اعضای کمیسیون نفت ۲۹۵ و آگاهی بر نظریات آنان، روز چهاردهم آبان به آمریکا بازگشت.

«ایدن» نامه‌ای هم توسط سفارت سوئیس در تهران برای زاهدی نوشت و به تجدید مناسبات سیاسی دو کشور اظهار تمایل کرد. «زاهدی» پس از دریافت نامه «ایدن»، جلسه تشریفاتی با شرکت پنجاه تن از رجال سالخورده و سناتورها و نمایندگان غیرمستعفی مجلس هفدهم در کاخ وزارت امور خارجه برپا داشت و با آنان به مشورت پرداخت و

پس از آنکه متفقاً تجدید رابطه را، البته، تأیید کردند، «زاهدی» به «ایدن» پاسخ مثبت داد و شب پانزدهم آذر در یک پیام رادیویی تجدید رابطه با انگلستان را اعلام داشت. ۲۹۶

«ایدن» در همان روز در پارلمان انگلیس برای برقراری روابط سیاسی با ایران اظهار امیدواری کرد و گفت با برقراری روابط سیاسی مسأله دشوار نفت را می‌توانیم مستقیم مورد گفتگو قرار دهیم. سرانجام با پادرمیانی دولت آمریکا و دولت سوئیس، روز ۱۴ آذر ۱۳۳۲ (۵ دسامبر ۱۹۵۳) بیانیه مشترک برقراری روابط سیاسی دو دولت در تهران و لندن انتشار یافت ۲۹۷ و پس از چند هفته «دنيس رایت» از دیپلماتهای وزارت خارجه انگلیس که درباره نفت و اقتصاد نیز صاحب نظر بود، با مقام کاردار وارد تهران شد (روز سی‌ام آذر) و پرچم انگلیس بر بالای سردر سفارت برافراشته گردید و پس از آنکه کارهای سفارت انگلیس به جریان افتاد، «راجر استیونس» سفیر انگلیس وارد تهران شد (۲۶ دی).

گفتگوی نفت همچنان دنبال می‌شد. در فروردین ۱۳۳۳، «هربرت هوور» بار دیگر با رهنمودهای تازه از سوی «آیزنهاور» وارد تهران شد و با «هندرسن» و «استیونس» و «دنيس رایت» به گفتگو و مشورت پرداخت. مبتکر پیشنهاد تشکیل «کنسرسیوم»، «هوور» بود.

کنسرسیومی که به نمایندگی شرکت ملی نفت ایران در منطقه قرارداد برای تولید و پالایش و فروش نفت فعالیت نماید. در این کنسرسیوم (گروه کمپانیها) سهم بزرگی برای شرکتهای نفتی آمریکایی پیش‌بینی شده بود، زیرا هدف آمریکا از ملی شدن نفت ایران همین بود و اگر هم آمریکا پادرمیانی نمی‌کرد و سهم مورد نظر خود را

به دست نمی آورد، کار نفت حل نمی شد. ۲۹۸

دولت انگلیس هم تأیید کرد که باید در این کنسرسیوم، سهمی به کمپانیهای بزرگ نفتی آمریکا داده شود.^{۲۹۹} و نیز بر آن تصمیم بود که در حدود نصف سهام کنسرسیوم، از آن شرکت سابق نفت انگلیس و ایران (بریتیش پترولیوم) باشد. «ایدن» با «سرویلیام فریزر» رئیس کمپانی نفت نیز مشورت کرد. نکته‌ای که انگلستان به آن توجه مخصوص داشت، این بود که شرکتهایی که در کنسرسیوم صاحب سهم می‌شوند، باید بابت غرامت، مبلغی به شرکت سابق بدهند. برای تقسیم سهام کنسرسیوم میان انگلیس و آمریکا، این گونه توافق شد:

۱. بریتیش پترولیوم (شرکت سابق) ۴۰٪ سهم (۴۰٪ درصد).

۲. پنج شرکت آمریکایی (استاندارد اویل نیوجرسی، سوکونی و اکیوم، استاندارد اویل، کالیفرنیا گالف اویل، تکزاس) هریک هشت سهم روی هم ۴۰٪ سهم (۴۰٪ درصد).

۳. رویال داچ شل (شرکت هلندی - انگلیسی) چهارده سهم (چهارده درصد).

۴. شرکت نفتی فرانسوی «فرانس دوپترول» شش سهم (شش درصد).^{۳۰۰} این نظر هم بود که هم منافع و حاکمیت ایران براساس قانون ملی شدن نفت محترم شمرده شود و هم کنسرسیوم اداره امور عملیات استخراج و پالایش و صدور و فروش نفت را در دست داشته

۲۹۸. نفت و کشورهای بزرگ جهان، نوشته «پیتر ر. اودل»، ترجمه امیرحسین جهان‌بگلو، صفحه ۳۲.

۲۹۹. مصدق، نفت، کودتا، صفحه ۴۹.

۳۰۰. مشعلهای خلیج فارس، نوشته الکسی واسیلیف، ترجمه سیروس ایزدی، صفحه ۲۲.

باشد و اموال و دارایی غیرمنقول شرکت ملی نفت را رایگان مورد استفاده قرار دهد و غرامات شرکت نفت وصول گردد.

در قرارداد، کمپانیهایی که به کنسرسیوم پیوستند، متعهد شدند در مدت ده سال مبلغ دویست میلیون لیره به شرکت سابق نفت بدهند. دولت ایران هم متعهد شد با چشم‌پوشی از تمامی ادعاهای گذشته خود، بابت غرامت بیست و پنج میلیون لیره در مدت ده سال به شرکت سابق (بریتیش پترولیوم) بدهد.

«هوور» براساس این مواد، گفتگوهای خود را با هیأت ایرانی (علی سهیلی سفیر ایران در لندن، نصرالله انتظام سفیر ایران در سازمان ملل، عبدالله انتظام وزیر امور خارجه، دکتر شادمان وزیر اقتصاد ملی، دکتر علی امینی وزیر دارایی، حاج محمد نمازی کارشناس اقتصادی) انجام داد. طرح «هوور» میان او و هیأت ایرانی و وزیر دارایی ایران چند هفته مورد گفتگو بود.^{۳۰۱}

با رفت و آمدها میان تهران و لندن و واشنگتن و لاهه و توافق در میزان سهام و شرایط دیگر، هیأتی به نمایندگی شرکتهای تشکیل‌دهنده کنسرسیوم به ریاست «رونالد هاردمن» (رئیس شرکت استاندارد اویل نیوجرسی) روانه تهران گردید و با هیأت ایرانی به ریاست «علی امینی» به گفتگو پرداخت و پس از نزدیک شدن نقطه نظرها، به آمریکا بازگشت. سپس هیأت‌های دیگر به ریاست «هوارد پیج» (از سوی کمپانیهای آمریکایی) و «اسنو» (از سوی بریتانیا) و «لودون» (از هلند) در خردادماه ۱۳۳۳ وارد تهران شدند و در هتل دربند اقامت گزیدند. ریاست مجموع این سه هیأت را «پیج» برعهده گرفت. این هیأت از

۳۰۱. مرتضی‌قلی بیات (سهام‌السلطان) رئیس شرکت ملی نفت و فرآد روحانی کارشناس شرکت ملی نفت نیز از اعضای هیأت ایرانی بودند.

آبادان و تأسیسات نفتی دیدن کرد و برای به کار انداختن پالایشگاه و دیگر تأسیسات که از سه سال پیش متوقف شده بود، چاره‌اندیشی نمود. این هیأت پس از رایزنی با «هوور» که در سفارت آمریکا به سر می‌برد و منتظر پایان کار نفت بود، با هیأت ایرانی به ریاست دکتر علی امینی وارد گفتگو شد. دو طرف اصلی گفتگو، «امینی» و «پیج» بودند.

گفتگوها از آغازین روزهای تیرماه عصرها در باغ «الهیّه»، اقامتگاه تابستانی دکتر امینی دنبال می‌شد و «پیج» نقش تعیین کننده را داشت. امینی خود در اقتصاد صاحب نظر بود و آن جرأت را هم داشت که این مسؤلیت بزرگ را برعهده بگیرد. تا نیمه دوم امرداد، گفتگوها هنوز قطعی نشده بود. شاه که برای انجام یافتن این کار شتاب داشت، در یکی از روزهای پایانی امرداد، «امینی» و «پیج» را به کاخ «سعدآباد» فراخواند و گفت اگر تا یک هفته دیگر گفتگوها به نتیجه قطعی نرسد، دستور قطع گفتگو را خواهد داد. ۳۰۲

از این پس، گفتگوها شتاب بیشتر گرفت. بخشی از کندی کار روی اختلاف در متن فارسی و ترجمه انگلیسی قرارداد بود و گرنه ایران شرایط پیشنهادشده را پذیرفته بود، ولی مترجمان ایرانی با مترجمان انگلیسی (که چند استاد دانشگاه لندن هم در میان آنان بود) روی ترجمه برخی از واژه‌های فنی که در زبان فارسی همانند نداشت، اختلاف نظر داشتند. پس از رفع این اختلافها، قرارداد بیست و پنج ساله با ترجمه‌های فارسی آن از سوی هیأت پیج، با هواپیما به لندن و نیویورک و لاهه و پاریس برده شد و به امضای رؤسای شرکتهای عضو کنسرسیوم رسید و به ایران بازگردانده شد و نخستین گروه ۱۲ نفری کارشناسان نفت به

ریاست «براوثر» به تهران آمدند.

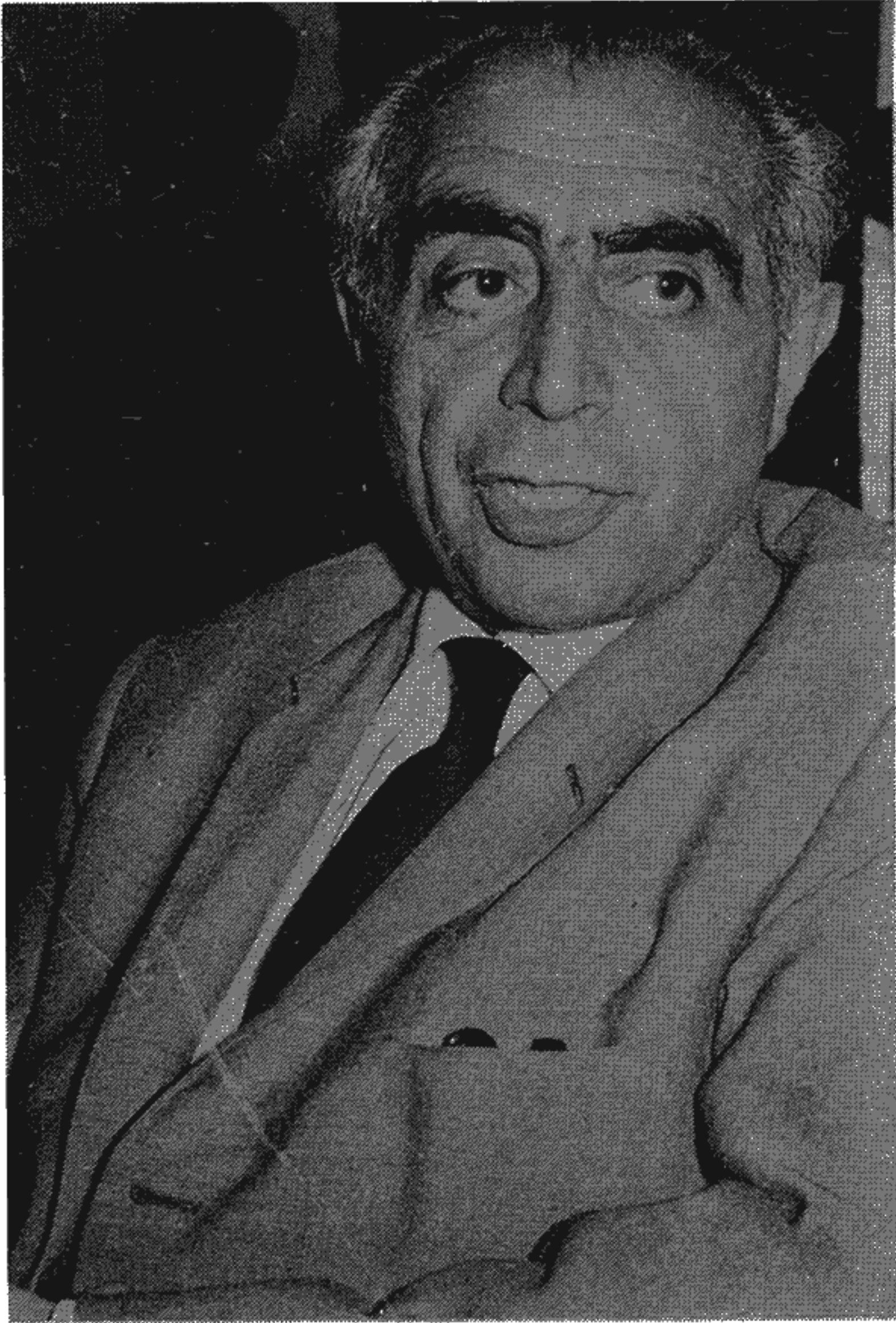
قرارداد کنسرسیوم شب ۲۶ شهریور در باغ الهیه با حضور «هندرسن» به امضای «امینی» و سهام‌السلطان بیات (رئیس شرکت ملی نفت) و «هوارد پیج» رسید و فردای آن روز، در جلسه هیأت وزیران که با حضور زاهدی و شاه در کاخ سعدآباد برپا شد، مورد تأیید قرار گرفت و روز ۲۸ شهریور قرارداد تقدیم مجلس شورا و روز ۲۹ شهریور تقدیم مجلس سنا شد. نخست‌وزیر انگلیس و رئیس‌جمهور آمریکا به «شاه» و «زاهدی» تلگراف تبریک مخابره کردند. ۳۰۳

زاهدی در مجلس شورا گفت: امتیازی به کسی داده نشده و عهدنامه‌ای امضاء نشده و ایران سرپرست صنعت عظیم نفت خود می‌باشد. ۳۰۴ در حالی که کنسرسیوم، سرپرست واقعی نفت شده بود. امینی در حالی که کتاب جلدشده قرارداد را «با جلد آبی» در دست داشت، پشت تریبون مجلس رفت و در سخنرانی یک ساعته خود گفت: این قرارداد برای ملت ایران ایده آل نیست، ولی با اوضاع حاضر، این قرارداد بهترین قراردادی است که می‌تواند منعقد شود. ۳۰۵ به موجب این قرارداد، کلیه عملیات صنعتی در اختیار کنسرسیوم درآمد و شرکت ملی نفت ایران، اداره عملیات غیرصنعتی (کارهای ساختمانی، گاز، برق، آبرسانی و امور استخدای) را در منطقه عملیات کنسرسیوم برعهده می‌گرفت و نیز می‌توانست در خارج از منطقه عملیات کنسرسیوم مستقلاً عملیات نفتی را ادامه دهد. اموال و دارایی شرکت سابق در برابر پرداخت

۳۰۳. روزنامه اطلاعات، ۲۹ شهریورماه ۱۳۳۳.

۳۰۴. صورت جلسه مجلس شورای ملی، ۲۹ شهریورماه ۱۳۳۳.

۳۰۵. صورت جلسه مجلس شورای ملی، ۲۹ شهریورماه ۱۳۳۳.



دکتر علی امینی



هوارد پیج

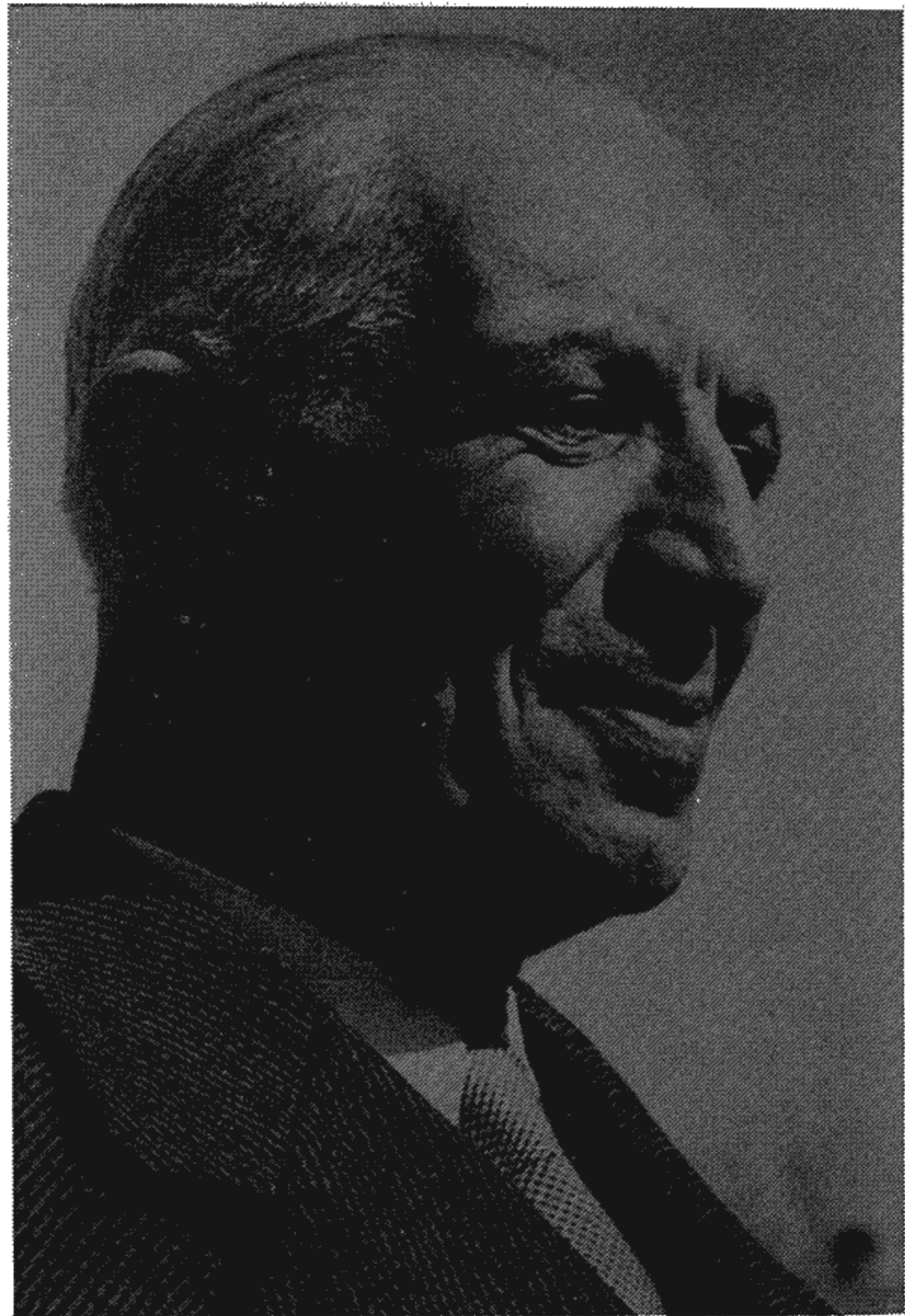
www.adabestane-kave.com

بیست و پنج میلیون لیره به ملکیت ایران شناخته شد^{۳۰۶} و کنسرسیونم در طول مدت قرارداد، حق استفاده رایگان از تمام آن اموال و تأسیسات را داشت. در ماده ۲۱ قرارداد مقرر شده بود، میزان استخراج نفت هر سال افزایش یابد.

در ماده ۲۲ تعهد شده بود «شرکت بازرگانی» عامل کنسرسیونم، دوازده و نیم درصد از بهای اعلان شده نفت خام را که از ایران صادر می‌کند، به شرکت ملی نفت ایران بپردازد و نیز در مورد گاز، پرداخت پنج درصد بهای اعلان شده در برابر هر هزار تن مکعب گاز که صادر می‌گردید، تعهد شده بود. این هر دو پرداخت، هر سه ماه یکبار بایست انجام می‌شد و مالیات بر درآمد هم برای شرکتها برپایه پنجاه درصد از سود ویژه پیش‌بینی شده و مدت قرارداد ۲۵ سال بود. بدیهی است قرارداد کنسرسیونم یک قرارداد تحمیلی بود، ولی باید بپذیریم که در آن اوضاع و احوال و با دخالت آشکار آمریکا و انگلیس، هر دولتی در ایران زمامدار امور بود، اگر می‌خواست مشکل نفت را حل کند، جز پذیرفتن قراردادی از این گونه چاره‌ای نداشت. به خصوص که نمایندگان مجلس شورا و مجلس سنا، کوچکترین ایرادی بر قرارداد نگرفتند و بدون چون و چرا آن را تصویب کردند.

دکتر مصدق در یک لایحه طولانی که در بازداشتگاه خود نوشت و برای دربار و دیوان عالی کشور فرستاد، به تصویب قرارداد نفت اعتراض کرد و آن را سند اسارت ۲۵ ساله برای ایران دانست.

با اجراء قرارداد کنسرسیونم، ملی شدن نفت به آن مفهوم که «دکتر مصدق» می‌پنداشت، عقیم ماند. ولی هدف ملی شدن نفت از حیث



سهام السلطان (مرتضی قلی بیات)

۳۰۶. دویست میلیون لیره هم اعضای کنسرسیونم بابت جبران خسارات به اقساط دساله به شرکت سابق نفت پرداختند.

افزایش درآمد بعد از دکتر مصدق به ثمر رسید و درآمد نفتی ایران سال به سال افزایش یافت، ولی «شاه» برای برنامه‌های بلندپروازانه و ایفای نقش قدرت در منطقه، درآمد بیشتری را می‌خواست. در حالی که مدیریت قوی و پرسنل فنی و نظامی لایق را فاقد بود. از سال ۱۳۴۴، دولت ایران از کنسرسیوم خواست تولید و صادرات نفت را هفده درصد افزایش دهد، ولی کنسرسیوم نمی‌پذیرفت و ایران همچنان این تقاضا را پی‌گیری می‌کرد. در آبان‌ماه ۱۳۴۵، تقاضای ایران در مذاکرات لندن میان نمایندگان کنسرسیوم و ایران مطرح شد. در آخر آبان، نمایندگان کنسرسیوم (هوارد پیج، دیوید استیل، جرج پارک هرت، واردر) به تهران آمدند. با «شاه» و «هویدا» و «دکتر اقبال» مدیرعامل شرکت ملی نفت و دکتر رضا فلاح و مهندس نفیسی اعضای هیأت مدیره شرکت ملی نفت گفتگو کردند. «شاه» می‌گفت: بازارهای نفتی جهان، این هفده درصد اضافه تولید نفت را جذب می‌کنند. ۳۰۷ سرانجام کنسرسیوم موافقت کرد و درآمد نفتی ایران، همچنان رو به افزایش بود، چنانکه در سال ۱۳۵۰ به سیزده میلیارد و هفتصد هزار دلار رسید^{۳۰۸} و سال ۱۳۵۱ بر اثر جنگ اعراب و اسرائیل و کاهش صادرات نفتی کشورهای نفت خیز عربی و افزایش بهای نفت، درآمد ایران باز هم بیشتر شد، ولی بخش مهمی از پول نفت بابت خرید اسلحه و مواد و کالاهای مصرفی و غیر ضروری وارد از آمریکا، به آمریکا بازمی‌گشت و بخش دیگر هم بابت حقوق و مزایای چند هزار مستشار نظامی آمریکایی که بر تمام سازمانهای ارتش نظارت داشتند، و نیز چند هزار مستشار غیرنظامی پرداخت می‌شد. ۳۰۹ سالها ایران با دادن میلیاردها دلار، بزرگترین خریدار جنگ‌افزارهای غیرلازم آمریکایی بود و از انگلستان هم هزارها تانک «چیفتن» که موتور آن نیز ساخت آمریکا بود، خریداری می‌کرد.

ایران بجز این هزینه‌های سنگین و غیرلازم، به‌عنوان وام یا کمک یا شرکت در صنایع یا خرید سهام، میلیاردها دلار در اختیار انگلیس، فرانسه، مصر، هند، ترکیه، کروپ آلمان، پان امریکن و... می‌گذاشت. سرانجام قرارداد کنسرسیوم در نهم امرداد سال ۱۳۵۲ با موافقت و صلاحدید اعضای کنسرسیوم فسخ شد، ولی بجای آن قرارداد فروش نفت با همان اعضای کنسرسیوم به نسبت سهامی که داشتند، امضا گردید. هزینه نگهداری تأسیسات نفتی هم برعهده شرکت ملی نفت افتاد و همان کارشناسان خارجی کنسرسیوم تا پایان ۱۳۵۷ همچنان اداره‌کنندگان تأسیسات صنعتی بودند و شرکت ملی نفت ایران هم در آن سالها تنها مقداری محدود از نفت صادراتی خارج از حوزه عملیات کنسرسیوم را مستقیماً به برخی از کشورهای خریدار نفت می‌فروخت.

کوتاه سخن، چنانکه در این بررسی دیدیم، برنامه ملی شدن نفت با

۳۰۷. روزنامه اطلاعات، دوم آذر ۱۳۴۵.

۳۰۸. نفت، سیاست و کودتا، نوشته «لئونارد ماسلی»، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، صفحه ۴۶.

۳۰۹. «ژنرال هایزر» شمار آمریکاییان مقیم ایران را در اوایل اکتبر ۱۹۷۸، پنجاه و هشت هزار نفر نوشته است (خاطرات «هایزر»، ترجمه محمدحسین عادل، صفحه ۵۴) و هندرسن شمار مستشاران آمریکایی را در ایران در زمان دکتر مصدق، سه هزار نفر رقم زده است. (مصدق، نفت، کودتا، صفحه ۱۱۵) ولی به نظر می‌رسد رقم «سه هزار» اشتباه باشد، زیرا در زمان زمامداری دکتر مصدق شمار مستشاران آمریکایی کمتر از این رقم بوده است. در زمان شاه بود که شمار مستشاران نظامی آمریکایی در ارتش ایران به چند هزار نفر رسیده و چند هزار نفر از مستشاران غیرنظامی آمریکایی نیز در ایران حضور داشتند. «ژنرال گاست» فرمانده مستشاران نظامی آمریکا، تمام ژنرالهای ایران را زیرنفوذ داشت. «ژنرال جورج کرتز» نماینده نیروی هوایی و «دریادار فرانک کالینز» نماینده نیروی دریایی آمریکا در مستشاران نظامی بودند.

ایجاد یک فضای تبلیغاتی و یک محیط ارباب و تحریک احساسات مردم به اجراء درآمد. آمریکا به عنوان حمایت از دموکراسی و آزادی ملتها از چنگال استعمار، از سالهای پس از جنگ دوم جهانی، در جهان سوم تبلیغات فریبنده شدید راه انداخته بود، ولی در همه جا با این نقاب فریبنده می خواست سلطه خود را تحمیل و منافع اقتصادی، سیاسی، نظامی، خود را تأمین کند.

«شاه» و «مصدق» و بسیاری دیگر از دولت مردان ایرانی این ادعای آمریکا را باور داشتند. برپایه این باور غلط، همین که نفت ملی شد، «مصدق»، قهرمان این مبارزه سیاسی، از آمریکا امید یاری داشت، به آمریکا رفت. با دیپلماتهای آمریکایی خوش باورانه گفتگو و اعلام خطر نمود و کمک خواست، ولی نمی دانست که آمریکا نمی تواند و نمی خواهد بدون موافقت انگلیس به دلخواه دکتر مصدق نفت ایران را بخرد یا به ایران کمکهای مالی و رایگان بدهد و نیز نخواهد گذاشت که چاههای نفت ایران برای همیشه بسته شود و ایران برپایه آخرین «تر» دکتر مصدق، اقتصاد بدون نفت را پیش گیرد. «دکتر مصدق» با سرسختی هر پیشنهاد و حتی پیشنهادهای منطبق با قانون ملی شدن نفت را رد کرد، زیرا عمل بهره برداری از نفت را منحصرأ حق دولت ایران می دانست و نمی خواست این حق را به شرکتهای نفتی خارجی بدهد. ۳۱ در حالی که دولت ایران خود هیچ گونه امکانات برای بهره برداری مستقیم از صنعت نفت را نداشت و این نکته را خود دکتر مصدق در همان سال ۱۳۳۰ متوجه شد، ولی همان سیاست منفی را سرسختانه ادامه داد.

«دکتر مصدق» پس از روی کار آمدن «آیزنهاور» در آمریکا، با اخطار به اینکه ایران ممکن است در کام کمونیزم بیفتد، از او کمک مالی خواست. ولی «آیزنهاور» این تقاضا را نپذیرفت ۳۱۱ و برای به راه افتادن نفت ایران و سهم شدن در آن و جلوگیری از خطر احتمالی کمونیزم چنانکه دیدیم، «دالس» و «ایدن» وزیران خارجه آمریکا و انگلیس، پس از چند ماه گفتگو به توافق رسیدند و با استفاده از آشفستگیها و نارضایتیها و فشار اقتصادی در ایران، طرح کودتای ۲۸ امرداد را به اجراء در آوردند. ۳۱۲

کنسرسیوم تشکیل شد. ایران از تمامی مطالبات خود چشم پوشید و بیست و پنج میلیون لیره هم غرامت داد. آمریکا چهل درصد نفت ایران را به دست آورد. نفوذ سیاسی و نظامی و اقتصادی آمریکا بر ایران سایه افکند و ایران به پیمان پرخرج و بی ثمر تدافعی خاورمیانه پیوست.

شاه و سران دولت و حکومت هم شیفته این ابرقدرت و در بسیاری از مسائل اجراء کننده سیاست او شدند و برقراری نفوذ و قدرت آمریکا در ایران در همان سالها شکل گرفت. در حالی که پس از جنگ دوم جهانی، دولت انگلیس جز بهره برداری از نفت آن هم بر طبق قرارداد ۱۹۳۳ هیچ گونه نظر خاصی در ایران نداشت. این نکته ای است که دکتر مصدق هم پس از ملی شدن نفت به آن اعتراف کرد و گفت: اگر شرکت سابق نفت در دوره پانزدهم، پنجاه درصدی که الان حاضر است به ایران بدهد، قبول کرده بود، من یقین دارم که هیچ اختلافی بین ملت

۳۱۱. میراث خوار استعمار، نوشته و تحقیق مهدی بهار، صفحه ۶۴۴. پنجاه سال نفت ایران، صفحه ۶۵۶-۶۵۹.

۳۱۲. خاورمیانه، نفت و قدرتهای بزرگ، نوشته بنجامین شوادران، ترجمه عبدالحسین شریفیان، صفحات ۱۱۶ تا ۱۲۳.

ایران و شرکت نفت نبود. ۳۱۳ با این اعتراف صریح دکتر مصدق که اختلاف ایران و شرکت نفت فقط در امور مالی بود، باید این واقعیت تلخ را پذیرفت که فریادهای رهبران جبهه ملی و روزنامه‌های وابسته به جبهه ملی پیرامون مداخله همه‌جانبه شرکت نفت در امور ایران، دست کم پس از پایان جنگ دوم جهانی واقعیت نداشته و بلکه یک برنامه تبلیغاتی تنظیم شده برای پیاده کردن طرح ملی شدن نفت بوده است.

وگرنه چرا اعضای جبهه ملی که در مجلس ۱۴ و ۱۵ شرکت داشتند، حتی یک کلمه درباره فجایع شرکت نفت سخن نگفتند و نیز سخنی از لغو قرارداد ۱۹۳۳ بر زبان نیاوردند؟ و چرا دکتر مصدق در مجلس چهاردهم از امضای طرح لغو قرارداد ۱۹۳۳ خودداری کرد و چرا سخنی از جنایات شرکت نفت و امکان ملی شدن نفت نگفت و بلکه تأکید کرد که امتیاز ۱۹۳۳ (۱۳۱۲) نفت یک امتیاز قانونی است و نمی‌توان آن را لغو کرد^{۳۱۴} و چرا در نامه‌ای هم که به مجلس پانزدهم نوشت، به لایحه الحاقی «گس - گلشائیان» و قرارداد ۱۹۳۳ اعتراض نکرد، بلکه پیشنهادی درباره پرداخت حق امتیاز به صورت لیره طلا یا لیره کاغذی عرضه نمود و خواست این توضیح در لایحه الحاقی گنجانده شود.^{۳۱۵}

اگر دکتر مصدق برپایه طرح «نمازی» عمل می‌کرد، یا طرح

۳۱۳. چهره حقیقی مصدق السلطنه، نوشته حسن آیت، صفحه ۶۵. بیست و پنج سال حاکمیت آمریکا، نوشته جواد منصوری، صفحه ۲۶.

سخنان مصدق در جلسه ۲۰ آذر ۱۳۳۰ مجلس شورای ملی. ده گزارش از دکتر مصدق، صفحه ۹۷.

۳۱۴. صورت جلسه ۲۰ آذرماه ۱۳۲۳ مجلس شورای ملی.

۳۱۵. صورت جلسه ۲ مردادماه ۱۳۲۸ مجلس شورای ملی.

«استوکس» را که برپایه اصل ملی شدن و خلع ید شرکت سابق نفت و تأسیس یک شرکت عامل برای استخراج و توزیع نفت زیر نظر شرکت ملی نفت ایران و افزایش هرچه بیشتر استخراج و درآمد تنظیم شده بود و یا طرح توصیه شده دیوان لاهه را در تیرماه ۱۳۳۰ یا پیشنهاد نماینده انگلیس در شورای امنیت را در مهرماه ۱۳۳۰ که با قبول اصل ملی شدن نفت، درآمد و شرایط مناسبی برای ایران داشت، می‌پذیرفت و سرانجام اگر پیشنهاد بانک بین‌المللی را پس از سفر به آمریکا و آمدن «گارنر» و «کلارک» نمایندگان بانک به تهران برای راه‌اندازی موقت صنعت نفت ایران با سرمایه آن بانک، با قبول اصل ملی شدن نفت می‌پذیرفت، نه بیش از سه سال صنعت نفت ایران تعطیل می‌شد و نه سالی یکصد و بیست میلیون تومان بودجه شرکت نفت به اقتصاد ورشکسته ایران تحمیل می‌گردید، نه خسارات سنگین راه‌اندازی پالایشگاه و تأسیسات نفتی آبادان بر دوش ایران می‌افتاد، نه پای یک ابرقدرت بزرگ در ایران باز می‌شد که بر این کشور سلطه جوید و ایران را به حلقه پیمان نظامی پرخرج و بی‌ثمر «سنتو»^{۳۱۶} بکشاند (۱۳۴۴). پیمانی که بحران روابط سیاسی ایران و شوروی و اعتراض شدید آن کشور و لغو برنامه مسافرت

۳۱۶. در اسفندماه ۱۳۳۳، به توصیه آمریکا و برای مقاصد نظامی او، پیمان همکاری و دفاع مشترک میان «نوری سعید» و «برهان‌الدین» نخست‌وزیر و وزیر خارجه عراق با «عدنان مندرس» و «فواد کوپرلو» نخست‌وزیر و وزیر خارجه ترکیه در بغداد امضاء شد. در اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۴، دولت انگلیس و در شهریور همان سال دولت پاکستان و در مهرماه دولت ایران به پیمان بغداد پیوستند و الحاق ایران به پیمان بغداد روز ۱۹ مهرماه از تصویب مجلس شورا و روز هفتم آبان از تصویب مجلس سنا گذشت. دولت عراق پس از انقلاب تیرماه ۱۳۳۷ از پیمان خارج شد و مرکز پیمان از بغداد به آنکارا منتقل و نام «پیمان بغداد» به «پیمان سنتو» تبدیل گردید و آمریکا با هر یک از سه کشور ترکیه، ایران و پاکستان، جداگانه پیمان دفاع مشترک امضاء کرد.

«واراشیلوف» صدرهیأت‌رئیسه اتحاد جماهیر شوروی به ایران را در پی داشت. و...

آری اگر ملی شدن نفت به آن گونه که مطرح و اجراء شد، پیش نمی‌آمد، راه سلطه‌جویی آمریکا در ایران باز نمی‌شد و سیاست آمریکا سالها بر ایران سایه نمی‌افکند.

بی‌تردید «دکتر مصدق» در اجرای ملی‌شدن نفت، قصد خدمت داشت و این حرکت او در هر صورت یک حرکت ضداستعماری بود. «دکتر مصدق» برای موفقیت در این راه، از رقابت اقتصادی آمریکا با انگلیس و از پشتیبانی آمریکا و دیپلماتهای آمریکایی استفاده کرد. اما پس از تحقق آرمان ملی‌شدن نفت، اتکاء و اعتماد بی‌جا به دولت‌مردان آمریکا، اشتباه در تشخیص راه‌حلهای درست، سیاست منفی و انعطاف‌ناپذیری، بی‌توجهی به نارضایتهای داخلی، درگیری همه‌جانبه با دربار و مجلس شورا و مجلس سنا و ارتش، بی‌اعتنایی به تشکل مخالفان، از دست دادن حمایت «آیت‌اله کاشانی»، بحران شدید اقتصادی و مهم‌تر از همه، غفلت از سازش آمریکا و انگلیس (پس از آغاز زمامداری «ژنرال آیزنهاور» درباره نفت ایران) کار ملی‌شدن نفت را به کودتای ۲۸ مرداد کشانید و این کودتا، گسترش روزافزون سلطه و نفوذ همه‌جانبه ابرقدرت آمریکا را در کشور ما در پی داشت، تا آن جا که شاه و نخست‌وزیران و دولت‌مردان و ژنرالهای ارتش، اگر نه همه، بیشترشان در مدتی بیش از بیست سال وابسته و بلکه مجری سیاستهای آمریکا در ایران و در منطقه بودند. جای شگفتی نبود که برخی از رجال صاحب‌نظر و آگاه، در همان سالهای ۱۳۲۹ - ۱۳۳۰ از پی آمدهای ملی‌شدن نفت نگران بودند و ملی‌شدن نفت را یک اشتباه بزرگ می‌دانستند.

من بیش از یک‌سال به مطالعه تاریخ امتیاز نفت و چگونگی «ملی

شدن نفت» پرداختم و خود نیز شاهد بسیاری از صحنه‌های این حرکت بوده‌ام و نیز از بیست سال پیش، شماری از اسناد این رویداد را در چند آرشیو رسمی و شخصی مطالعه نموده و از کتابها و مطبوعات داخلی و خارجی یادداشت برداشتم و آنچه در این کتاب نوشته‌ام برپایه مطالعاتی می‌باشد که بر مستندات معتبر داخلی و خارجی استوار است و حقایقی است درباره حرکت ملی‌شدن نفت. اگرچه ممکن است این حقایق به گوش کسانی گران آید. اما من در مطالعات خود به این برداشت رسیده‌ام، ولی هرگز بر آن نیستم که نظریه و برداشت خود را در این باره بر دیگران بقبولانم. داوری نهایی با خواننده صاحب‌نظر است که خود پس از مطالعه کتاب با واقع‌نگری قضاوت کند که: ملی‌شدن نفت، در مجموع برای ایران سودمند بود یا زیانبار؟

آبان ماه ۱۳۶۸ - ابراهیم صفائی ۳۱۷

www.adabestanekave.com

۳۱۷. دوست دارم این کتاب را به یاد دو نوجوان ناکام «مهرزاد» و «بهزاد» و دختر خردسال پرپر شده «بهروز» (که در سالهای ۱۳۵۴، ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ قربانی بی‌نظمی و بی‌رحمی این اجتماع شدند و تا انجام زندگی داغدارشان می‌باشم) پایان دهم.

نمایه

آ

آرشیو اداره کل تبلیغات سابق ۱۴۱

آرشیو وزارت دارایی سابق ۱۸

آرشیو شرکت نفت سابق ۳۵، ۳۸، ۴۰، ۴۴، ۱۹۴

آرشیو وزارت امور خارجه ۵۳

آرشیو وزارت فرهنگ و هنر سابق ۲۶۵، ۲۶۹

آرشیو ۱۳۲۹ اداره انتشارات و

تبلیغات سابق ۱۴۰

آرلینگتن ۲۰۲

آزاد، عبدالقدیر ۷۶، ۹۹، ۱۲۷، ۱۳۹، ۱۵۴

آزموده، تیمسار ۲۸۲، ۲۸۳

آستارا، رود ۲۴۰

آسوشیتدپرس ۱۰۸

آشور ۸

آقایی، حاج محمود آقا ۱۳۹

آگاهی، اداره ۲۵۷

آلب، پایگاه‌های ۲۷۰

آبادان ۱۶، ۱۸، ۲۰، ۱۶۱، ۱۶۵،

۱۶۶، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۹۳، ۱۹۷،

۲۹۰، ۳۰۱

آبادان، پالایشگاه ۱۸، ۳۳، ۱۳۰،

۱۵۹، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۷،

۱۷۸، ۱۹۳، ۱۹۷، ۲۳۶، ۲۵۲،

۲۹۰، ۳۰۱

آبادان، تأسیسات نفتی ۲۰

آب‌های ایران ۲۴۱

آتش، روزنامه ۲۱۶

آجیب ۲۵۲

آچسن ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۳۷

آذر، دکتر مهدی ۲۲۹

آذربایجان ۱۰، ۵۵، ۵۶، ۵۸، ۶۰،

۶۱، ۶۶، ۶۸، ۶۹، ۷۱، ۱۷۴

آذربایجان غربی ۵۸

آراسته، ناصر ۳۰

آرام، روزنامه ۶۵

آرامکو ۱۳۲

www.adabestanekave.com

- آلمان ۲۳۲، ۲۳۴، ۲۹۷
 آلمان شرقی ۱۰۹
 آلن، جرج ۶۱
 آمریکا (در اغلب صفحات)
 آمریکا، اداره خاورمیانه وزارت
 خارجه ۱۴۲، ۱۸۲
 آمریکا، دولت ۷۰، ۲۰۶، ۲۱۸،
 ۲۳۶، ۲۸۳، ۲۸۷
 آمریکا، نیروی دریایی ۲۹۷
 آمریکا، وزارت خارجه ۱۴۱، ۱۴۵،
 ۱۸۲، ۲۰۰، ۲۴۹، ۲۶۹، ۲۷۱
 آمریکا در تهران، سفارت ۱۱۱،
 ۱۴۱، ۲۹۰
 «آمریکایی به خانه‌ات برگرد»، شعار
 ۲۱۸
 آموزگار، حبیب‌الله ۲۵۸
 آنکارا ۷۴، ۳۰۱
 آیت، حسن ۳۰۰
 آیزنهاور ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۶۴، ۲۷۱،
 ۲۸۳، ۲۸۷، ۲۹۹، ۳۰۲
 آیزنهاور، خیابان ۲۳۸
- اتابک، میرزا علی اصغر خان ۱۰، ۱۱،
 ۱۳، ۱۵
 اترک، رود ۲۴۰
 احمدآباد ۱۱۸، ۲۸۲
 اخوی، جمال ۲۸۴
 اخوی، سرتیپ ۲۷۸، ۲۷۹
 اخوی، علی اکبر ۲۳۰
 اداره کل انتشارات و تبلیغات ۲۰۴
 اداره کل انتشارات و تبلیغات،
 گزارش - آرشیو سال ۱۳۲۹ ۱۴۲
 اداره کل انتشارات و تبلیغات،
 گزارش محرمانه ۱۴۰
 اداره کل انتشارات و تبلیغات،
 گزارش محرمانه بیست و هشتم
 اسفندماه ۱۳۲۹ ۱۴۱
 اداره کل نفت ۱۶۳
 اداره مرکزی شرکت نفت انگلیس و
 ایران در لندن ۲۲، ۲۷، ۲۸
 اداره نفت وزارت دارایی ۸۴
 ادهم، دکتر حسن ۱۵۳
 اراده آذربایجان، روزنامه ۱۵۸،
 ۱۷۸
 اراده ملی، حزب ۷۲
 اراک ۶۱، ۶۲، ۶۴، ۶۵، ۲۱۷
 اراک، خان های ۶۲
 ارتش، دادرسی ۲۳۱
 اردلان ۱۵۸، ۱۶۱، ۱۹۸
 اردلان، ناصرقلی ۱۵۴
 ارسنجانی، حسن ۲۲۷

الف

- ابتهاج، ابولحسن ۴۸، ۷۶
 ابراهیم فرج ۲۰۸
 ابووارده (بوارده) ۱۶
 ایض، کاخ ۱۰۹
 اییم، شرکت ۲۲۳، ۲۵۲

- ارفع، سرلشکر حسن ۲۶۵، ۲۶۶،
 ۲۷۸
 اروپا ۴۷، ۹۰، ۱۰۸، ۲۰۴
 از شهریور ماه ۱۳۲۰ تا فاجعه
 آذربایجان، کتاب ۵۵
 استاکیل ۱۶۷
 استالین ۵۶
 استانبول ۱۴۱، ۱۹۸
 استاندارد اوپل آمریکایی، کمپانی
 ۷۱، ۲۸۸
 استاندارد اوپل نیوجرسی ۷۱،
 ۲۸۸، ۲۸۹
 استاندارد واکیوم، شرکت ۴۸، ۴۹
 استان و شهرستان، انجمن های ۱۰۹
 استرآباد ۱۰
 استوکس ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۱،
 ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۳۰۱
 استوکس، هیات ۱۸۷
 استیل، دیوید ۲۹۶
 استیونس، راجر ۲۸۷
 اسدی، محسن ۱۹۸
 اسرارخانه سدان، کتاب ۱۷۲
 اسرار کودتای ۲۸ امرداد، کتاب
 ۲۷۲
 اسکاتلند ۸، ۲۱۰
 اسکراین، سرکلارمونت ۵۸
 اسلامی ۱۲۷
 اسلو ۱۹۴
 اسمیت، آرمیتاز ۱۹
- اسنادخانه سدان، کتاب ۱۰۲
 اسناد دوران پهلوی، کتاب ۲۲، ۲۶،
 ۲۷، ۲۸، ۳۰، ۳۳
 اسناد نفت، کتاب ۱۵۷، ۱۷۳،
 ۱۷۴، ۱۸۱
 اسناد و آمار، مرکز ۲۲، ۲۶
 اسنو ۲۸۹
 اشرف، شاهدخت ۲۳۰، ۲۶۵،
 ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱
 اشرفی، سرهنگ ۲۷۸
 اصفهان ۳۸، ۲۱۷، ۲۵۸، ۲۸۳
 اصلاحات ارضی ۷۲
 اصل چهار، ساختمان ۲۴۷
 اصل چهار ترومن ۲۰۶، ۲۰۷
 اصل چهار ترومن، قرارداد ۲۰۶
 اصل چهار ترومن، کمک های ۲۰۷
 اصل چهار ترومن، هیات ۲۰۶،
 ۲۰۷
 اطلاعات، روزنامه ۴۹، ۱۱۶، ۱۳۹،
 ۱۴۵، ۱۵۰، ۱۷۱، ۱۹۸، ۲۱۷
 ۲۱۸، ۲۳۲، ۲۳۴، ۲۳۸، ۲۵۸،
 ۲۶۱، ۲۸۷، ۲۹۱، ۲۹۷
 اطلاعات شرکت سابق نفت، اداره
 ۱۶۵، ۱۷۱
 اعتضادی، ملکه ۲۴۷
 اعتمادی، ناصر ۲۴۷
 اعراب و اسرائیل، جنگ ۲۹۶
 اعلامیه های کاشانی ۲۷۶
 افران، باشگاه ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۸۴

افسران حزب توده، سازمان ۲۶۳
 افشار، امیر ۱۵۸، ۲۱۶
 افشار طوس، تیمسار ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۷
 افغانستان ۲۰۹
 اقبال، علی ۲۲۹
 اقبال، منوچهر ۲۲۷، ۲۹۶
 «اقتصاد بدون نفت» سیاست ۲۶۵، ۲۵۳، ۲۷۰، ۲۹۸
 اقتصادی و اجتماعی ملل متحد
 شوروی ۷۳
 الازهر، دانشگاه ۲۰۸
 الجزیره، روزنامه ۲۱۷
 الحاقی، قرارداد ۹۲، ۹۳، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۹، ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۵۲، ۱۵۳، ۳۰۰
 الهیة، باغ ۲۹۰، ۲۹۱
 الینکتن ۱۶۲
 امام حسین، میدان ۲۱۸
 امام زاده قاسم ۲۲۹
 امامی، جمال ۱۰۳، ۱۱۵، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۵۵، ۱۶۸، ۱۸۲
 ۲۱۰، ۲۱۱
 امامی، دکتر سیدحسن ۲۱۶، ۲۲۳، ۲۲۴
 امامی اهری ۲۶۰
 امتیازات در وزارت دارایی، اداره ۱۱۳، ۱۱۵

انتظام، دفتر یادداشت‌های نصرالله ۲۰۲، ۲۱۲
 انجمن تاریخ، نشریه ۴۶
 انزلی، بندر ۲۴۱، ۲۴۲
 انصاری، سرلشکر ۱۱۲
 انصاری (مشاور الممالک)، علیقلی خان ۲۴۱
 انگلیس (انگلستان) در اغلب صفحات
 انگلیس، استعمار ۲۰۴
 انگلیس، بحریه ۳۳، ۸۶
 انگلیس، پارلمان ۲۸۷
 انگلیس، پرچم ۲۳۸، ۲۸۷
 انگلیس، خزانه‌داری ۱۹
 انگلیس، دولت ۳۳، ۳۵، ۴۱، ۴۶، ۱۵۹، ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۶، ۱۹۸، ۲۱۰، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۵۲، ۲۴۶، ۲۸۵، ۲۸۸، ۳۰۱
 انگلیس در ایران، سفارت ۷۶، ۱۵۷، ۱۸۶، ۲۳۸، ۲۸۷
 انگلیس، کنسولگری ۱۶
 انگلیس، نیروی دریایی ۳۵
 انگلیس، هواپیمایی ۸۶
 انگلیس و پرسیان محدود، کمپانی ۹۳
 انگلیس، وزارت خارجه ۱۵۱، ۱۹۶، ۲۱۲
 انگلستان، دولت پادشاهی ۱۹۶
 انگلستان، مجلس عوام ۱۵۹
 انگلستان، وزارت خارجه ۲۱۰

انگلیسی، خط ۱۷۱
 انگلیسی، زبان ۱۷۱، ۲۰۳، ۲۰۴
 انگلیسی، هیات ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۸۷
 انوشفر ۲۶۹
 اودل، پیترو ۲۸
 اهواز ۱۶، ۲۰، ۱۵۸، ۱۶۱
 اهواز، فرودگاه ۱۶۱
 ایالتی و ولایتی، انجمن‌های ۱۰۸
 ایتالیا ۱۰۵، ۱۷۸، ۲۲۳، ۲۵۲
 آیدن، آنتونی ۷۶، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۴۹، ۲۵۱، ۲۶۴، ۲۷۹، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۹۹
 ایران در اغلب صفحات
 ایران، ارتش ۲۱۸، ۲۲۱، ۲۹۷
 ایران، پرچم ۲۴۱
 ایران، حزب ۶۰، ۹۹، ۱۸۲، ۲۱۸، ۲۷۵
 ایران، خزانه‌داری ۲۲
 ایران، دولت ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۴۰، ۴۲، ۴۴، ۴۸، ۴۹، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۵، ۹۶، ۱۵۱، ۱۶۳، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۲، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۸، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۱۵، ۲۱۸، ۲۳۸، ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۸۵، ۲۹۶، ۲۹۸، ۳۰۱
 ایران در دوران مصدق، کتاب ۲۷۱
 ایران در لندن، سفارت ۲۳۸
 ایران در واشنگتن، سفارت ۲۰۱

۲۰۳، ۲۰۴

ایران در هلند، سفارت ۲۲۱

ایران، وزارت خارجه ۷۳، ۱۸۶

ایران ما، روزنامه ۵۵

ایرانی، هیات ۲۸۹، ۲۹۰

ایرانی نفت، شرکت ۷۳

ایرج، کوچه ۱۶۷

ایروانی، استوار ۲۸۰

ایزدی، سیروس ۲۸۸

ایستگاه راه آهن واشنگتن ۲۰۰

ایل بیگی بختیاری ۱۵

ایلخان، امیرحسین خان ۶۶، ۹۹

۲۸۴

ایلخانی بختیاری ۱۵

ایمبری، مازور ۷۱، ۱۲۱

ب

بابل ۲۱۷

باتمانقلیج، تیمار ۲۷۵، ۲۷۹

باختر امروز، روزنامه ۱۶۸، ۱۹۸

۲۵۲، ۲۵۴، ۲۶۱، ۲۷۵

بارنر ۲۸۴

بازرگان، مهدی ۱۵۸

بازرگانی، شرکت ۲۵۹

بازرگانی شرکت ملی نفت، اداه

۲۵۲

باغ طوطی شهری ۱۳۹

بالستن، بانو ۲۰۳

۲۷۶

بقایی، سرلشکر ۱۵۵، ۱۸۲، ۱۸۴

بلدی و ایالتی، انجمن های ۷۱

بلوچ قرایی، سرکرد ۲۵۵، ۲۵۶

بنزین ۴۵، ۹۶، ۱۲۲

بنش، دکتر ۴۱

بنگاه ترجمه و نشر کتاب، انتشارات

۱۰۲، ۱۷۲

بنگاه دامپروری ایران، هیات مدیره

۲۴۱، ۲۴۱

بوارده، (ابووارده) ۱۶

بوشهری، جواد ۱۵۳، ۱۸۷، ۱۹۱

۱۹۸

بوین ۱۲۷

بهار، محمدتقی ۶۶

بهار، دکتر مهدی ۴۸، ۲۹۹

بهارستان، میدان ۱۳۸، ۱۵۵

۱۸۲، ۱۹۷، ۲۵۶، ۲۷۵، ۲۷۸

بهارمست، سرلشکر ۲۴۸، ۲۵۳

بهبودی ۲۷۵

بهبهانی، آیت الله ۲۴۶، ۲۴۷

بهبهانی، میرسیدعلی ۱۰۳

بهداری، وزارت ۲۵۷

بهروزه ۳۰۳

بهره برداری اولیه، شرکت ۱۱، ۱۵

بیزاد ۳۰۳

به سوی آینده، روزنامه ۲۱۶

بهمنشیر، رودخانه ۱۶

بیات، عزت الله ۵۰، ۶۲، ۶۴، ۲۵۴

بیات، محمد ۶۴، ۶۵، ۱۵۸

بیات (سهامی السطان)، مرتضی قلی

خان ۵۰، ۲۸۹

بیات، مهندس ۱۵۸

بی. بی. سی، فرستنده ۲۷۱

بیروت ۲۷۷

بیست و پنج سال حاکمیت آمریکا بر

ایران، کتاب ۲۷۷، ۳۰۰

بی سیم ۲۷۹

بیمه چارتر، انجمن ۱۳۲

بین المللی، بانک ۱۴، ۲۰۵، ۲۱۰

۳۰۱

بیوکرافی قوام السلطنه ۵۸

پ

پارس، آژانس ۲۰۴

پارسا، اصغر ۱۷۹

پارک هرلت، جرج ۲۹۶

پاریس ۷، ۸، ۱۹، ۳۷، ۷۴، ۱۵۴

۱۸۰، ۲۰۲، ۲۹۰

پاریوت ۷۲

پاسدان، ژول ۱۷۹

پاکروان، فتح الله ۳۳

پاکستان ۳۰۱

پاکستان، دولت ۳۰۱

پال، نرمال ۲۸۴

پالوکورولج، پاول ۲۴۱

پالیزی، هدایت الله ۱۰۳

پان آمریکن ۲۹۷

پانزدهم، مجلس ۶۰، ۶۱، ۶۵، ۶۶، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۶، ۹۰، ۹۹

۱۰۱، ۱۰۲، ۱۱۸، ۲۹۹، ۳۰۰

پالیزی ۱۱۶

پراودا، روزنامه ۱۳۹

پرخیده، مهندس ۲۵۲

پرس ۹۳

پرسان ۹۳

پرون، ارنست ۲۷۴، ۲۷۱

پرشک قانونی ۲۸۰

پشت کوه ۷

پشم ۲۲۰

پل روحی ۲۲۹

پلنوم کمیته مرکزی حزب توده

ایران، قطع نامه ۱۱۲

پناهی، ابوالقاسم ۲۸۴

پنبه ۲۲۰

پنجاه سال نفت ایران، کتاب ۱۱

۱۵، ۱۸، ۱۹، ۴۶، ۴۸، ۶۹

۱۱۲، ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۶۲، ۱۶۳

۱۶۴، ۱۶۵، ۱۷۵، ۱۸۰، ۱۸۴

۲۰۵، ۲۰۷، ۲۳۷، ۲۵۱، ۲۹۹

پنس ۹۶

پوپ، مستر ۳۷، ۳۸

پورهامیون، دکتر ۲۸۴

پوند استرلینگ ۱۶

پوند طلا ۸۸

پهلوی، خیابان ۲۰۶

ش

۲۶، ۳۲، ۴۱، ۴۲، ۴۴، ۴۶، ۷۶

شکراس، شرکت نفت ۱۴۱، ۲۸۸

شلو، غار ۲۵۶

شوانیان فرد، حسن ۱۴۲

شوده، حزب ۵۰، ۶۰، ۷۲، ۹۰

۱۰۹، ۱۸۲، ۲۱۸، ۲۶۳، ۲۶۴

۲۷۵، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹

شورنبرگ ۱۱۱، ۱۱۲

شوکیو ۲۵۲

شوکیو، دادگاه ۲۵۲

شومان ۲۰۹، ۲۱۴، ۲۳۸، ۲۴۰

۲۴۹، ۳۰۱

شهران ۵، ۸، ۱۵، ۱۹، ۲۰، ۲۱

۲۲، ۲۴، ۲۷، ۲۸، ۳۳، ۳۷، ۳۸

۴۱، ۴۶، ۴۸، ۴۹، ۵۶، ۶۰، ۶۲

۶۴، ۶۵، ۶۶، ۷۶، ۸۴، ۹۰، ۹۲

۱۰۱، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۴۱، ۱۴۲

۱۴۴، ۱۵۱، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۶

۱۶۷، ۱۷۲، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۲

۱۸۷، ۱۹۳، ۱۹۴، ۲۰۴، ۲۰۵

۲۰۸، ۲۱۸، ۲۲۱، ۲۲۳، ۲۲۴

۲۲۸، ۲۳۰، ۲۳۴، ۲۵۲، ۲۶۳

۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۴، ۲۸۶، ۲۸۷

۲۸۹، ۲۹۱، ۳۰۱

شهران، پالایشگاه ۱۶۶

شهران، دادسرای ۲۳۱

شهران، دانشگاه ۹۰، ۱۰۹، ۱۴۲

شیمورتاش (سردار معظم خراسانی)،

عبدالحسین ۲۰، ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۴۶

ج

جاسوسی آمریکا، اداره ۱۴۰

جاکس ۲۱، ۲۲، ۲۴، ۲۷، ۲۸

جاکسون ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۷۸

جامعه ملل ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۴۶

۱۵۱

جامعه ملل، اساس نامه ۳۶

جامعه ملل، شورای ۴۱

جانزاده، علی ۱۱۸، ۲۲۶، ۲۳۰

جاوید، دکتر سلام الله ۶۰

جبهه آزادی، روزنامه ۲۷۵

جبهه ملی ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۵

۱۰۶، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳

۱۱۴، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۱

۱۲۲، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۶، ۱۳۷

۱۳۸، ۱۴۲، ۱۵۴، ۱۷۳، ۱۷۷

۲۱۵، ۲۱۶، ۲۲۱، ۲۲۵، ۲۲۸

۲۲۹، ۲۳۵، ۲۴۲، ۲۶۰، ۲۶۱

۲۷۵، ۳۰۰

جبهه ملی، قطعنامه ۱۵ آبان اعضای

۱۱۶

چپ، وین ۲۸۶

جکس ۲۶، ۲۵

جلیلی ۲۱۶

جم (مدیرالملک)، محمود ۷۶، ۸۲

جناب اشرف (قوام السلطنه) ۶۴، ۶۵، ۷۱

جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران، کتاب ۱۱۱، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۴۸

جنگ، وزارت ۲۲۶، ۲۲۹، ۲۵۳

جنگ جهانی اول ۱۸، ۱۹، ۷۰

جنگ جهانی در ایران، کتاب ۵۸

جنگ جهانی دوم ۲۹۹، ۳۰۰

جنگ قدرت‌ها در ایران، کتاب ۱۰۵، ۱۳۶، ۱۸۶، ۲۰۰

جنوب ایران ۸

جوانان دموکرات، سازمان ۲۱۸

جهانگلو، امیرحسین ۲۸۸

جهانگیر ۲۸۶

جهانگیر، نصرالله ۹۲

چ

چپمن ۲۰۲

چرچیل ۲۳۶، ۲۶۴

چفندر ۲۲۰

چهاردهم، مجلس ۵۶، ۶۲، ۱۵۲

۳۰۰، ۲۲۵

چهره حقیقی مصدق السلطنه، کتاب ۳۰۰

۲۶۵

خاطرات محمدعلی مسعودی، کتاب ۲۶۹

خاطرات و خطرات، کتاب ۲۴

خاطرات و تالعات دکتر مصدق، کتاب ۵۶

خاطرات هاشم‌ملک مدنی، کتاب ۲۰

خاطرات هایزر، کتاب ۲۹۷

خاکباز محسنی، حسین ۶۴

خانقاه، خیابان ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶

خان‌های بختیاری ۱۵

خانه سدان، اسناد ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۹۹

خاورمیانه ۴۷، ۴۸، ۷۰، ۱۴۱، ۲۱۰، ۲۵۱، ۲۸۵، ۲۹۹

خاورمیانه، نفت و قدرت‌های بزرگ، کتاب ۲۹۹

خاویار ۲۴۱

خدمات اجتماعی، سازمان ۱۴۲، ۱۸۲

خراسان ۱۰

خردجو ۱۵۸

خرسان، بخش ۸

خرم آباد ۱۲۷

خرمشهر (محمدره) ۱۶، ۳۳، ۱۶۱، ۱۶۵، ۱۷۲، ۱۷۷

خرز، دریای ۷۱، ۲۴۰

خرزعل، شیخ ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰

خسروانی، سرگرد ۲۴۷

خطیبی، حسین ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷

خلع‌ید ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۸، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۴

۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۸۴، ۱۹۱، ۱۹۵، ۳۰۱

خلع‌ید، قانون ۱۵۴، ۱۵۷

خلع‌ید، هیات ۱۵۸

خلع‌ید از شرکت نفت انگلیس و ایران، کتاب ۱۱۸، ۱۵۸، ۱۶۱

خلیلی، عباس ۱۶۳، ۲۴۱

خواججه‌نوری، ابراهیم ۱۹۴

خواججو، پل ۳۸

خواندنیها، مجله ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۸

خوریان، کویر ۴۹

خوزستان ۷، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۵، ۲۰، ۳۰، ۶۹، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۵۸

۱۷۳، ۱۶۶

خوزستان، عرب‌های ۱۰

خوشتاریا، امتیاز ۷۱

د

داد، روزنامه ۲۳۱

دادخواه، سرهنگ ۱۶۷

دادستان دیوان کشور ۵۱

دادگر ۱۶۸

دادگستری، وزارت ۲۳۱

۲۳۵، ۲۸۴

دکتر مخصوص شاه ۶۹، ۲۷۵

دفتري، دکتر ۱۰۹

دکتر مصدق، دفاع از نفت ۱۷۹

۲۹۸

دکتر مصدق، سخنان در جلسه ملی

۱۹ آذر ۱۳۳۰ مجلس شورای ملی

۱۵۲

دکتر مصدق و اقتصاد، کتاب ۱۴۲

دلار ۷۰، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹

۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۲۲، ۲۲۳

۲۳۶، ۲۴۵، ۲۴۹، ۲۷۸، ۲۸۳

۲۸۴، ۲۸۵، ۲۹۶، ۲۹۷

دلدن، اسکندر ۱۱۱

دمرگان، ژاک ۷، ۸، ۱۰

دمکنم، مسیو ۱۱

دموکرات آذربایجان، حزب ۶۰

۶۱

دموکرات ایران، حزب ۵۵، ۶۰

۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴

دموکرات فرقه‌سی ۵۵

دموکرات قزوین، حزب ۶۲

دموکراتیک، حکومت ۲۷۹

دنیا، سالنامه ۱۴۶

دوره دیکتاتوری ۴۸

دولت، هیات ۹۲، ۱۲۷، ۱۵۵

۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۴، ۱۸۴، ۱۹۱

۲۲۲، ۲۷۴

دولت آبادی، حسام ۲۶۵، ۲۶۷

دادگستری بین‌المللی، دیوان ۹۳

دارایی، وزارت ۱۹، ۲۱، ۲۲، ۲۶

۴۸، ۷۶، ۸۴، ۹۲، ۱۱۳، ۲۱۶

۲۴۱، ۲۴۲

دارسی، ویلیام ۸، ۹، ۱۱، ۱۶

۲۰، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۰

۳۱، ۳۳

دارسی، امتیاز ۲۲، ۲۵، ۲۶، ۳۱

۳۳، ۵۳، ۸۷، ۸۸

دارسی، شرکت ۵۴

دارسی، قرارداد ۲۷، ۲۸، ۳۰

۳۵، ۳۶، ۳۷، ۴۶، ۸۸، ۱۰۱

۱۵۲

دالس، آلن ۲۵۱، ۲۴۶، ۲۷۰

۲۴۸، ۲۸۶، ۲۹۹

دانشجو، پارک ۶۰

داور، علی اکبر ۲۰، ۳۵، ۳۶، ۳۸

۳۹، ۴۱، ۴۶، ۷۲

دبیرخانه سازمان ملل ۱۹۸

دربار ۲۱۶، ۲۴۸، ۲۵۷، ۲۵۸

۲۸۲، ۲۹۵

دربار، وزارت ۲۱، ۲۵۸، ۲۶۹

۲۷۵

دریند، هتل ۲۸۹

دریندی، نظام الدین ۲۷۲

درویش، دکتر ۲۰۷

دریک ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۶

دزفول ۱۰، ۲۱۷

دفاع ملی، وزارت ۲۳۰، ۲۳۱

۲۸۴

دومرغان (دومرگان) ۱۰

دوهر ۱۱۱، ۱۱۲

دهخدا ۲۷۶

ده‌گزارش از مصدق، کتاب ۱۱۲

۱۸۹، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۶، ۱۹۷

۲۰۳، ۲۰۵، ۲۱۹، ۲۲۰، ۳۰۰

دیکسن، ژنرال ۱۹

دیلی اکسپرس، روزنامه ۱۹۴

دیوان بیکی ۱۶۸

دیوان دادگستری لاهه ۲۲۲

دیوان عالی کشور ۲۹۵

ذ

ذبیح، سپهر ۲۷۱

ذوالفقاری، محمد ۲۱۶، ۲۲۳

۲۳۰

ذوالفقاری، ناصر ۱۰۳، ۲۱۶

ذوالقدر، مظفر ۱۳۹

ر

راديو ايران ۵۶، ۷۶، ۱۰۹، ۱۶۸

۲۱۴، ۲۳۷، ۲۴۶، ۲۵۷، ۲۶۳

۲۷۲، ۲۷۹، ۲۸۷

راديو مسکو ۶۸

راشد ۲۱۵

رامتین، انتشارات ۱۸۱

رامسر ۲۷۴

رامهرمز ۸، ۱۵

راه‌آهن ۶۰

راه‌آهن تهران، شمال ۱۰۹

رایت، دنیس ۲۸۷

رایین، اسماعیل ۱۰۲، ۱۷۲

رجبی، داود ۲۳۰

رحیمی، سرهنگ ۲۸۰

رحیمیان، غلامحسین ۵۴، ۶۵

رزم‌آزا، تیمسار ۶۱، ۱۰۱، ۱۰۵

۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۱

۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۲۷

۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۳۷

۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۵۵

۱۷۳، ۲۱۶

رزماری، نفتکش ۲۲۳

رژیم جمهوری ۲۷۵

رسا، مؤسسه خدمات فرهنگی ۱۳۹

رشت ۲۱۷

رشدیه، میدان ۲۷۸

رشیدیان ۲۳۵

رشیدیان، برادران ۲۷۹

رضازاده شفق، دکتر ۶۸، ۷۶

۱۵۴، ۱۸۷

رضوی، مهندس احمد ۶۵، ۷۶

۱۱۲، ۲۳۰، ۲۷۵، ۲۸۰، ۲۸۱

رفیعی مهرآبادی، محمد ۱۱۲

۱۵۱، ۲۵۳، ۲۷۱، ۲۹۰، ۲۹۷

رم ۱۰۵، ۱۹۸، ۲۷۴

روابط سیاسی ایران و انگلیس، کتاب ۱۱
 روابط فرهنگی ایران و آمریکا، انجمن ۲۰۴
 روابط فرهنگی سویت (شوروی) و ایران، شورای ۷۲
 روبین، باری ۱۰۵، ۱۸۶، ۲۰۰
 روحانی، فواد ۱۶۳، ۲۸۹
 روزولت (رئیس جمهور) ۴۷، ۴۸
 روزولت، کیم ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۸۳
 روسو، ژان ۹۲
 روسیه ۱۸۰
 روسیه، انقلاب ۲۴۰
 رولن، پروفور ۲۲۲
 رومانی ۹۶
 روتتری ۱۸۲
 رویال داچ شل، شرکت ۲۸۸
 رهبران مشروطه، کتاب ۵۵، ۵۸، ۲۳۰
 ریال ۲۱۲، ۲۲۲، ۲۳۲
 ریاحی، تیمسار تقی ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۵۳، ۲۵۶، ۲۷۲، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹
 زاکاندرین، کریگورویچ ۲۴۱

ز

زاهدان ۲۱۷
 زاهدی، اردشیر ۲۵۷، ۲۷۴، ۲۷۷، ۲۷۸
 زاهدی، تیمسار ۹۰، ۱۵۳، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۸، ۱۷۹، ۱۸۴، ۲۱۶، ۲۳۵، ۲۴۵، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۳، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۹۱
 زاهدی، دولت ۲۸۵
 زبرجد، انتشارات ۱۸۹
 زحمت کشان، حزب ۱۸۲، ۲۱۸، ۲۴۷
 زمینه، انتشارات ۲۲۵
 زنجان ۵۵، ۲۱۶
 زندکریمی، سرهنگ ۲۷۵
 زندگانی سیاسی اتابک اعظم، کتاب ۱۱
 زندگی سیاسی خاندان قوام السلطنه، کتاب ۶۵
 زنگنه، عبدالحمید ۱۴۲
 زنگنه، سرتیپ ۲۵۴
 زهتاب فرد، رحیم ۱۴۶، ۱۶۴، ۱۸۲
 زهری، علی ۱۳۶، ۲۵۶، ۲۵۷
 زیرکزاده، مهندس ۲۳۸، ۲۷۲، ۲۷۵، ۲۸۰، ۲۸۱

ژ

ژاپن ۱۷۸
 ژاندارمری ۲۱۸، ۲۲۱، ۲۶۳
 ژنو ۳۶، ۳۸
 ژیدل، پروفور ۹۰، ۹۲، ۱۲۱، ۱۵۲

س

ساد چیکف ۵۶، ۵۸، ۵۹، ۶۶، ۶۸، ۱۰۹، ۲۴۲، ۲۴۳
 سادفسکی ۲۴۱
 ساری ۲۱۷
 ساعد ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۷، ۹۹، ۱۰۲، ۱۰۶
 ساعد - کس، قرارداد ۱۰۱
 سالار معظم (رضاقلی خان نظام السلطنه) ۱۰
 سالم نراقی، تیمسار ۲۳۸
 سبزوار ۶۵، ۲۱۷
 سبزه میدان ۲۱۴
 سپهبدی، دکتر عیسی ۱۹۸
 سپهر (مورخ الدوله)، احمدعلی ۲۲۷، ۲۴۱
 سپه سالار، مدرسه ۹۰
 سپه سالار، میرزا حسین خان ۲۴۰
 ستاد ارتش، ریاست ۲۵۷
 ستاد ارتش ۲۷۶

سجادی، دکتر ۲۳۸، ۲۸۴
 سدان ۱۶۳، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۲
 سدان، خانه ۱۰۱، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۲
 سدرلاند ۲۱۰، ۲۱۲
 سرابندی، موسی ۲۸۴
 سرتیپزاده، علی اصغر ۱۰۳
 سرخ، ارتش ۵۶
 سردارفاخر (رضا حکمت) ۶۶، ۷۶، ۹۹، ۱۰۰
 سردار معظم خراسانی (تیمورتاش) ۲۳
 سرور خانم (دختر شیخ العراقین) ۲۵۴
 سروری، محمد ۱۵۴
 سعدآباد، کاخ ۲۲۹، ۲۶۹، ۲۷۲، ۲۷۴، ۲۸۴، ۲۹۰، ۲۹۱
 سعدی، خیابان ۲۵۶
 سفید، کاخ ۲۰۱
 سگوند، لره‌های ۱۰
 سلطانی، مسجد ۱۳۷، ۱۳۸
 سلطنت، شورای ۲۷۶
 سلطنت آباد، کاخ ۲۸۱، ۲۸۲
 سلطنتی، کاخ ۲۴۶، ۲۴۷
 سنا، مجلس ۱۰۶، ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۴، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۹۴، ۱۹۵، ۲۲۳، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۵، ۲۹۱، ۲۹۵، ۳۰۱، ۳۰۲

سنا برگ ۲۴۱

سنتو، پیمان نظامی ۳۰۱

سنجابی، دکتر کریم ۱۳۹، ۱۵۳

۱۶۲، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۳۹

سوکونی و اکیوم ۲۸۸

سوم اسفند ۱۲۹۹، کودتای ۲۰

سوم شهریور ۱۳۲۰، واقعه ۴۷

سونیس ۴۱، ۲۶۵، ۲۶۹، ۲۷۰

۲۷۴

سونیس، دولت ۲۸۷

سونیس در تهران، سفارت ۲۸۶

سهام السلطان (مرتضی قلی خان بیات)

۵۰، ۵۲، ۱۵۴، ۱۶۶، ۱۹۸

۲۵۴، ۲۸۹، ۲۹۱، ۲۹۴

سه گزارش، کتاب ۲۰۳

سهیلی، علی ۴۸، ۲۱۰، ۲۱۳

۲۸۹

سیا، سازمان ۱۱۱، ۲۷۰، ۲۷۱

سیاست موزانه منفی در مجلس

چهاردهم، کتاب ۱۳۵، ۲۲۵

سیاسی، دکتر علی اکبر ۷۶

سی ام تیرماه ۱۳۳۱، روز ۲۲۹

۲۶۵

سی ام تیرماه ۱۳۳۱، حوادث ۲۲۸

۲۳۱

سی ام تیرماه ۱۳۳۱، قیام ۲۳۰

سی ام تیرماه ۱۳۳۱، متهمین ۲۳۱

سیمان ۲۲۰

سیمون، سرجان ۳۶، ۲۰۰

سیمونز ۲۰۰

سینا، بیمارستان ۱۳۷

سینکدر، کمپانی ۴۸، ۴۹، ۷۰، ۷۱

ش

شاخت، دکتر ۲۳۲، ۲۳۴

شادمان، دکتر ۲۸۹

شانزدهم، مجلس ۹۰، ۱۰۲، ۱۲۷

۱۵۲، ۲۱۷

شاه، احمد ۱۹

شاه، رضا ۱۸، ۲۰، ۲۲، ۲۴، ۳۰

۳۶، ۴۱، ۴۶، ۴۷، ۲۷۵

شاه، کاخ ۲۴۷

شاه، محمدرضا ۴۹، ۶۰، ۶۱، ۷۲

۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۹، ۱۱۹

۱۳۸، ۱۵۵، ۱۵۸، ۱۷۵، ۱۸۴

۱۹۶، ۲۰۲، ۲۰۹، ۲۲۰، ۲۲۳

۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۴۵

۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۳، ۲۵۷

۲۵۸، ۲۶۰، ۲۶۵، ۲۶۹، ۲۷۰

۲۷۱، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۷، ۲۷۸

۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۴، ۲۸۶

۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۶، ۲۹۸

شاه، مظفرالدین ۷، ۱۰، ۱۱، ۱۲

۲۴۰

شاهآباد، خیابان ۱۸۲

شاهبختی، تیمسار ۲۴۷، ۲۵۳

شاهپورها ۲۳۰

شاهد، روزنامه ۱۳۶، ۱۶۸، ۲۴۷

۲۶۰

شاهدخت‌ها ۲۳۰

شاهرضا، خیابان ۲۷۵

شاهرود ۱۲۹

شاهنشاهی، دولت ۲۵، ۲۶، ۲۷

۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۳، ۵۸، ۹۳، ۹۸

شاهنشاهی پرس، دولت ۹۳

شایانفر، سرهنگ ۲۵۷

شایگان، دکتر سیدعلی ۱۰۳، ۱۱۷

۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۷، ۱۳۹، ۱۵۴

۱۶۳، ۱۷۹، ۱۸۴، ۱۸۷، ۱۹۸

۲۲۱، ۲۳۹، ۲۴۵، ۲۷۵، ۲۷۶

۲۸۰، ۲۸۱

شبکه سیاح، نشریه ۲۴۵

شپرد ۱۳۴، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۵۱

۱۵۵، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰

۱۹۷

شریف امامی ۲۸۱

شریفیان، عبدالحسین ۲۹۹

شط العرب ۱۶

شقایق، مهندس حسن ۱۶۶

شکر ۲۲۰

شکوه الملك ۴۱، ۴۴

شل، شرکت ۴۸، ۴۹، ۱۷۶، ۱۷۷

شمال، آب‌های ۲۴۰

شمال ایران ۷، ۴۸، ۴۹، ۵۸، ۷۳

شمال شرقی ایران ۴۸

شمس، شاهدخت ۲۴۷

شمس، کاخ ۲۴۷

شمشیری، چلوکبابی ۲۱۴

شمشیری، حسن ۲۱۴

شمیران ۲۷۲

شوادران، بنجامین ۲۹۹

شوارتسکف، ژنرال ۲۷۰، ۲۷۱

شورا، مجلس ۲۲، ۳۰، ۳۱، ۳۶

۴۴، ۴۸، ۵۰، ۵۱، ۵۳، ۵۴، ۶۱

۶۹، ۷۰، ۹۰، ۹۷، ۱۰۳، ۱۰۶

۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸

۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶

۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۴، ۱۳۷

۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۴۸

۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۵۹، ۱۶۴

۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۳

۱۸۲، ۱۸۷، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۷

۲۰۶، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲

۲۱۵، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۳، ۲۲۴

۲۲۶، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۵

۲۳۷، ۲۳۹، ۲۴۶، ۲۴۸، ۲۵۷

۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۷۰

۲۷۱، ۲۷۶، ۲۹۱، ۲۹۵، ۳۰۰

۳۰۱، ۳۰۲

شوروی ۳۵، ۴۷، ۴۹، ۵۰، ۵۱

۵۳، ۵۵، ۵۶، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱

۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۴، ۱۰۹، ۱۱۱

۱۳۹، ۱۷۵، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳

۲۶۴، ۳۰۱، ۳۰۲

شوروی، دولت ۲۷۹
شوروی، سفارت ۲۴۲، ۱۰۹، ۴۹
شورهایم، هتل ۲۰۲، ۲۰۱
شوستر ۷۰
شوش ۱۱، ۱۰، ۸، ۷
شوش، تپه کچی ۸
شوش، دژ ۸
شوشتر ۱۰
شولیانف ۲۴۱
شهرداری، پارک ۶۰
شهرداری تهران ۶۴
شهیدزاده، علی ۲۸۲
شیبانی، سرتیپ ۲۷۵
شیخ العراقین بیات ۲۵۴
شیخ خزعل، دفتر ۱۶
شیخ نشین‌های خلیج فارس ۱۱۱
شیخ هادی، سقاخانه ۱۲۱، ۷۱
شیراز ۲۱۷، ۶۶، ۳۸
شیلات، شرکت ۲۴۲، ۲۴۱
شیلات، قرارداد ۲۴۱
شیلینگ ۱۵۲، ۱۰۱، ۹۶، ۹۴، ۸۸
شیلینگ طلا ۸۸

ص

صاحب جمع، عسکر ۶۱، ۶۳
صاحبقرانیه، کاخ ۱۸۷
صالح، اللهیار ۱۰۳، ۱۱۳، ۱۱۷
۱۱۹، ۱۵۴، ۱۸۴، ۱۸۷، ۱۹۸

۲۷۱، ۲۲۱

صالح، جهانشاه ۲۸۴
صالح، علی پاشا ۲۸۴
صالحیار، غلامحسین ۵۸
صدای آمریکا ۱۰۹
صدر، حسن ۲۸۲، ۱۷۹
صدیق، دکتر عیسی ۲۰۴
صدیقی، دکتر غلامحسین ۲۱۵
۲۲۹، ۲۵۴، ۲۸۰، ۲۸۱
صرافزاده ۲۱۶
صفایی، ابراهیم ۵، ۵۸، ۳۰۳
صفی‌علیشاه، خیابان ۲۷۵، ۲۵۴
صورت جلسه ۱۶ اسفند ۱۳۲۹
کمیسیون نفت ۱۳۷
صورت جلسه مجلس سنا،
۱۳ شهریورماه ۱۳۳۰ ۱۹۵
صورت جلسه مجلس شورا،
۳۰ شهریورماه ۱۳۳۰ ۱۰۹
صورت جلسه مجلس شورا،
۲۰ آذرماه ۱۳۲۳ ۳۰۰
صورت جلسه مجلس شورا،
۱۲ مردادماه ۱۳۲۸ ۳۰۰
صورت جلسه مجلس شورا،
۶ تیرماه ۱۳۲۹ ۱۰۶
صورت جلسه مجلس شورا،
۲۲ تیرماه ۱۳۲۹ ۱۰۸
صورت جلسه مجلس شورا،
۱۳ آبان‌ماه ۱۳۲۹ ۱۱۵
صورت جلسه مجلس شورا،

۱۷ شهریورماه ۱۳۳۰ ۱۹۵
صورت جلسه مجلس شورا،
۲۴ آذرماه ۱۳۳۰ ۱۱۷
صورت جلسه مجلس شورا،
۱۹ آذرماه ۱۳۳۰ ۱۱۸
صورت جلسه مجلس شورا،
۲۹ شهریورماه ۱۳۳۳ ۲۹۱
صورت مذاکرات مجلس شورا ۴۶،
۴۹، ۵۱، ۵۴، ۶۸، ۷۶، ۹۹
۱۰۶، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۴
صورت مذاکرات مجلس شورا،
۱۸ تیرماه ۱۷۰
صورت مذاکرات مجلس شورا،
۲۵ تیرماه ۱۷۱
صورت مذاکرات مجلس شورا،
۳۰ مرداد گزارش مصدق ۱۹۳
صورت مذاکرات مجلس شورا،
۵ دی‌ماه ۱۳۲۹ ۱۲۷
صورت مذاکرات مجلس شورا،
۱۴ دی‌ماه ۱۳۲۹ ۱۲۹
صورت مذاکرات مجلس شورا،
۲۱ دی‌ماه ۱۳۲۹ ۱۳۲
صورت مذاکرات مجلس شورا،
۹ تیرماه ۱۳۳۰ ۱۶۹
صورت مذاکرات مجلس شورا،
۱۷ شهریورماه ۱۳۳۰ ۱۸۴
صورت مذاکرات مجلس شورا،
۲۳ آذرماه ۱۳۳۰ ۲۱۵
صورت مذاکرات مجلس شورا،

۲۱۰ آذرماه ۱۳۳۰ ۲۱۰

صورت مذاکرات مجلس شورا،
۱۱ آبان‌ماه ۱۳۳۱ ۲۴۰
صورت مذاکرات مجلس شورا،
۵ خردادماه ۱۳۳۲ ۲۷۶، ۲۴۸
صورت مذاکرات مجلس شورا،
۱۰ تیرماه ۱۳۳۲ ۲۶۱
صیرفی، سروان ۲۳۱

ض

ضیا، اشرف ۱۹۸، ۲۵۴
ضیایی، مهندس ۱۵۸

ط

طالقانی، خلیل ۲۳۰
طاهری، دکتر ۱۶۸، ۲۱۶
طباطبایی، سید ضیاالدین ۵۳، ۶۰،
۷۲، ۲۴۰
طباطبایی، سید محمد صادق ۵۳،
۲۲۷
طرح و تنظیم سیاست خارجی، اداره
۲۰۳
طرف داران صلح، گروه ۱۸۲
طلا ۷، ۸، ۸۶، ۱۰۱، ۱۱۷، ۱۹۴
طلای سیاه یا بلای ایران، کتاب ۱۱،
۹۷
طهماسبی، خلیل ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹

ع

- عادلی، محمد حسین ۲۹۷
عاصمی، سرهنگ ۱۶۷
عالمی، ابراهیم ۲۳۰
عامری، جواد ۶۳، ۱۰۳، ۱۱۴
۱۱۵، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۵۰، ۱۷۰
عبادان (آبادان) ۱۶
عبده، دکتر جلال ۶۳، ۷۶
عثمانی ۷
عدل، احمد حسین ۹۲، ۲۸۴
عدن ۲۵۲
عدن، دادگاه ۲۲۳
عراق ۸۸، ۳۰۱
عراق، دولت ۳۰۱
عربستان سعودی ۱۳۲، ۲۷۰
عرب شیبانی ۷۶
عربها ۷
عس، هفته‌نامه ۱۳۶، ۱۴۱، ۱۴۵، ۱۵۸، ۱۵۹
عصر جدید شوروی، روزنامه ۱۳۹
علا، ایران ۲۰۶
علا، حسین ۳۶، ۳۷، ۵۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۴، ۷۵، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۰، ۱۰۸، ۱۳۹، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۵، ۱۷۵، ۱۹۶، ۲۰۶، ۲۴۵، ۲۵۸
علم، امیراسدالله ۱۳۷، ۱۳۸، ۲۱۶
- علمی، انتشارات ۲۱۸
علمی فرانسه، انجمن ۷، ۸، ۱۱
علوی، دکتر حسین ۱۰۳
علوی مقدم، سرلشکر مهدی قلی ۲۲۸، ۲۳۲، ۲۳۸
علی آبادی، دکتر عبدالحسین ۱۵۸، ۲۲۱، ۲۳۰
عمان، کشور ۲۱۷
عملیات کنسرسیوم، منطقه ۲۹۱
عمیدی نوری ۲۷۹، ۲۸۴
عین‌الدوله ۱۰
عین‌الدوله، خیابان ۱۳۹
- غ
- غضنفری ۶۳، ۱۰۹
غلام یحیی ۵۵
غوغای نفت، کتاب ۱۴۶، ۱۵۱، ۱۶۴، ۱۸۲
- ف
- فاتح، مصطفی ۱۱، ۱۸، ۱۹، ۶۹، ۱۰۱، ۱۳۲، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۷۵
فارس، خلیج ۴۷، ۷۰، ۱۱۱، ۱۲۱
فارسی، خط ۱۷۱، ۲۰۳
فارسی، زبان ۱۰، ۱۱۱، ۱۷۱، ۲۰۴، ۲۹۰

- فاروق، ملک ۲۰۸
فاطمه خانم (همسرافشارطوس) ۲۵۴
فاطمی، دکتر حسین ۱۱۸، ۱۳۹، ۱۵۳، ۱۶۹، ۱۹۸، ۲۳۰، ۲۳۸، ۲۴۲، ۲۶۹، ۲۷۲، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۸۰
فاطمی، سروان ۲۳۱
فاطمی، سیف‌پور ۱۹۸
فدائیان اسلام ۹۰، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۲، ۱۵۴، ۱۵۵
فراکسیون حزب دموکرات ایران ۶۶
فرامرزی، عبدالرحمن ۱۰۳
فرانس دویترول، شرکت ۲۸۸
فرانسوی ۹۲
فرانس ۷، ۸، ۹۰، ۱۰۵، ۱۰۹، ۱۲۲، ۱۷۸، ۱۹۸، ۲۹۷
فرانس، زبان ۱۰، ۲۰۳، ۲۰۴
فرانس، سفارت ۱۰
فرانک ۱۰
فرخ، مهدی ۶۵
فردوسی، خیابان ۱۸۲
فرزانگان، سرتیپ ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۳
فرمانداری نظامی، انتشارات ۲۶۴
فرمانفرمایان، منوچهر ۱۱۳، ۱۱۵، ۲۲۹، ۲۸۶
فروغی ۳۶، ۳۸، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۶
فلاح، وزارت ۲۴۰
- فلورن ۱۸۰
فورت کرافت ۱۳۴
فوزیه میدان ۲۱۸
فولادوند، غلامرضا ۱۲۹، ۱۳۰، ۲۸۴
فولاندوند، سرهنگ ۲۸۰
فهیم‌الملک (خلیل فهیمی) ۱۳۹
فیروز، مظفر ۲۰، ۵۶، ۶۲، ۶۴
فیض، آیت‌الله ۱۳۷
فیض، میرزا عیسی خان ۲۱
فیلاذلیلا ۲۰۸
- ق
- قاضی محمد ۵۵
قانون اختیارات، ماده واحده ۲۳۱
قاهره ۲۰۸
قائات ۲۱۶
قبرس‌بازکمنام ۲۰۲
قربانی، سرهنگ ۲۳۱
قرض‌ملی، اوراق ۲۱۲، ۲۱۴
قریب، سرتیپ علیرضا ۲۵۳
قروین ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۲۲۸
قشقایی ۱۰۳
قشقایی، خسرو ۱۰۳
قشقایی، ناصر ۲۷۷
قصر شیرین ۲۴۵
قضایی دادرسی ارتش، سازمان ۲۳۸
قضایی کنکره آمریکا، کمیته ۲۸۴

قضایه، قوه ۱۷۰

قمی، نصرت‌الله ۱۴۲

قنات آبادی، شمس ۱۳۹

قند ۲۲۰

قوام، حسین ۷۴

قوام‌السلطنه (احمد قوام) ۵۷، ۵۵

۵۸، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۴، ۶۵، ۶۶

۶۷، ۶۸، ۶۹، ۶۷، ۱۰۸، ۱۷۴

۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱

قوام‌السلطنه، خیابان ۱۶۷

قوام - سادچیکف، موافقت نامه ۶۶

۶۸، ۹۶، ۷۴، ۱۰۱

قوچان ۵۴

قهرمان مبارزه با استعمار ۲۰۸، ۲۵۱

قهرمانی قاجار، سرهنگ شرف‌الدین

۲۵۷

قیام جنوب ۶۰

قیام مقدس ملی ۲۳۰

ک

کاخ، خیابان ۲۸۰

کادیلک ۲۰۰، ۲۰۱

کاراخان ۳۳، ۳۵، ۴۴

کارلرهارت، شارل ۷۲

کاسمی، دکتر نصرت‌الله ۱۰۳، ۱۱۶

کاشانی، آیت‌الله ... ۸۴، ۱۲۹، ۱۳۶

۱۳۸، ۱۳۹، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶

۲۱۷، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۳۱

کشور، روزنامه ۱۳۸

کشور وزارت ۶۴، ۱۸۴، ۲۰۷

۲۱۵، ۲۶۳، ۲۷۶

کشور آمریکا، وزارت ۲۰۶

کلاردشت ۲۷۱، ۲۷۴

کلاردشت، کاخ تابستانی ۲۷۱

کلارک ۲۰۵، ۳۰۱

کلاتری ۳، ۱۶۷

کمال، سرتیپ ۱۶۵

کمک‌های خارجی، اداره ۲۸۴

کمونیست شوروی، حزب ۱۳۹

کمیساریای ملی اتحاد جماهیر شوروی،

هیات ۲۴۱

کندی ۷۲

کنسرسیوم ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۹۰

۲۹۱، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۹

کنسرسیوم، قرارداد ۲۹۱، ۲۹۵

۲۹۷

کوپال، سرلشکر ۲۲۸، ۲۳۲

کوپرلو، فواد ۳۰۱

کوت عبدالله ۱۸

کوثر ۲۱۷

کودتا، کتاب ۱۵۱

کومله، حزب ۵۵

کوهی کرمانی ۵۵

کویت ۸۸

کهد ۲۶۰

کی استوان، حسین ۱۳۴، ۲۲۵

کیهان، روزنامه ۱۱۶، ۱۴۰، ۱۶۷

۱۹۸، ۲۰۷، ۲۳۵، ۲۴۲، ۲۴۶

۲۶۳

گ

گاردخانه مصدق ۲۷۱، ۲۷۹، ۲۸۰

گاردشاهی ۲۷۲، ۲۷۴

گاردنخت وزیر ۱۵۵

گاردنر، فردریک ۷۲، ۱۶۲

گارنر، رابرت ۲۰۵، ۳۰۱

گاز ۱۰، ۸۷، ۲۹۵

گاست، ژنرال ۲۹۷

گاو ۲۰۷

گرامی (داماد، کاشانی) ۲۲۸

گراهام، ژنرال ۲۰۲

گرزن، تیمار ۲۴۷

گرکان ۱۰، ۲۱۷

گرکان، خیابان ۲۲۸

گریدی، هنری ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲

۱۱۸، ۱۵۵، ۱۵۸، ۱۵۹

گس ۷۶، ۸۴، ۹۰، ۹۷، ۱۵۳

۱۶۲

گس - گلشایان، قرارداد ۹۲، ۱۱۳

۱۱۶، ۱۱۹، ۱۵۲، ۱۵۳، ۳۰۰

گلاورپ اسپیت، مؤسسه ۲۴۲

گلبادی ۷۶

گلشایان، عباسقلی ۴۶، ۹۲، ۹۷

۹۸، ۹۹، ۱۲۶، ۱۲۷

کنجدهای، جواد ۱۰۳

کوت، کامیل ۲۳۴

کوت، هیات ۲۳۴

کیلان ۱۰

کیلاتشاه، تیمسار ۲۸۳، ۲۷۹، ۲۴۷

ل

لابراتوار شیلات ۲۴۱

لاتین، خط ۲۰۳

لامپر، مادام ۷

لانگریک ۱۱۲

لاهوئی، نصرالله ۶۳، ۶۲، ۶۱

لاهه ۱۷۹، ۱۷۱، ۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳

۲۹۰، ۲۸۹

لاهه، دیوان ۳۷، ۱۵۸، ۱۷۹

۱۸۰، ۱۸۱، ۲۲۱، ۳۰۱

لاهه، هتل ۲۲۳

لرستان ۷

لرها ۷

لسانی، ابوالفضل ۱۱، ۹۷، ۲۸۶

لشکر ۲ زرهی ۲۸۲

لشکرک، کوه‌های ۲۵۶

لطفی، عبدالعلی ۲۲۹، ۲۳۸

لندن ۸، ۱۵، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲

۲۴، ۲۷، ۲۸، ۳۳، ۳۵، ۴۵، ۴۶

۷۰، ۷۲، ۷۴، ۷۶، ۸۴، ۹۲

۱۰۵، ۱۳۲، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۸۶

۱۹۴، ۲۳۸، ۲۳۸، ۲۳۸، ۲۸۱، ۲۸۹

۲۹۰، ۲۹۶

لندن، دانشگاه ۲۹۰

لودون ۲۸۹

لوله‌کشی آب تهران ۱۱۳

لوور، موزه ۸

لیانازوف، کنورکی ۲۴۰

لیره ۱۱، ۱۵، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۴

۲۹، ۳۰، ۴۴، ۴۹، ۸۶، ۸۹

۱۰۱، ۱۱۷، ۱۲۱، ۱۳۲، ۱۶۳

۱۹۵، ۲۲۲، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۹۵

لیره استرلینگ ۴۵، ۹۴، ۹۵، ۹۶

۲۳۶

لیره طلا ۸۷، ۱۰۱، ۱۵۲، ۳۰۰

لیره کاغذی ۱۰۱، ۱۵۲، ۳۰۰

م

مادر، ملکه ۲۳۰

مادر معظمی، خانم ۲۸۰

مارشال ۶۹

مارلی‌کت، کلنل ۳۸

مارسیون، هربرت ۱۵۰

ماریوت ۱۰، ۱۱

مازندران ۱۰

مازوت ۹۶

ماسلی، لئونارد ۱۱۲، ۱۵۱، ۲۵۳

۲۹۰، ۲۹۷

مالید، وزارت ۲۵، ۲۶

ماماتین ۸، ۱۵

ماهشهر، بندر ۲۰

ماهی ۲۴۰، ۲۴۱

متین دفتری، دکتر احمد ۱۵۴

۱۵۸، ۱۶۱، ۱۸۴، ۱۸۷، ۱۸۸

۱۹۸

مجدزاده، بهرام ۲۸۲

مجموعه مکاتبات و سخن‌رانی‌های

کاشانی، کتاب ۱۳۹

محاصره اقتصادی ایران ۲۳۶

محمرة (خرمشهر) ۱۶

محمود، محمود ۱۱، ۶۳، ۶۶

مخبر السلطنه (مهدیقلی هدایت) ۲۲

۲۴۰

مخبر فرهمند ۱۶۸

مختلط، هیات ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰

۱۵۴، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۳، ۱۶۴

۱۸۴، ۱۸۷، ۱۹۱، ۱۹۷

مدیر، سرتیپ ۲۵۶، ۲۷۸

مدیر الملك (محمودجم) ۸۲

مذاکرات نفت ۱۳۳۳ وزارت

دارایی، پرونده ۲۸۵

مردم، روزنامه ۵۰

مرزبان، هفتده نامه ۲۷۲-۲۷۵

مرکزی شرکت نفت، اداره ۱۶۶

مرکزی نفت، شرکت ۲۲

«مرگ بر انگلیس» (شعار) ۲۳۸

مرینوس، کوسفند ۲۰۷

مرینی، سرتیپ ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷

مستشاران ماورا، نجار، هیات ۱۱۱

مسجد سلیمان ۷، ۸، ۱۵، ۱۶، ۱۸

۱۶۶، ۲۰

مسعودی، عباس ۱۹۸

مسعودی، محمدعلی ۶۳، ۶۸

مسکو ۲۴، ۳۳، ۵۶، ۶۸، ۷۲، ۷۴

مشاور، یوسف ۱۵۳

مشاور الممالک (علی قلی خان

انصاری) ۲۴۱

مشرقی، محمود ۱۰۵، ۱۸۶، ۲۰۰

مشروطه ایران ۷۶

مشروطیت، رژیم ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸

مشعل‌های خلیج فارس، کتاب ۲۸۸

مشکین شهر ۲۱۶

مشیرالدوله نایینی، نصرالله خان ۱۱

۱۴، ۵۳

مشیرالملک (پیرنیا)، حسن خان ۱۸۰

مصباح‌زاده ۱۹۸

مصدق، احمد ۱۹۸

مصدق، انتشارات ۲۷۹

مصدق، دکتر غلامحسین ۲۰۱

۲۰۳

مصدق، دکتر محمد در اغلی

صفحات

مصدق، کتاب ۱۱۸، ۲۲۶

مصدق در محکمه نظامی، کتاب

۲۰۹، ۲۱۴، ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۳۱

۲۴۶، ۲۶۴، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶

۲۷۷

«مصدق، نفت، کودتا»، کتاب ۲۳۷

۲۴۹، ۲۵۱، ۲۴۶، ۲۷۵، ۲۷۹
 ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۹۷
 مصدق و مسائل حقوق و سیاست،
 کتاب ۲۲۵
 مصدقی، سرتیپ باقر ۲۵۴، ۲۵۵
 مصدقی، هادی ۲۶۰
 مصر ۷۴، ۲۰۸، ۲۹۷
 مصر، وزارت خارجه ۲۰۸
 مصونیت سیاسی ۱۶۷، ۱۶۸، ۲۰۶،
 ۲۰۷
 مطبوعات واشنگتن، باشگاه ۲۰۳
 مظفر، روزنامه ۱۳۴
 معادن، مجله ۷
 معارف، وزارت ۱۱
 معتمدالسلطنه ۲۲۹
 معدل شیرازی ۱۷۰
 معظمی، دکتر عبدالله ۶۳، ۶۵،
 ۱۲۷، ۱۵۴، ۲۴۵، ۲۶۱، ۲۶۲
 معظمی، سیف الله ۲۳۰، ۲۸۰،
 ۲۸۱
 مفتاح، عبدالحسین ۲۸۴
 مفسد فی الارض ۲۳۰
 مقبلی، سرلشکر ۲۸۱
 مقررات آزادی کش ۲۳۹
 مقننه، قوه ۲۱۵
 مکاتبات کاشانی ۲۲۸
 مکزیك، خلیج ۹۶
 مك كلور، ژنرال ۲۸۵

مك كی، جرج ۱۴۱، ۱۴۵، ۱۹۹،
 ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴
 مك گی، مزرعه ۲۰۳
 مكی اراکی، حسین ۶۴، ۶۵
 مكی، حسین ۶۴، ۶۵، ۷۶، ۹۹،
 ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۷،
 ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۷، ۱۳۹، ۱۵۴،
 ۱۵۸، ۱۶۱
 ملك اسماعیلی ۲۳۰، ۲۵۶
 ملك الشعراء، بهار ۶۶
 ملك مدنی، هاشم ۲۰
 ملكی، احمد ۱۵۴، ۲۱۶
 ملل متحد، سازمان ۹۳، ۱۵۲،
 ۱۷۱، ۲۱۰، ۲۳۴، ۲۸۶، ۲۸۹
 ملی، بانک ۳۶، ۷۶، ۱۳۲، ۱۴۹،
 ۱۶۵، ۱۷۱، ۱۹۵، ۲۰۷، ۲۱۲،
 ۲۱۴، ۲۳۲، ۲۳۴، ۲۴۹
 ملی شدن شیلات ۲۴۲
 ملی نفت ایران، شرکت ۱۴۹،
 ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۷۵،
 ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۸۰، ۱۹۰، ۱۹۱،
 ۱۹۷، ۲۰۵، ۲۱۰، ۲۲۳، ۲۵۲،
 ۲۸۷، ۲۸۹، ۲۹۱، ۲۹۵، ۲۹۶،
 ۲۹۷، ۳۰۱
 متاجف، کمپانی روسی ۵۳
 منتخب نخست وزیر، کمیسیون
 ۱۹۶، ۱۷۰، ۱۷۱
 منتصر، نصرت الله ۱۶۶
 مندرس، عدنان ۳۰۱

منزّه، سرتیپ دکتر ۲۵۵، ۲۵۶،
 ۲۵۷
 منشور برادری، انتشارات ۱۳۹
 منصف، محمدعلی ۲۱۶
 منصور، حسن علی ۲۰۶، ۲۰۷
 منصور (منصورالملك)، علی ۱۰۲،
 ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۲۷
 منصوری، جواد ۲۷۷، ۳۰۰
 موحد رستکار (خلیل طهماسبی)،
 عبدالله ۱۳۷
 مورخ الدوله سپهر، احمد علی
 ۱۱۱، ۱۱۲، ۲۴۱، ۲۴۲
 موریس، تلگراف ۲۰۴
 مورسیون ۱۵۸
 مؤسسان، مجلس ۲۷۵
 مؤسسان دوم، مجلس ۹۰
 موسوی زاده ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵
 مولوتف ۵۶
 مونت ورنن ۲۰۲
 مونیخ ۱۹۸
 ممتاز، سرهنگ ۲۴۸، ۲۷۱، ۲۷۲
 ممتازالسلطنه، صمدخان ۱۸۰
 مهاباد ۵۵
 مهدور الدم ۱۳۹
 مهرزاد ۳۰۳
 مهنّا، سرتیپ ۲۳۰، ۲۳۱
 مهندس الممالك غفاری ۱۱، ۱۵
 میتسو، نفتکش ۲۵۲
 میدلتون ۱۸۶، ۱۸۷

میراث خوار استعمار، کتاب ۴۸،
 ۲۹۹
 میراشرافی ۲۱۶، ۲۷۹، ۲۸۳
 میلپو ۲۲۵
 میور ۲۰۰
ن
 ناپل ۲۵۲
 ناپیراسو ۸
 نادری، خیابان ۷۲، ۱۶۷، ۲۱۸
 نادری، سرهنگ ۲۵۷
 نادریان، سرهنگ ۲۳۱
 ناشنال بانک لندن ۲۱، ۲۲
 ناکفته‌ها، کتاب ۱۳۹
 نامه ۷۸۸۷ مورخ ۱۲/۶/۱۳۳۱
 وزارت کشاورزی به وزارت کشور
 ۲۰۷
 نبوی، تقی ۲۴۱
 نبوی، حسن ۹۹
 تیز، پیل ۲۰۳
 نجاتی، سرهنگ غلام رضا ۱۱۱،
 ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۴۸، ۱۵۱، ۲۰۳
 نجم (نجم الملك)، ابوالقاسم ۷۶،
 ۸۳، ۱۵۴
 نحاس پاشا ۲۰۸
 نخست وزیران ایران، کتاب ۱۱۳،
 ۱۴۴
 نخست وزیری ۶۹

نریمان، محمود ۱۰۳، ۱۱۸، ۱۲۲، ۱۳۹، ۲۸۰، ۲۸۱
 نصر، دکتر تقی ۱۱۴، ۱۱۵
 نصرت الدوله ۱۹، ۲۰
 نصیری، نعمت الله ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۴، ۲۷۷
 نظارت، انجمن ۶۴، ۶۵
 نظارت خلعید، هیات ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۶
 نظام السلطنه، رضاقلی خان ۱۰
 نفت، صنعت ۱۶۳
 نفت، صورت مذاکرات کمیسیون مخصوص ۹۰
 نفت، کمیسیون ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۰، ۲۸۶
 نفت انگلیس و ایران، شرکت ۱۵
 نفت بختیاری، شرکت ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۳، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۴۰، ۴۱، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۹، ۵۴، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۹، ۷۰، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۵، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱

۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۷، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۹، ۲۰۵، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۲۳، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۵۲، ۲۵۵، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۱، ۲۹۵، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱
 نفت انگلیس و ایران محدود، شرکت ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۷
 نفت ایران ۲۱۹، ۲۵۱
 نفت ایران، شرکت همکاری ۲۱۰
 نفت ایران، هیات مدیره موقت ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۹۷
 نفت ایران و شوروی، شرکت مختلط ۲۴۱، ۲۵۶، ۲۵۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۳، ۲۸۱
 نفت ایران و شوروی، موافقت نامه ۶۶، ۷۰
 نفت بختیاری، شرکت ۱۵
 نفت جنوب ۳۳، ۷۴، ۱۱۱، ۱۲۵، ۱۵۲، ۱۷۴
 نفت جنوب، امتیاز ۵۴، ۱۱۱، ۱۲۶
 نفت جنوب، تأسیسات ۱۸
 نفت جنوب، کمپانی ۵۵
 نفت خام ۲۹۵
 نفت خانه ۸۹

نفت خوزستان ۶۹
 «نفت، سیاست و کودتا»، کتاب ۱۱۲، ۲۵۳، ۲۹۷
 نفت شاه ۸۹
 نفت شمال، امتیاز ۵۳، ۷۰، ۷۲
 نفت شمال ایران ۷۰، ۷۱
 نفت شمال و شرق ایران، امتیاز ۷۲
 نفت شهر ۱۶۶
 نفت عراق، شرکت ۸۸
 نفت وسلطه، کتاب ۲۷۹
 نفت و سیاست خارجی، کتاب ۲۷۹
 نفت و سیاست در خاورمیانه، کتاب ۲۹۰
 نفت و کشورهای بزرگ جهان، کتاب ۲۸۸
 نفت و نطق مکی، کتاب ۱۰۱
 نفتون، میدان ۸، ۱۵
 نقیسی، حسین ۲۴۱، ۲۸۶، ۲۹۶
 نقدی، سپهبد ۱۵۳
 نقدی بر کتاب سیاه، کتاب ۶۵
 نقره ۷، ۸
 نگرشی کوتاه بر نهضت ملی ایران، کتاب ۱۳۹
 نمازی، حاج محمد ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۷۵، ۱۷۸، ۲۸۹، ۳۰۰
 نمایندگی سیاسی ایران در سازمان ملل، هیات ۲۸۶
 نواب، حسین ۱۹۸، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۹

نوری، آیت الله ۲۴۶
 نوری سعید ۳۰۱
 نوید آینده، روزنامه ۱۴۱
 نهم اسفند، رویداد ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۸، ۲۵۸
 نهم اوت ۱۹۱۹، قرارداد ۱۹
 نیاوران، کاخ ۱۸۷
 نیویورک ۷۲، ۱۹۸، ۲۹۰
 نیویورک تایمز، روزنامه ۴۸

و

واحدی ۱۳۹
 واراشیلف ۳۰۲
 واردات و صادرات آمریکا، بانک ۲۰۶
 واردی ۲۹۶
 وارستد، محمدعلی ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۶۲، ۱۸۵، ۱۸۷، ۱۸۹
 وارن، ویلیام ۲۰۶
 واسیلیف، آلکسی ۲۸۸
 واسیلیویچ، دیمیتری ۲۴۱
 واشنگتن ۳۳، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۴، ۱۰۸، ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۲۱، ۲۸۹
 واشنگتن، جرج ۲۰۳
 واشنگتن، حاجی ۱۱۱
 واشنگتن، دادگاه ۲۵۲
 واشنگتن پست، روزنامه ۱۹۸

۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱

والاتبار ۲۴۵

والترید، بیمارستان ۲۰۱

والترز، ۱۸۲، ۱۸۶، ۲۰۱، ۲۰۳

واتیسف، قرارداد ۲۴۰

واتیسف، کریکور ۲۴۰

وثوق، سرلشکر احمد ۲۳۰، ۲۸۴

وثوق، عبدالله ۶۵

وثوق الدوله ۱۹، ۱۲۱

وثوقی، ناصر ۱۶۷، ۱۶۸

وحیدالملک شیبانی ۱۱

ورلدش کانگ، روزنامه ۱۹۴

وزارت امور خارجه، کاخ ۲۸۶

وزرا، ایران، هیات ۷۳، ۷۶، ۱۴۹

وزیر دفتر، کاخ ۲۰۶

وفا، تیمسار ۲۳۸

ولایتی و ایالتی، انجمن‌های ۷۰

ولف، درومند ۸، ۱۰

ولی‌عصر، خیابان ۲۰۶

ونروللا ۷۳، ۸۸، ۱۷۶

وود هاوس ۲۷۲

ه

هاردمن، رونالد ۲۸۹

هاردینگ ۱۰

هاریمن، اورل ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۴

۱۸۵، ۱۸۶، ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۴

۱۹۵، ۱۹۶

همایونفر، مهندس ۱۵۸

همکاریهای اقتصادی، اداره ۲۰۱

هندرسن ۱۴۲، ۲۴۴، ۲۴۹، ۲۵۱

۲۶۵، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۷

۲۷۸، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶

۲۸۶، ۲۹۱، ۲۹۷

هندوستان ۲۱۰، ۲۹۷

هندی، سربازان ۱۸

هواییمایی انگلستان در خاورمیانه و

هندوستان ۲۱۰

هوور ۴۸، ۷۰، ۷۳، ۲۸۵، ۲۸۶

۲۸۷، ۲۸۹، ۲۹۰

هویدا ۲۹۶

هیات وزیران، جلسه ۲۹۱

هیراد، رحیم ۲۷۵

هیگرسن ۲۰۰، ۲۰۱

هیئت، علی ۱۵۳، ۱۸۸

ی

یادداشت سی‌ام تیر، کتاب ۲۲۷

یزد ۲۱۶

یزدان پناه ۲۵۳

یزدی، دکتر ۱۸۷

هایزر، ژنرال ۲۹۷

هرتسفلد ۱۱

هدایت، خسرو ۶۰

هدایت، سرلشکر عبدالله ۲۸۴

هدایت، محمود ۱۰۹

هدایت، مهدیقلی ۲۴

هدایتی، محمدعلی ۱۰۳

هزارو سیصد و دوازده، امتیاز نامه

۸۶، ۸۷، ۸۸

هزارو نهصد و سی و سه، اساس نامه

۸۹

هزارو نهصد و سی و سه، امتیاز نامه

۴۶

هزارو نهصد و سی و سه، قرارداد

۴۸، ۴۹، ۵۴، ۸۴، ۱۱۵، ۱۱۸

۱۲، ۱۲۶، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۵۰

۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۷، ۱۹۹

۳۰۰

هزارو نهصد و نوزده، قرارداد ۱۲۱

هزیر، عبدالحسین ۷۴، ۸۴، ۸۵

۹۰، ۹۲، ۱۰۱، ۱۳۶، ۱۵۲

هشت نفری، هیات ۲۶۰، ۲۶۱

هفتکل ۱۸

هفدهم، مجلس ۱۳۶، ۲۱۴، ۲۱۵

۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۲۳، ۲۶۳

۲۶۴، ۲۸۶

هلند ۱۹۸، ۲۱، ۲۲۲، ۲۸۹

هلند، ملکه ۲۲۲

هلند، وزارت خارجه ۲۲۱، ۲۲۲

فهرست تصاویر و اسناد

- | | |
|--|---|
| محمدعلی فروغی (ذکا، الملك) ۴۳ | ویلیام داریسی ۹ |
| سهام السلطان بیات و کافتارادزه ۵۲ | مظفرالدین شاه ۱۲ |
| احمدقوام (قوام السلطنه) ۵۷ | میرزا علی اصغر خان اتابک ۱۳ |
| ساجیکف سفیر شوروی ۵۹ | میرزا نصرالله مشیرالدوله نائینی ۱۴ |
| عکس دسته جمعی در افتتاح حزب | شیخ خزعل ۱۷ |
| دمکرات در قزوین ۶۳ | عبدالحسین تیمورتاش (سردار معظم خراسانی) ۲۳ |
| احمدقوام (قوام السلطنه) هنگام تقدیم قرارداد ۶۷ | نامه وزارت دارایی درباره لغو قرارداد داریسی ۲۶ |
| حسین علا، ۷۵ | نامه اعتراض آمیز جاکس درباره لغو قرارداد داریسی ۲۸-۲۹ |
| نامه علا، ۷۷-۸۰ | تصمیم مجلس شورا در تایید لغو امتیاز داریسی ۳۱ |
| ابراهیم حکیمی (حکیم الملك) ۸۱ | سید حسن تقی زاده ۳۲ |
| محمود جم (مدیر الملك) ۸۲ | لرد کدمن ۳۴ |
| ابوالقاسم نجم (نجم الملك) ۸۳ | علی اکبر داور ۳۹ |
| عبدالحسین هزیر ۸۵ | متن گزارش به خط فروغی درباره نطق تقی زاده در مهمانی کدمن ۴۲ |
| محمدساعد مراغه‌ای ۹۱ | |
| عباسقلی کلشاییان ۹۸ | |
| رضا حکمت (سردار فاخر) ۱۰۰ | |
| علی منصور (منصور الملك) ۱۰۴ | |
| سپهد حاجی علی رزم آرا ۱۰۷ | |

www.adabestanekave.com

www.adabestanekave.com

کتابشناسی

الف- اسناد و خاطرات منتشر نشده:

اداره انتشارات و تبلیغات، اسناد منتشر نشده

انتظام، نصرالله- خاطرات خطی

دولت آبادی، حسام- خاطرات خطی در آرشیو وزارت فرهنگ و هنر سابق

شرکت نفت سابق، آرشیو اسناد

کمیسیون مخصوص نفت، صورت مذاکرات

مسعودی، محمدعلی- خاطرات خطی در آرشیو وزارت فرهنگ و هنر سابق

ملك مدنی، هاشم- خاطرات خطی در آرشیو وزارت فرهنگ و هنر سابق

وزارت امور خارجه، آرشیو اسناد

وزارت دارایی سابق، آرشیو اسناد

وزارت دارای سابق، پرونده مذاکرات نفت

ب- اسناد و نشریات منتشر شده:

آرام، روزنامه (۱۳۳۱)

اراده آذربایجان، روزنامه (۱۳۳۱-۱۳۳۰)

اسناد دوران پهلوی - مرکز اسناد و آمار کمیته شماره ۱۰، آموزش و اطلاعات مردم

نشریه ش ۲ اطلاعات، روزنامه (۱۳۶۸، ۱۳۴۵، ۱۳۳۳، ۱۳۳۲، ۱۳۳۱، ۱۳۳۰، ۱۳۳۰،

۱۳۲۳)

امیدایران، مجله (۱۳۵۸)

انجمن تاریخ (فروردین ۱۳۵۲)

جمال امامی پشت تریبون مجلس
۲۱۱

علی سهیلی ۲۱۳

دکتر سید حسن امامی (امام

جمعه تهران) ۲۲۴

آیت الله کاشانی ۲۳۳

دکتر مصدق و سادچیکف سفیر

شوروی ۲۴۳

دکتر مصدق و هندرسن سفیر آمریکا

۲۴۴

آیزنهاور رئیس جمهور آمریکا ۲۵۰

ابوالقاسم امینی ۲۵۹

دکتر عبدالله معظمی ۲۶۲

سرلشکر حسن ارفع ۲۶۶

حسام دولت آبادی ۲۶۷

هندرسن سفیر آمریکا ۲۶۸

سپهد زاهدی ۲۷۳

هوارد پیچ ۲۹۲

دکتر علی امینی ۲۹۳

سهام السلطان (مرتضی قلی بیات) ۲۹۴

هنری کریدی (سفیر آمریکا) ۱۱۰

جواد عامری ۱۲۰

دکتر علی شایگان ۱۲۳

غلام حسین فروهر ۱۲۸

غلام رضا فولادوند ۱۳۱

سرویلیام فریزر ۱۳۳

یادکاری از دیدار نویسنده کتاب

با دکتر مصدق در ۱۸ اسفند ۱۳۲۹ ۱۳۵

حسین علا، ۱۴۳

دکتر مصدق در لباس رسمی ۱۴۷

دکتر محمد مصدق روی تخت خواب

۱۵۶

باقر کاظمی و شپرد سمیرانگلیس ۱۶۰

ترومن رئیس جمهور آمریکا ۱۸۳

هاریمن نماینده ترومن، وارسته

وزیر دارایی و حسین پیرنیا ۱۸۵

استوکس، کاظمی، هیئت

و دکتر احمد متین دفتری ۱۸۸

دکتر مصدق و استوکس نماینده دولت

بریتانیا ۱۹۲

www.adabestanekave.com

ایران ما، روزنامه (۱۳۲۳)

باختر امروز (۱۳۳۲)

بدسوی آینده (۱۳۳۰)

نایمزلندن (۱۹۵۰)

جبهه آزادی (۱۳۳۲)

خواندنیها، مجله (۱۳۴۲)

داد، روزنامه (۱۳۳۱)

دنیای سالنامه (سال ۲۱)

شاهد، روزنامه (۱۳۳۲، ۱۳۳۱، ۱۳۳۰)

شبکه، سیاح، نشریه

عس، هفتدنامه (۱۳۳۰، ۱۳۲۹)

قطعه نامه پلنوم کمیته مرکزی حزب توده (۱۳۳۶)

کیهان، روزنامه (۱۳۴۳، ۱۳۳۲، ۱۳۳۱، ۱۳۳۰، ۱۳۲۹)

مردم، روزنامه (۱۳۲۳)

مرزبان، هفتدنامه (۱۳۳۲)

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی (ادوار چهاردهم، پانزدهم، شانزدهم،

هفدهم و هجدهم)

نوید آینده، روزنامه (۱۳۲۹)

واشنگتن پست (۱۹۵۱)

ج- کتب منتشر شده فارسی

آیت، سید حسن، چهره حقیقی مصدق السلطنه، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۱.

ارسنجانی، حسن، یادداشت‌های سی ام تیر تهران، چاپ اول، تهران، بی‌نا، ۱۳۶۱.

اداره انتشارات و تبلیغات، اسناد نفت، چاپ دوم، تهران، انتشارات رامتین،

۱۳۵۹.

اسکرین، سرکلارمونت، جنگ جهانی در ایران، ترجمه غلامحسین صالحیار، چاپ

اول، تهران، انتشارات اطلاعات، بی‌نا.

افشار، ایرج، مصدق و مسایل حقوق و سیاست، تهران، زمینه، ۱۳۵۹.

امیرعلایی، شمس‌الدین، خاطرات من در یادداشت‌های پراکنده، چاپ اول، تهران،

انتشارات دهخدا، ۱۳۶۳.

امیرعلایی، شمس‌الدین، نقدی بر کتاب سیاه، چاپ اول، تهران، انتشارات

دهخدا، ۱۳۶۴.

اودل، پیتر، نفت و کشورهای بزرگ جهان، ترجمه امیرحسین جهان‌بگلو،

چاپ اول، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۴.

بزرگمهر، جلیل، مصدق در محکمه نظامی (۲ جلد)، چاپ اول، تهران، نشر تاریخ

ایران، ۱۳۶۳.

بقایی کرمانی، مظفر، چدکسی منحرف شد، مصدق یا بقایی؟ چاپ اول، تهران،

بی‌نا، ۱۳۶۳.

بهار، مهدی، میراث خوار استعمار، چاپ چهارم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۶.

تفصیلی، جهانگیر، مصدق، نفت، کودتا، چاپ اول، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۸.

تواناییان فرد، حسن، مصدق و اقتصاد، چاپ اول، تهران، آگاه، ۱۳۶۰.

جانزاده، علی، مصدق، چاپ اول، تهران، انتشارات جانزاده، ۱۳۵۸.

خوش‌نیت، سید حسین، زندگی‌نامه و مبارزات شهید نواب صفوی، چاپ اول،

تهران، انتشارات منشور برادری، ۱۳۶۵.

دلدم، اسکندر، حاجی واشنگتن، چاپ اول، تهران، بی‌نا، ۱۳۶۷.

دهنوی، م. مجموعه‌ای از اعلامیه‌ها و مکتوب آیت‌الله کاشانی (۵ جلد)، چاپ

اول، تهران، انتشارات چاپخش، ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۳.

ذبیح، سپهر، تاریخ جنبش کمونیستی در ایران، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی،

چاپ اول، تهران، انتشارات عطایی، ۱۳۶۴.

رائین، اسماعیل، اسناد خانه سدان، چاپ اول، تهران، بنکاه ترجمه و نشر کتاب،

۱۳۵۹.

روبین، باری، جنگ قدرت‌تهدا در ایران، ترجمه محمود مشرفی، چاپ اول، تهران،

انتشارات آشتیانی، ۱۳۶۳.

زهناب فرد، رحیم، غوغای نفت، پیش‌بینی‌های تلخ سیاسی، تهران، بی‌نا،

۱۳۳۳.

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، نگرشی کوتاه بر نهضت ملی ایران، تهران، بی‌نا،

۱۳۵۸.

www.adabestanekave.com

- شوادران، بنحامین. خاورمیانه و قدرت‌های بزرگ، چاپ اول. تهران، انتشارات جیبی، ۱۳۵۴.
- صدر، حسن. دفاع دکتر مصدق و نفت، چاپ اول. تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۸.
- صفایی، ابراهیم. رهبران مشروطه، جلد اول، چاپ دوم. تهران، جاویدان، ۱۳۶۲.
- صفایی، ابراهیم. نخست‌وزیران ایران، جلد اول. تهران، انتشارات انجمن تاریخ، ۱۳۵۱.
- عراقی، مهدی. ناکفته‌ها، چاپ اول. تهران، رسا، ۱۳۷۰.
- فاتح، مصطفی. پنجاه سال نفت ایران، چاپ اول. تهران، بی‌نا، ۱۳۳۵.
- فرخ، مهدی. شجره خبیثه یا خانواده خیانت (خانواده قوام‌السلطنه و وثوق‌الدوله). تهران، بی‌نا (چاپ اول بدون ذکر مؤلف صورت گرفته است)، ۱۳۲۶.
- فرمانداری نظامی تهران. کتاب سیاه درباره سازمان افسران توده، چاپ اول. تهران، بی‌نا، ۱۳۳۴.
- کوهی کرمانی، حسین. از شهریور ۲۰ تا فاجعه آذربایجان (۲ جلد). تهران، بی‌نا، ۱۳۲۵-۲۹.
- کی استوان، حسین. سیاست موازنه منفی در مجلس چهاردهم (۲ جلد). تهران، انتشارات روزنامه مظهر، ۱۳۲۹.
- لسانی، ابوالفضل. طلای سیاه یا بلای ایران، چاپ اول. تهران، بی‌نا، ۱۳۲۹.
- ماسلی، لئونارد. نفت، سیاست و کودتا در خاورمیانه (۳ جلد). ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، چاپ اول. تهران، نشرخامد، ۱۳۶۵.
- محمود، محمود. تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس (۸ جلد)، چاپ اول. تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۲۳-۱۳۲۸.
- مصدق، محمد. ده گزارش، مجلس شورای ملی. تهران، زبرجد، ۱۳۵۸.
- مصدق، محمد. خاطرات و تالعات. به کوشش ایرج افشار. تهران، علمی، ۱۳۶۵.
- مکی، حسین. کتاب سیاه (۲ جلد). تهران، ناشران مختلف، ۱۳۶۸-۱۳۵۸.
- مکی، حسین. نفت و نطق مکی، چاپ دوم. تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۸.
- ملکی. حسین. تاریخچه جبهه ملی ایران، چاپ اول. تهران، روزنامه ستاره،

- ۱۳۳۳.
- منصوری، جواد. بیست و پنج سال حاکمیت امریکابرایران، چاپ اول. تهران، بی‌نا، ۱۳۶۴.
- نجاتی، غلامرضا. جنبش ملی شدن صنعت نفت در ایران و کودتای ۲۸ مرداد، چاپ سوم. تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۶.
- سد گزارش. تهران. شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۹.
- واسیلیف، الکسی. مشعلهای خلیج فارس. ترجمه سیروس ایزدی، چاپ اول. تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۹.
- وودهاوس، سی. ام. کودتای ۲۸ مرداد. ترجمه نظام‌الدین دربندی، چاپ اول. تهران، نشر راهنما، ۱۳۶۳.
- هایزر، رابرت. مأموریت در تهران. ترجمه محمدحسین عادل، چاپ اول. تهران، رسا، ۱۳۶۵.
- هدایت، مهدیقلی (مخبرالسلطنه). خاطرات و خطرات، چاپ دوم. تهران، زوار، ۱۳۴۲.